

# آموزش ابتدایی

۶

رشد

برای آموزگاران دبستان، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان آموزشی دوره‌ی هجدهم/ اسفند ماه ۱۳۹۳/ شماره‌ی بی‌دری ۱۴۷  
ماننامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی



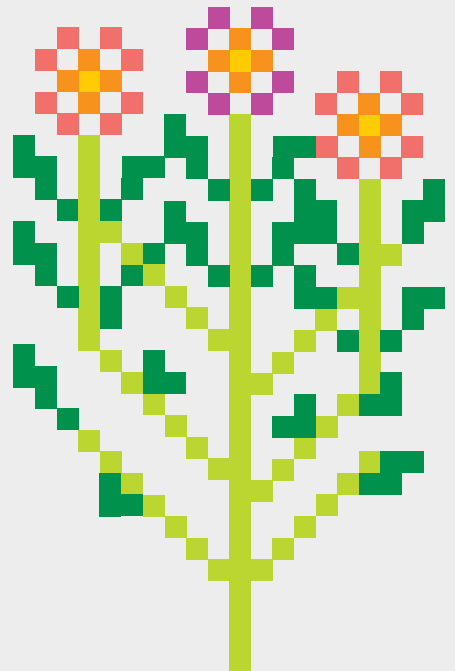
وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری  
سردبیر: اصغر ندیری  
شورای برنامه‌ریزی:  
فاطمه رضایی، حسن طاهری  
سیده‌زهرای یاسینی، یدالله رهبری‌نژاد  
صادق صادق‌پور  
مدیر داخلی: فهیمه دهقان  
ویراستار: لیلا بنی‌طیاء-خان‌آبادی  
طراح گرافیک: علیرضا پورحنیفه

نشانی دفتر مجله:  
تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶  
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱  
تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸  
۰۲۱-۸۸۸۳۱۱۶۱-۹ (داخلی ۳۷۵)  
نمبر: ۸۸۳۰۱۴۷۸

وبگاه: www.roshdmag.ir  
پیام‌نگار: ebtedayi@roshdmag.ir  
تلفن پیام‌گیر نشریات رشد:  
۸۸۳۰۱۴۸۲  
کد مدیر مسئول: ۱۰۲  
کد دفتر مجله: ۱۰۹  
کد مشترکین: ۱۱۴  
نشانی امور مشترکین:  
تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱  
تلفن امور مشترکین:  
۷۷۳۳۶۶۵۵ و ۷۷۳۳۶۶۵۶-۰۲۱  
شمارگان: ۳۲۰۰۰  
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

عکس روی جلد: اعظم لاریجانی



## یادداشت سردبیر / به دنبال چه می‌گردیم! / اصغر ندیری / ۲

**آموزش فرهنگ آموزش و پرورش سایه / دکتر ابوالفضل بختیاری-مهناز اخباری آزاد / ۴** ● برای ارتقای آموزش قرآن معیار داشته باشیم / رضا بناتی / ۷ ● من نقش می‌خواهم! / دکتر نیره شاه‌محمدی-افشین چمن‌آرا / ۸ ● تیمز، واقعیت‌ها، روش‌ها و مفاهیم / بهزاد قباخلو / ۱۲ ● چرا با کلمات بازی می‌کنیم؟ / مژگان محمدی / ۱۸ ● از تخیل به سوی خلاقیت / قلیچ بیچرانلو حسن / ۴۵ ● راهنمای تأثیرگذار برای آموزش خواندن به کودکان / سیده‌زهرای یاسینی / ۵۳ ● مرحباً به خودم! / زهره اولیائی / ۵۶ ● ریاضی در خانواده / مترجم: نسرین امامی‌زاده / ۵۸

## نکته / تلنگرهای خودمانی / ۱۰

**خاطره / همه‌ی بچه‌ها محبت را درک می‌کنند / فاطمه معتقدی / ۱۱** ● همه جا پر از گل و شکوفه بود / روناک تاب / ۱۵ ● خاطره‌ی شیرین درس ریاضی / اشرف کرمی / ۵۵ ● جوواب ضد یخ / زهره امینی / ۶۴

## یادداشت / تلفیق حس و علم / مریم عباسی / ۱۶

**تجربه‌ی سبز / کارگاه خانوادگی / فرزانه محی‌الدین / ۲۰**

## پرونده

مکتب عشایری بهمن‌پیگی / محمد دشتی / ۲۲ ● کلاس چندپایه، فرصت‌ها، چالش‌ها / حسن رحمتی / ۲۴ ● پایه پایه‌تا ملاقات... / سید حشمت‌الله مرتضوی‌زاده / ۲۶ ● مکتب‌خانه، پناهگاه چندپایه / سیده عصمت رضوی / ۲۸ ● نوسان کیفیت! / محمود اردوخانی / ۳۲ ● جعبه‌ی جادوی مدرسه / مقصد رزم‌آرای شرقی / ۳۴ ● عشایر با قطار کوچ می‌کنند! / محمود اردوخانی / ۳۷ ● این بچه‌ها مشکل املا نویسی ندارند؟ / بهمن قره‌داغی / ۳۹

## محیط زیست / درخت دوستی بنشان / صفورا زواران حسینی / ۴۸

**گفت‌وگو / اینجا جای من است؟ / نادر قوتی / ۵۰**

**یادمان / یادگارهای پدرم / سعید شعاری‌نژاد / ۶۰**

**همراهان ما / ۶۲**

## قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

● مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی تربیتی فرهنگی این مجله مرتبط باشند و نباید قبلاً در جای دیگری چاپ شده باشند. ● مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. ● چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. ● مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و روی CD و یا از طریق پیام‌نگار مجله ارسال شوند. ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قراردادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نماییه (کلید واژه‌ها) از متن استخراج و روی صفحه‌ای جداگانه نوشته شوند. ● مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتراژ باشد. ● معرفی نام‌های کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین و آثار وی پیوست شود. ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

## تعطیلات مدارس

گفته می‌شود آموزش و پرورش طرحی دارد که تعطیلات تابستانی را تعدیل خواهد کرد. بنابر شنیده‌ها، تعطیلات تابستانی به شکل فعلی حذف خواهند شد و احتمالاً در پایان هر فصل تا یک هفته به آموزگاران و دانش‌آموزان فرصت استراحت داده می‌شود. روشن است که هر طرحی مزایا و معایب خود را دارد. با وجود گسترده‌گی اقلیمی کشور ما، که جنوب و شمال یا غرب و شرق آن تفاوت آب‌وهوایی قابل توجهی دارند، شاید نتوان به هدف‌های این طرح رسید.

در برخی مناطق سردسیر کشور هنگام بارش برف، راه‌های ارتباطی گاه تا چندین روز قطع می‌شود. شاید شما نیز در این زمینه نظری داشته باشید! آیا تعطیلات مدارس با وضع کنونی مناسب است؟ پیشنهاد شما چیست؟

اصغر ندیری

## تغییر افکار

در برخی خبرها از فروش مدارس سی‌سختن به میان آمد که دارای موقعیت یا ارزش تجاری هستند و مرغوبیت زمین آن‌ها بیش از حدی است که بخواهند آن‌ها برای مدرسه‌سازی یا ادامه‌ی روند تعلیم و تربیت استفاده کنند.

به خاطر دارم زمانی را که دنبال خرید خانه‌ای در خور بودم و با کسانی که در پی تهیه‌ی مسکن مناسب بودند، رایزنی می‌کردم. آن‌هایی که تجاربی داشتند به ما که بی‌تجربه بودیم، نصیحتی داشتند. همین توصیه‌ها را به مرور و از افراد دیگر هم می‌شنیدیم. سخن آن‌ها این بود که در همسایگی مدرسه ملک نخرید. سروصدای بچه‌ها و بلندگوی مدرسه یا ازدحام محله به هنگام آمدوشد دانش‌آموزان نظم و سکوت محله را به هم می‌زند و در مجموع خانه‌هایی که در همسایگی مدرسه‌ها هستند قیمت و ارزش نازل‌تری دارند. آن وقت بود که به تناقض و تعارض دیگری برمی‌خوریم و آن، این بود که والدین یا فامیل همکاران، یکی وقت ثبت‌نام فرزند و دیگری هنگام گرفتن ابلاغ به دنبال مدرسه‌ی خوب می‌گشتند! البته باید بگویم ما هم دیگر بعد از سال‌ها با توصیه‌ی صاحبان بنگاه‌های معاملات ملکی یا دارندگان زمین‌های مرغوب به صرافت افتادیم که عطای همسایگی مدرسه را به لقایش ببخشیم و دنبال دردرس نگردیم. زمانی خودم، سالی را در مدرسه‌ای تدریس می‌کردم که در جایی معروف به «پشت خط» واقع شده بود. جایی که در هر دقیقه و ساعت قطار می‌گذشت و صدای چرخ‌ها یا بوق وسیله‌های نقلیه تمام تمرکز معلم و شاگرد و مدرسه را درهم می‌ریخت، و این علاوه بر نزدیکی به فرودگاه مهرآباد و پرواز هواپیماها بود.

شما بگویید آیا نظر افکار عمومی را می‌توان تغییر داد؟ رسوب و رسوخ این‌گونه افکار نامناسب و پاک کردن آثار آن‌ها و جایگزینی یک تصویر سازنده چه اندازه زمان می‌برد؟

## مستندات رو کنید!

روزی یکی از آموزگاران باتجربه به دفتر مجله تلفن کرد و گفت: «با سردبیر مجله کار دارم.» گفتم: «بفرمایید، خودم هستم.» وی پس از احوال‌پرسی اضافه کرد: «پس از سال‌ها تدریس، شرکت در کلاس‌های ضمن خدمت و تربیت شاگردان بسیار اکنون برای اینکه امتیازی از اداره بگیرم و در پرونده‌ام باشد و نمی‌دانم برای اینکه ترفیع بگیرم، اداره می‌گوید باید صد صفحه مستندات کتبی از تجارب و آثار و سوابق خود پر کنی و به سرعت تحویل بدهی!»

من که خودم سال‌هاست به صورت خودجوش و ذوقی یا از سر وظیفه‌ی شغلی دست به قلم هستم، در شگفتم. چرا؟ چون خود نیز درگیر چنین وضعی بوده و خود را در معرض چند سؤال و در مقابل دوراهی دیده‌ام، نه برایش جوابی قانع‌کننده داشتم و نه می‌توانستم از مسیری پیش بروم. رطب‌خورده منع رطب کی کند؟

به صاحب صدا گفتم: «راستش ما سال‌هاست که می‌نویسیم؛ نامه و مقاله و یادداشت و خاطره و پژوهش و غیره. برخی شخصی است و بعضی هم منتشر می‌شود ولی اینکه ترفیع و بالا رفتن رتبه‌ی شغلی را وابسته به ارائه‌ی مستندات مکتوب کنند، برای ما هم غیرمنتظره است. با این کارهای سلیقه‌ای بی‌خود نیست که بازار تحقیق و پایان‌نامه‌نویسی یا فروش پژوهش‌های دانشجویی و معلمی داغ می‌شود و هر کس می‌تواند با صرف هزینه و نه کسب اطلاعات از راه علمی و به خرج دادن ذوق به چیزی که می‌خواهد برسد. آیا به این ترتیب بازار سودجویان سکه نمی‌شود؟» آن معلم عزیز فقط از آن جهت که حرفش شنیده شده بود، اندکی آرام یافت و گوشی را گذاشت.

البته کار اصلی آموزگاران و فرهنگیان آموزش دانش و مهارت است و نوشتن و خواندن جزو ذات کارهای آن‌هاست اما وقتی موضوعی این‌چنینی به شکل اجبار یا کسب امتیاز درمی‌آید و از جاده‌ی خود خارج می‌شود، اثر سازنده و مثبتش را از دست می‌دهد.

## دانش یا مهارت!

فرزندان ما چه تصویری از شغل، آینده و دلیل تحصیل خود دارند؟

هر یک از کودکان ما دست‌کم از زمانی که بتوانند پا به دبستان بگذارند برای خود حرفه یا کاری را هر چند موقت و خیالی انتخاب می‌کنند: خلبانی، پزشکی، مهندسی و یا حتی معلمی و پرستاری اما معلمان و پدر و مادرها چه اندازه در شکل گرفتن این تصاویر و آرزوها در این بچه‌ها نقش دارند؟ دانش‌آموزان در دوره‌ی ابتدایی درباره‌ی گزیدن شغل غیرواقعی تصمیم می‌گیرند اما می‌توان به روند انتخاب آن‌ها مسیر و چارچوبی اصولی بخشید. آیا بچه‌ها به فکر کسب مهارت و دست‌ورزی در کنار یادگیری دانش و معلومات نظری هستند؟ آیا فکر کرده‌ایم می‌توانیم از صاحبان حرفه و مشاغل مهارتی و یا استادان دانشگاه و حتی کتابداران و مسئولان شهرداری دعوت کنیم تا به کلاس ما بیایند و از اهمیت کاری که انجام می‌دهند، برای کودکان ما سخن بگویند؟ به نظر شما، آیا می‌توان علائق دانش‌آموزان را به سمت آموزش‌های مهارتی و حرفه‌ای سوق داد؟ چگونه؟

# فرهنگ آموزش و پرورش سایه

## جستاری بر اثرات تدریس خصوصی در نظام آموزشی

دکتر ابوالفضل بختیاری  
مهنراز اخباری آزاد

و هم چنین شامل دروس جنبی که هر معلم و عضوی از خانواده بنا به خواسته‌ی خود انجام می‌دهد نیست (بری، ترجمه‌ی ستایش، ۱۳۹۲). تدریس خصوصی تکمیلی که آن را به عنوان نظام آموزشی سایه توصیف می‌کنند و استعاره‌ی سایه به دلایلی برای این نوع آموزش مناسب است. اول اینکه تدریس خصوصی تکمیلی فقط به این دلیل وجود دارد که جریان اصلی آموزش و پرورش وجود دارد. دوم اینکه هر زمان که اندازه و شکل نظام آموزش و پرورش اصلی تغییر کند اندازه و شکل تدریس خصوصی هم تغییر می‌کند و سوم، تقریباً در همه‌ی جوامع توجه عموم، بیشتر بر جریان اصلی آموزش و پرورش متمرکز است تا بر سایه‌ی آن و چهارم ویژگی‌های نظام سایه کمتر از ویژگی‌های نظام رسمی روشن و آشکار است (بری، ترجمه‌ی آرین ۱۳۸۸). در گذشته بخش مهمی از آموزش خصوصی از طریق آموزش‌های مکاتبه‌ای و استفاده از پُست صورت می‌گرفت ولی اکنون اینترنت، مدارس هوشمند، آموزش برخط، آموزش از طریق تلفن همراه، وب‌گاه و ایمیل جایگزین آن‌ها شده‌اند. آموزش خصوصی از طریق معلم نیز ممکن است به صورت گوناگون صورت پذیرد. معلم ممکن است به صورت انفرادی تدریس کند یا در گروه‌های کوچک و بزرگ و حتی در سالن‌های دارای ارتباطات ویدئویی. هر یک از این شیوه‌ها دارای تأثیرات متفاوتی بر یادگیرندگان، میزان هزینه و سیاست‌های آموزشی دولت‌ها است (بری، ترجمه‌ی معدن‌دار و همکاران، ۱۳۹۲. Silova et al, 2006). هم‌چنین در ایران مشاهده می‌شود که بسیاری از مراکز و مؤسسات آموزشی به صورت آشکار و پنهان اقدام به برگزاری کلاس‌های آموزشی و تدریس خصوصی می‌کنند. همان گونه که بسیاری از پدیده‌های اجتماعی در گذشته پنهان بود و با آگاه‌تر شدن مردم شفاف شد، حرکت آموزش خصوصی (تدریس) از تاریکی به سوی روشنایی و در حال شفاف شدن است. آموزش خصوصی در گذشته تا اندازه‌ای در بازار مخفی رواج داشت اما با گذشت زمان این بازار آشکارتر شده است. با بالاتر رفتن سطح آگاهی مردم و توجه بیشتر

### اشاره

تدریس خصوصی یا آموزش و پرورش سایه در چند دهه‌ی اخیر مورد توجه مریبان تربیتی، کارشناسان، صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران آموزشی جهان قرار گرفته است. تدریس خصوصی پدیده‌ای است با سابقه‌ی طولانی که ریشه در بسیاری از فرهنگ‌ها دارد. آموزش خصوصی در کشورهای مختلف ویژگی‌های متفاوتی دارد ولی تبدیل به پدیده‌ای جهانی شده است. طی دهه‌های اخیر این گونه آموزش به شکلی اساسی گسترش یافته و خود به صورت نظامی مستقل درآمده است. این واقعیات لزوم توجه بیشتر به آن را روشن می‌سازد. سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزشی باید با نظام «آموزش و پرورش سایه» (تدریس خصوصی) رویارو شوند تا بتوانند رهیافت‌ها و واکنش‌های مناسب را در حوزه‌ی عملکرد خود برای آن بیابند. هدف آنان نباید فقط کنترل و نظارت بر آموزش و پرورش سایه باشد بلکه باید آگاه شوند که می‌توان درس‌های فراوانی نیز از آن آموخت (بری، ترجمه‌ی معدن‌دار، ۱۳۹۲). تدریس خصوصی در حال حاضر مورد توجه بیشتر قرار گرفته است و اگر چه محاسن و مزایایی برای هر نظام آموزشی دارد، پژوهش‌های انجام شده نشانگر چالش‌ها و مسائل پیش رو در این زمینه‌اند. آشکار است که تدریس خصوصی به نفعی نه خوب است و نه بد، نکته‌ی مهم آن است که چگونه و در چه شرایطی فراهم شده است. در این نوشتار بر آنیم که به فرهنگ آموزش و پرورش سایه (تدریس خصوصی) بپردازیم.

### واژه‌ی تدریس خصوصی (آموزش و پرورش سایه)

آموزش خصوصی در گذشته تعریفی متفاوت از آنچه الان در متون علمی مطرح است داشته است. منظور از تدریس خصوصی تدریس موضوعات درسی است که به منظور کسب درآمد و توسط معلمان صورت می‌گیرد و مازاد بر نظام آموزش رسمی محسوب می‌شود. تدریس خصوصی شامل موضوعات فوق برنامه مانند فوتبال

جهان - استادید ۵ دیپلم - میدان انقلاب (مؤکده ن از هفتادی ار اتحادیه سه راه آذری آموزشگاه به کار و مهاجران	استادیک، مقاومت، سازه دیپلمک سیالات، ترمو (استاد دانشگاه)
مبارزه	کاهی

شرقی که ارزش زیادی برای نظم و صبر قائل اند، فشار ناشی از تدریس خصوصی را مصلحت عمومی تلقی می کنند (بری، معدن دار ۱۳۹۲). تعدادی از مربیان تربیتی و کارشناسان آموزشی با شک و تردید به تأثیر مثبت این پدیده نگاه می کنند و استرس ها و هیجان های ناشی از آن را مخرب و برخلاف جریان تربیتی می دانند. البته از نگاهی دیگر خانواده های ثروتمند می توانند به راحتی از عهده هزینه های تدریس خصوصی و نیمه خصوصی برآیند؛ در حالی که در خانواده های فقیرتر دانش آموزان یا نمی توانند از تدریس خصوصی بهره ببرند و یا باید در کلاس های گروهی تدریس خصوصی شرکت کنند (بری، ستایش، ۱۳۹۲). هم چنین از لحاظ عدالت و برابری آموزشی برای همگان، تدریس خصوصی فرصتی برای اغنیا و ثروتمندان فراهم می کند که بهترین نوع آموزش و بهترین شیوهی آموزش و یادگیری را با توجه به علائق و سلائق دانش آموز با پول می خردند؟! این طبقه می تواند از محاسن آموزش خصوصی بهره مند شود و این فرصت برای همگان (به ویژه اقشار فقیر) فراهم نیست و از طرفی، جامعهی متوسط و فقیر به ارتقا و آموزش و پرورش فرزندان کمتر توجه دارند. در ایران در چند سال اخیر مؤسسات خصوصی که گاه کیفیت لازم را نیز ندارند، بدون هیچ معیاری گسترش یافته اند. برای مثال، گاه حتی معلمان و مدرسان این مؤسسات، تخصص، تجربهی تدریس و توان کلاس داری ندارند و از نحوهی تعامل با دانش آموزان نیز بی اطلاع اند. اگر چه تعداد اندکی مراکز و مؤسسات خصوصی و غیردولتی دارای کیفیت را هم می شود پیدا کرد. در ایران، معلمان، مربیان و دانشجویان اقدام به برگزاری کلاس های خصوصی در درس های تخصصی می کنند و از این راه درآمدهای بالایی به دست می آورند. درآمد حاصل از تدریس خصوصی برای معلمان یا حتی دانشجویان دارای آثار اقتصادی است و باعث می شود آن ها به رفاه بالاتری برسند. البته نباید از آثار منفی اجتماعی تدریس خصوصی در فضای غیر کنترل شده غافل شد. انتخاب معلمان باید با توجه به شخصیت اخلاقی معلم نیز در نظر قرار گیرد. در کشورهایی مانند کرهی جنوبی، فرانسه، یونان، ترکیه و مصر خانواده ها مبلغ قابل توجهی را صرف آموزش و تدریس خصوصی به فرزندان خود می کنند. البته در سایر مناطق دنیا نقش اقتصادی آموزش خصوصی از تعادل بیشتری برخوردار است. با وجود این، تدریس خصوصی هنوز نقش بارزی در زندگی معلمان دارد که حقوق اندکی دریافت می کنند و مجبور به روی آوردن به تدریس خصوصی هستند تا بتوانند درآمد کافی کسب کنند (بری، معدن دار و همکاران، ۱۳۹۲).

معلمان به دلیل کسب درآمد بالا از تدریس خصوصی، زمان و انرژی بیشتری به آن اختصاص می دهند و دانش آموزان هم از این شیوهی تدریس رضایت بیشتری دارند. برخی معلمان بدون هیچ چشم داشتی در کلاس های عمومی و به نحو مطلوب تدریس می کنند، ولی هستند معلمان که چشم به تدریس خصوصی دارند. براساس تحقیق «آتشک»، با توجه به ماهیت و کارکردهای ضروری نهادهای آموزشی، توجه به امور اخلاقی در این بخش بیش از سایر نهادها احساس می شود. به همین دلیل است که در اعلامیهی جهانی

به امر رقابت در تحصیل، انتظارات و خواسته ها از تدریس خصوصی نیز رو به فزونی است و در نتیجه لازم است این امر شفاف سازی شود، پنهان کاری و کار کردن در خفا نیز کژ کارکردهای خودش را به دنبال خواهد داشت.

عوامل افزایش دهنده رشد آموزش خصوصی، در مکان های مختلف متفاوت بودند. عواملی مانند سطح ناکافی حقوق معلمان، وجود رقابت بین مدارس، کاهش کیفیت نظام آموزشی (بری، ترجمه معدن دار و همکاران، ۱۳۹۲). مارک بری (یکی از صاحب نظران و پژوهشگران این عرصه) که گستره و گسترش آموزش و پرورش سایه یا تدریس خصوصی را در چندین سال گذشته مورد مطالعه قرار داده است، این پدیده را در نظام های آموزشی فرصت می داند؛ اگر چه به تهدیدها و چالش های (معایب) آن هم اذعان دارد. او در سخنرانی ای که در سازمان پژوهش داشت به نکته های جالبی اشاره کرد که می تواند در پژوهش های آتی مورد مطالعهی بیشتر دانشجویان تحصیلات تکمیلی قرار گیرد. در این نشست علمی یکی از حاضران (مدرس دانشگاه و عضو هیئت علمی) به نگارندگان گفت: «... تا به حال به این پدیدهی بسیار مهم در نظام آموزشی فکر نکرده بودم و شرح «مارک بری» دربارهی آموزش و پرورش سایه و تدریس خصوصی ایده جدیدی را برای مطالعات آتی ام رقم زد» (بختیاری، ۱۳۹۲).

بررسی پدیدهی تدریس خصوصی از طریق پژوهش های مختلف در کشورهای گوناگون نشان دهندهی آن است که نمی توان گفت این موضوع به تنهایی خوب است یا بد. آنچه مهم است این است که تدریس خصوصی چگونه و در چه شرایطی فراهم شده است: به وسیلهی معلم اصلی مدرسه، یک مربی خارج از مدرسه یا مراکز (مؤسسات) خصوصی. آیا معلم به شاگردان خود تدریس خصوصی ارائه می دهد یا به دانش آموزان مدارس دیگر؟ آیا آموزش خصوصی مکمل آموزش مدرسه ای است؟ آیا باعث فساد در نظام اصلی آموزش و پرورش می شود؟ (Poisson, 2007) به بیان دیگر، باید دید این پدیده در کجا، چگونه و چرا انجام می شود. برخی کارشناسان و مربیان تربیتی جهان به جنبه های مثبت و برخی به معایب و کژکارکردی های نظام مدرسه ای نگاه می کنند (اما آنچه می توان گفت این است که لازم است این پدیده مورد مطالعه و توجه جدی قرار گیرد).

## تأثیرات آموزشی، اجتماعی و اقتصادی تدریس خصوصی

تدریس خصوصی یا آموزش سایه دارای تأثیرات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و تربیتی است، شاید به همین دلیل خانواده ها هزینه های گزافی را صرف این امر می کنند و به لحاظ پیامدهای آتی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن حاضرند به هر نحو ممکن، هزینه های تدریس خصوصی فرزندان خود را تأمین کنند. کودکانی که هم در کلاس های رسمی شرکت می کنند و هم در کلاس های خصوصی، به شدت تحت فشار و استرس اند و ساعت های زیادی را صرف آموزش و یادگیری می کنند. این فشارها می توانند روی آن ها تأثیر مثبت بگذارد و استعداد های بالقوهی آن ها را شکوفا کند. برای مثال، در جوامع آسیای

دپلم (آسان - سریع) مهارت معماری ۳۰۰ مهارت حسابداری ۱۵۰ و ...	از پایه تا TOEFL, IELTS	همسایه و آزمون سفارت SFI, Tiers, C1, ...	ریاضی تخصصی از ابتدایی تا دکتری	چینی - آلمانی - فرانسه عربی و ... با تاز ترمین هیت	فقط مکالمه	استاتیک، مقاومت، سازه دینامیک، سیالات، ترمو (استاد دانشگاه)
--	----------------------------	---	------------------------------------	---	------------	---

اخلاق حرفه‌ای در آموزش بر فواید ارزش‌های اصلی حرفه‌ای آموزش تأکید و بیان شده است که افزایش سطح آگاهی کارکنان بخش آموزش از هنجارها و اصول اخلاقی حرفه‌شان، می‌تواند به افزایش میزان رضایت شغلی و ارتقای شأن و منزلت و عزت نفس آن‌ها کمک کند و احترام بیشتری را در جامعه برای این حرفه به ارمغان آورد (آتشک، ۱۳۹۰). فساد در مدارس دارای گونه‌های مختلفی است که می‌توان آن را از منظرهای حقوقی، فرهنگی، انتفاعی، حیثی‌های تقسیم‌بندی کرد. یکی از مهم‌ترین عوامل بروز آموزش سایه و فساد در آن، شکست برنامه‌های درسی رسمی است (آتشک، ۱۳۹۳). شاید بتوان گفت نظام آموزش رسمی با مسائلی روبه‌روست که به لحاظ پاسخ‌گو نبودن به نیاز مخاطبان اصلی اولیا و دانش‌آموزان به سمت و سوی آموزش خصوصی روی می‌آورند و همین باعث آسیب‌هایی به فرهنگ آموزش و یادگیری می‌شود. معدن‌دار در خصوص آموزش و پرورش سایه معتقد است که بروز این پدیده را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های اقتصادی در خصوص حقوق و دستمزد معلمان و مقایسه‌ی آن با سایر مشاغل تبیین کرد. به بیان دیگر، کمی حقوق معلمان یکی از عوامل مؤثر در ترویج پدیده‌ی آموزش سایه است (معدن‌دار، ۱۳۹۲).

بر اساس پژوهش «شیربگی» (۱۳۹۰)؛ بیش از نیمی از دانش‌آموزان مورد بررسی در شهر سنندج حداقل در دو مرحله از تحصیلاتشان تدریس خصوصی تکمیلی دریافت کرده‌اند. از مجموع کل دانش‌آموزانی که به کلاس می‌رفته‌اند، ۶۴ درصد آن‌ها دست‌کم ۴ ساعت در هفته را صرف این کلاس‌ها کرده‌اند. در ایران اشتیاق به رفتن مؤسسات خصوصی، مراکز آمادگی کنکور و مراکز غیردولتی با فراز و نشیب‌هایی روبه‌رو بوده و در سی سال گذشته دولت و نظام آموزشی گاه از آن حمایت و گاه با آن مخالفت‌های جدی کرده ولی این حرکت‌ها نتوانسته است از تمایل و نیاز مردمی بکاهد یا راه آن را سد کند. بسیاری از مؤسسات خصوصی از این مسیر درآمدهای میلیاردی داشته‌اند و در شهرهای بزرگ مثل تهران (خیابان انقلاب) تبلیغات این مؤسسات را می‌شود مشاهده کرد. «مارک بری» هم براساس تجربه‌های بین‌المللی به این نکته اشاره کرده است. مسلمانین مؤسسات بر اساس نیاز و درخواست می‌توانند رشد و گسترش یابند. صرف‌نظر از هزینه‌ها، فراگیری مهارت‌های ریاضیات و زبان باعث تشکیل سرمایه‌ی انسانی می‌شود که می‌تواند در آینده به رشد اقتصادی فرد کمک کند. البته شاید آموزش خصوصی باعث افزایش نابرابری‌ها در تخصیص منابع شود. معلمانی که درگیر آموزش خصوصی هستند، تدریس در مدارس را چندان جدی نمی‌گیرند. آن‌ها دانش‌آموزان را به تدریس خصوصی ترغیب می‌کنند و این امر برای خانواده‌هایی که درآمد بالایی ندارند امکان‌پذیر نیست (بری، معدن‌دار و همکاران ۱۳۹۲: ۶۴). در ایران علاقه‌مندی اولیا و مربیان به آموزش زبان انگلیسی به سطوح پایین (ابتدایی و حتی پیش‌دبستانی) رسیده است و اکثر مؤسسات خصوصی و مراکز غیردولتی به این خواست و نیاز توجه نشان داده‌اند؛ در حالی که نظام آموزشی به این مسئله کمتر عنایت داشته است. یکی دیگر از وجوه اقتصادی تدریس خصوصی، موضوع مالیات است و در اکثر موارد تدریس خصوصی به شکلی غیررسمی خارج از حیطه‌ی

نظام پرداخت مالیات قرار دارد (بری، معدن‌دار و همکاران، ۱۳۹۲)، درآمدهای حاصل از آن در جایی ثبت و ضبط نمی‌شود و هیچ آمار دقیقی و مستندی هم نمی‌توان از آن داشت. همان‌طور که در مورد آسیب‌های اخلاقی مترتب بر تدریس خصوصی هم به لحاظ پنهان‌کاری مطالعات دقیقی انجام نشده است. در کره‌ی جنوبی، کیم (۲۰۰۰) متوجه شد که بیشتر متقاضیان دبیرستان‌های خاص به این امر گرایش دارند که مؤسسات خصوصی افراد را برحسب میزان توانایی و تفاوت در برنامه‌ی درسی گروه‌بندی کنند. در حالی که در مدارس کلیه‌ی دانش‌آموزان صرف‌نظر از توانایی‌هایشان با یکدیگر آموزش می‌بینند. پیام اصلی این نوشتار این است که فرهنگ آموزش سایه یا تدریس خصوصی سزاوار توجه بیشتر از سوی سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و پژوهش‌گران است. بدیهی است که پدیده‌ی آموزش خصوصی علاقه‌مندانی دارد و از این رو، باید برای آن فکری کرد و آن را مدیریت نمود. برخی برای تدریس خصوصی محاسنی را آورده و بسیاری از معایب آن سخن گفته‌اند، ولی این پدیده باید مورد مطالعه و مذاقه بیشتر و عمیق‌تر قرار گیرد.

**منابع**

۱. آتشک، محمد، محمد قهرمانی، محمود ابوالقاسمی، مقصود فراسنخواه. «مفهوم فساد اداری در نظام آموزش دولتی». فصلنامه‌ی اخلاق در علوم و فناوری، سال ششم، شماره‌ی ۳، ۱۳۹۰.
۲. بختیاری، ابوالفضل، (۱۳۹۲). «فرهنگ تدریس خصوصی - آموزش سایه». نشست علمی با حضور مارک بری و اورا کاوو. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر تألیف کتاب‌های درسی.
۳. بختیاری، ابوالفضل، (۱۳۸۷). «فرهنگ آموزش در ژاپن». پژوهشنامه آموزشی. تهران: پژوهشگاه آموزش و پرورش.
۴. بختیاری، ابوالفضل، (۱۳۷۸). درس‌پژوهی: الگوی رشد حرفه‌ای معلمان در ژاپن. پژوهشنامه‌ی آموزشی، شماره‌ی ۱۰۴، تهران: پژوهشگاه آموزش و پرورش.
۵. بری، مارک، (۲۰۰۳). اثرات نامطلوب تدریس خصوصی (ابعاد، تبعات و واکنش دولت‌ها). مترجم: حسن سنایش. آوای نور، تهران، ۱۳۹۲.
۶. بری، مارک، (۲۰۰۷) رویارویی با آموزش و پرورش سایه (سیاست‌های دولت در قبال تدریس خصوصی). مترجم: عباس و معدن‌دار آرانی، لیدا کاکیا و تدبیر تقوی‌طلوع دانش. تهران ۱۳۹۲.
۷. بری، مارک (۱۹۹۹). آموزش و پرورش سایه: تدریس خصوصی و آثار آن. مترجم: سیده‌خدیجه آرین. مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۸۸.
۸. بری، مارک. «آموزش سایه یا تدریس خصوصی: فرصت‌ها - تهدیدها». سخنرانی در نشست علمی. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، ۱۳۹۳.
۹. شیربگی، ناصر. «گرایش روزافزون به تدریس خصوصی تکمیلی: بررسی دیدگاه‌های دانش‌آموزان، والدین و دبیران». استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه کردستان. ۱۳۹۰.
۱۰. آتشک، محمد. «فساد در آموزش سایه (تدریس خصوصی)». سخنرانی در نشست علمی. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، تهران، ۱۳۹۳.
۱۱. معدن‌دار، عباس. «واقعیت‌های اقتصادی پدیده‌ی آموزش و پرورش سایه». سخنرانی در نشست علمی. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، تهران، ۱۳۹۲.
12. Bary, Mark (1999a). The shadow education system: private tutoring and its implications for planners. Fundamentals of Educational Planning .No. 61, Paris: IIEP-UNESCO. Retrieved 1 August 2009 from <http://unesco.org/images/00180/001802/180205e.pdf>
13. Bary, Mark (2006). Private supplementary tutoring: comparative perspective on patterns and implications. In: Compare: A Journal of Comparative Education, 36(4): 515-530
- 14- Bray, Mark(2003) . Adverse effects of supplementary private tutoring. UNESCO:International Institute for Educational Planning

# برای ارتقای آموزش قرآن «معیار» داشته باشیم

رضانباتی

## اشـاره

قانون برنامه‌ی پنجم توسعه و هم‌چنین برنامه‌ی درسی ملی در حوزه‌ی تربیت و یادگیری قرآن و عربی تأکیدی دارند. در شماره‌ی قبل مجله ضمن بیان لزوم داشتن برنامه برای فعالیت‌های قرآنی به ۲۷ گام مهم در این زمینه اشاره کردیم. در این شماره به وجود «معیار» در ارتقای آموزش قرآن کریم در دوره‌ی ابتدایی اشاره خواهیم کرد.

طرح معیار، رویکردی نظام‌گرا به اجرای برنامه‌ی درسی قرآن می‌باشد که از طریق اجرای کامل برنامه به شناسایی نقاط قوت و ضعف آن و شرایط مناسب تحقق اهداف پی برده و به اشاعه‌ی برنامه در سایر مناطق اقدام می‌نماید.

## معیار ارتقای محلی و تدریجی آموزش قرآن

کمیته‌ی هماهنگی فعالیت‌های قرآنی در معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش، به منظور شناسایی و اولویت‌بندی عوامل و عناصر مهم یادگیری قرآن کریم در دوره‌ی تحصیلی ابتدایی و برای اجرای کامل برنامه‌ی آموزش قرآن در مدارس ابتدایی، به برگزاری مرحله‌ی اول طرح معیار در هفت استان داوطلب کشور اقدام کرده است. این مناطق، شرایط و لوازم ضروری اجرای کامل برنامه‌ی درسی قرآن را در پایه‌های اول و دوم دبستان، پیش‌بینی و فراهم کرده‌اند. این طرح به‌عنوان اولین گام، پس از بررسی و تصویب در ۲۰۱۰ کلاس درس به اجرا درآمد.

طرح معیار به هیچ وجه قصد افزودن فعالیت خاص و ویژه‌ای علاوه بر آنچه که در شرایط فعلی در کلاس‌های آموزش قرآن وجود دارد را بر مدارس مجری طرح ندارد، زیرا عقیده این است که برنامه‌ی درسی آموزش قرآن، این توانمندی را دارد که در صورت اجرای صحیح و کامل از سوی مدارس، به اهداف قصد شده نائل شود. از این رو طرح معیار، طرح جدیدی به شمار نمی‌رود بلکه این طرح ابزاری است جهت ایجاد انسجام و وحدت رویه و پشتیبانی از اجرای کامل و صحیح برنامه‌ی درسی آموزش قرآن و نظارت بر حسن اجرای آن از سوی آموزگاران، والدین دانش‌آموزان، مدیران مدارس، کارشناسان و

سرگروه‌های آموزشی دوره‌ی ابتدایی مناطق و سازمان‌ها. بنابراین مناسب است طرح معیار را به‌عنوان یک الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت در تمامی برنامه‌های درسی آموزشی و پرورشی در نظر گرفت. مقام معظم رهبری در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی به ارائه‌ی تعریف و تبیین «الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» پرداختند و آن را در قالب چهار عرصه‌ی اساسی فکر، علم، زندگی و معنویت ترسیم کردند و از این‌ها به‌عنوان «درس قرآنی» یاد کردند و ابزار کار را هم ابتدا در آموزش و پرورش دانستند.

الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت در آموزش و پرورش زمانی محقق می‌شود که متولیان، برنامه‌ریزان و مجریان آموزش و پرورش کشور، جهانی ببینند، اسلامی بیاندیشند و بومی عمل کنند. این امر باید از دوره‌ی ابتدایی و حتی قبل از آن شروع شود.

هر چه سواد و اطلاعات علمی دانش‌آموزان درباره‌ی علوم مختلف افزایش می‌یابد، نیاز آن‌ها به هدایت‌های قرآن کریم بیشتر می‌شود. انتظار این است که برنامه‌ریزان آموزش و پرورش هم‌پای تحولات و پیشرفت‌های علمی جهان، دانش‌آموزان را در توسعه‌ی فرهنگ و تربیت قرآنی یاری رسانند.

تنوع ناهمگون فعالیت‌های قرآنی به‌دلیل عدم انسجام و ارتباط معنادار بین ساحت‌ها و حوزه‌های مختلف یادگیری و مبتنی نبودن آن‌ها بر مبانی نظری و علمی و حتی تجربی، به جای ایجاد انگیزه در مخاطبان، باعث ناکارآمدی آموزش‌ها و فعالیت‌ها از یک‌سو و بلعیده شدن سرمایه‌های مالی و انسانی از سوی دیگر می‌شود. در چنین شرایطی مناسب‌سازی این‌گونه فعالیت‌ها یکی از وظایف مهم مسئولان خواهد بود.

# من نقش می‌خواهم!

## یادگیری مبتنی بر پروژه در کلاس درس

دکتر نیره شاه‌محمدی  
افشین چمن‌آرا

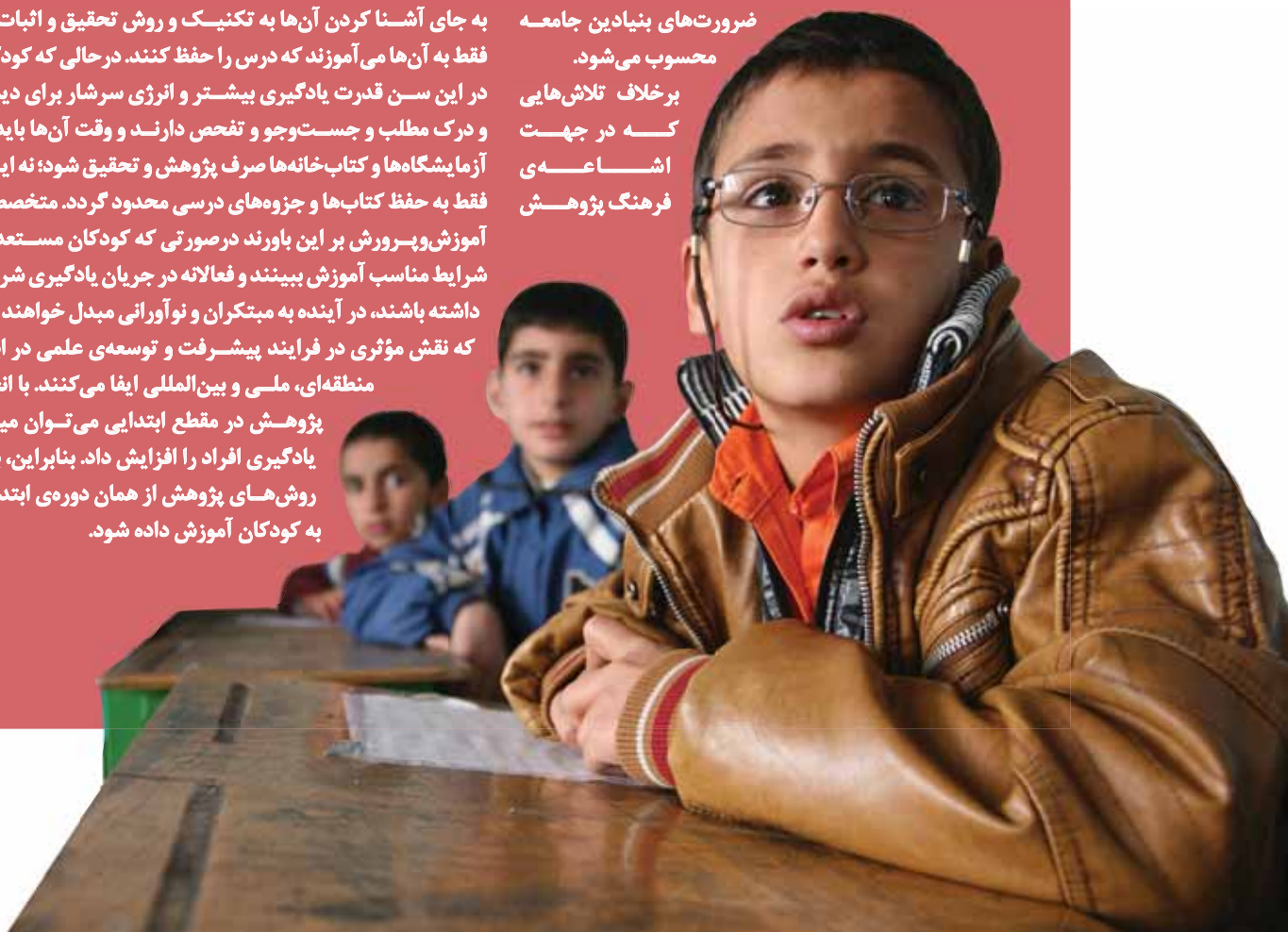
### اشاره

با توجه به اهمیت پژوهش و نقش کلیدی آن در رشد و توسعه‌ی جوامع و با عنایت به بند ۳-۳ اصول ناظر بر برنامه‌های درسی - که به نقش فعال، داوطلبانه و آگاهانه‌ی دانش‌آموز در فرآیند یاددهی - یادگیری و تربیت‌پذیری اشاره دارد و بر زمینه‌سازی تقویت و توسعه‌ی روحیه‌ی پرسشگری، پژوهشگری، خلاقیت و کار آفرینی در دانش‌آموز تأکید می‌کند سند برنامه‌ی درسی ملی آموزش و پرورش - گسترش و تقویت نهادهای علمی و پژوهشی و اهتمام در جهت اشاعه‌ی فرهنگ و ارتقای جایگاه تحقیقات در کشور برای سرعت بخشیدن به روند توسعه از لوازم و ضرورت‌های بنیادین جامعه محسوب می‌شود.

برخلاف تلاش‌هایی که در جهت اشاعه‌ی فرهنگ پژوهش

در آموزش و پرورش انجام می‌گیرد، متأسفانه فعالیت‌های فرهنگی لازم برای شناسایی اهمیت پژوهش به‌خوبی انجام نشده است و در مدارس ما امر پژوهش چندان جدی گرفته نمی‌شود. به همین دلیل، دانش‌آموزان پس از گذراندن دوره‌ی دبیرستان و ورود به دانشگاه به علت ناآشنایی با این مقوله حتی علاقه‌ای به کارهای تحقیقی و علمی نشان نمی‌دهند.

در مقاطع تحصیلی به جرئت می‌توان گفت که دانش‌آموزان با پژوهش ناآشنا هستند. در اینجا هم مهم‌ترین دلیل معمولاً سیستم آموزشی سنتی حاکم بر مدارس، تکیه بر محفوظات و تئوری‌ها و هم‌چنین ناآگاهی از اهمیت پژوهش است. یعنی آموزگاران اغلب به جای آشنا کردن آن‌ها به تکنیک و روش تحقیق و اثبات آن فقط به آن‌ها می‌آموزند که درس را حفظ کنند. در حالی که کودکان در این سن قدرت یادگیری بیشتر و انرژی سرشار برای دیدن، و درک مطلب و جست‌وجو و تفحص دارند و وقت آن‌ها باید در آزمایشگاه‌ها و کتابخانه‌ها صرف پژوهش و تحقیق شود؛ نه اینکه فقط به حفظ کتاب‌ها و جزوه‌های درسی محدود گردد. متخصصان آموزش و پرورش بر این باورند در صورتی که کودکان مستعد در شرایط مناسب آموزش ببینند و فعالانه در جریان یادگیری شرکت داشته باشند، در آینده به مبتکران و نوآرانی مبدل خواهند شد که نقش مؤثری در فرایند پیشرفت و توسعه‌ی علمی در ابعاد منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی ایفا می‌کنند. با انجام پژوهش در مقطع ابتدایی می‌توان میزان یادگیری افراد را افزایش داد. بنابراین، باید روش‌های پژوهش از همان دوره‌ی ابتدایی به کودکان آموزش داده شود.







## یادگیری مبتنی بر پروژه

این نوع یادگیری یک روش آموزشی است که در آن دانش‌آموزان از طریق کار و فعالیت در یک دوره‌ی زمانی برای تحقیق و پاسخ به مجموعه سؤالات، حل مسئله یا برخورد با یک چالش دانش و مهارت‌هایی را کسب می‌کنند. یک مدل آموزشی است که دانش‌آموزان را برای حل مسائل و برآورده ساختن نیاز در تهیه‌ی محصولات وارد می‌کند. پروژه‌ها که فرصت‌های یادگیری قوی‌تری را برای دانش‌آموزان فراهم می‌آورند در موضوعات و وسعت بسیار متنوع می‌باشند. پروژه‌ها دانش‌آموزان را در نقش‌های مختلف از قبیل حل‌کننده‌ی مسئله، تصمیم‌گیرنده، کاوش‌گری، مستندساز، تولیدکننده، ارزیاب، ارائه‌دهنده و دیگر نقش‌ها قرار می‌دهد.

## عناصر یادگیری پروژه محور

۱. سازمان‌دهی حول و حوش یک سؤال باز - پاسخ (سؤال راهبر) کار پروژه بر یک سؤال باز - پاسخ متمرکز است که دانش‌آموزان به نحوی جذاب آن را می‌فهمند. این سؤال وظایف آن‌ها را تعیین و اکتشافات آن‌ها را قالب‌بندی می‌کند. این امر دانش‌آموزان را روی کارشان متمرکز کرده و یادگیری آن‌ها را از طریق طبقه‌بندی موضوعات، بحث‌ها، چالش‌ها و مسائل مهم عمیق‌تر می‌کند.

۲. پرورش شایستگی‌های قرن بیست و یکم مانند تفکر نقاد، حل مسئله و مشارکت در فعالیت‌ها

دانش‌آموزان می‌بایست چیزی بیش از اطلاعات صرف یاد بگیرند. آن‌ها می‌بایست شایستگی‌های ارزشمند برای دنیای امروز را فراگیرند، مهارت‌های تفکر سطح بالا را به کار گیرند، عادت کنند به سخنان دیگران گوش دهند و عقاید شخصی خود را در حین صحبت به طور صریح و روشن بیان کنند. باید قادر باشند مطالب متنوعی را بخوانند، بنویسند یا در شرایط مختلف حالاتشان را بیان کنند و کارشان را به طور مؤثری ارائه دهند.

۳. کمک به تدریس مطالب و محتوای با معنا

پروژه بر آموزش دانش مهم و مهارت‌های اشتقاق یافته از استانداردها و مفاهیم کلیدی در قلب موضوعات آکادمیک متمرکز است.

۴. ادغام تحقیق و پژوهش در فرایند یادگیری و یاددهی (پژوهش عمیق)

دانش‌آموزان در فرایندی دقیق و طولانی مسئول طرح سؤالات،

بهره‌گیری از منابع و توسعه‌ی پاسخ‌ها هستند. سؤال کردن، تحقیق در مورد جواب‌ها و رسیدن به نتایج دانش‌آموزان را به ساختن چیزی هدایت می‌کند که می‌تواند یک عقیده، یک تفسیر یا یک محصول جدید باشد.

۵. ایجاد نیاز به دانستن محتوا و مهارت‌های ضروری در دانش‌آموزان

دانش‌آموزان با شروع از یک «رویداد ورودی» - که علاقه و کنجکاوی ایجاد می‌کند - نیاز به کسب دانش را می‌بینند، مفاهیم را درک می‌کنند، و مهارت‌ها را با هدف پاسخ به سؤال راهبر و خلق محصولات پروژه به کار می‌گیرند.

۶. دادن فرصت ارائه‌ی نظر و حق انتخاب به دانش‌آموزان

دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که به طور مستقل کار کنند، مسئولیت کار خود را به عهده بگیرند و در زمینه‌ی تولید و خلق محصولات، چگونگی کار کردن، چگونگی به کارگیری زمان تحت نظارت و راهنمایی معلم و براساس میزان تجربیات خود در یادگیری مبتنی بر پروژه دست به انتخاب‌های آزادانه بزنند.

۷. مراحل تجدیدنظر و بازتاب اندیشه (نقد و اصلاح پروژه)

شامل فرایندهایی برای دریافت و ارائه‌ی بازخوردهایی درباره‌ی کیفیت کار دانش‌آموزان است. بازخوردهایی که آن‌ها را برای اصلاح و بازنگری یا هدایت تحقیقاتشان راهبری می‌کنند.

۸. مخاطبان عام (شنوندگان - تماشاچیان)

دانش‌آموزان شخصاً یا به صورت بر خط (آنلاین) کار خود را به افراد

دیگری غیر از همکلاسی‌ها و معلمشان نشان می‌دهند. این مسئله انگیزه‌ی آن‌ها را برای افزایش کیفیت کار و صحت پروژه بیشتر می‌کند.

می‌توان از روش پروژه محور به طور پیوسته در طول سال تحصیلی استفاده کرد. این روش به اعضای گروه اجازه می‌دهد که در مورد علاقه‌ی بچه‌ها و مفاد فصول، حوادث و موضوعات مدرسه به هنگام تصمیم‌گیری در مورد «پروژه‌ها» یا «تحقیقات» با آمادگی بیشتری پاسخ دهند.



# تلنگرهای خودمانی

## اشاره

در خلال سال‌هایی که از مسابقه‌ی «تلنگری برای تفکر» می‌گذرد، مخاطبان بسیاری در آن شرکت و نظرات سازنده‌ای ارسال می‌کنند. هم‌چنین برخی از این عزیزان پیشنهاد می‌دهند که پاسخ‌های ارسالی نیز منعکس شود تا مفاد سایر نوشته‌ها معلوم شود. از آن رو که امکان انعکاس همه‌ی مطالب وجود ندارد، بی‌آنکه انتخاب خاصی انجام شده باشد دو نمونه از سؤال و پاسخ‌های رسیده را در اینجا ملاحظه می‌کنید.

## معلم کارآمد کیست؟

○ پاسخ مسابقه‌ی شماره ۸. اردیبهشت ۱۳۹۳. پی‌درپی ۱۴۱. از خصوصیات معلم کارآمد الگو بودن، رعایت اعتدال و علاقه به همه‌ی کودکان است.

بنده هم که سرگروه آموزشی هستم به برخی از خصوصیات یک معلم کارآمد اشاره می‌کنم. البته این خصوصیات در حال اجراست و نتیجه‌ی مطلوبی هم داده است. بنده دانش‌آموزان کلاس را مؤلف می‌دانم و از ایده و نظرات آن‌ها در تدریس استفاده می‌کنم.

مثال واقعی:

در زنگ ریاضی، «ساعت» تدریس می‌کردم. به بچه‌ها ساعت را نشان دادم و گفتم: «بچه‌ها این عقربه که کوتاه‌تر و پهن‌تر است، عقربه‌ی ساعت‌شمار است». یکی از بچه‌ها گفت: «آقا به عقربه‌ی ساعت‌شمار می‌توانیم بگوییم عقربه‌ی کپل؟» به بچه‌ها گفتم تا برای تشویق او کف بزنند. اسماعیل که در خیلی از کارها خلاق‌تر بود گفت: «آقا می‌توانیم بگوییم عقربه‌ی چهل‌مردا» همراه با جایزه هر دو نفر را تشویق کردم. با خودم زمزمه کردم که مگر اولین کسی که اسم آن را عقربه‌ی ساعت‌شمار گذاشته، از کره‌ی ماه آمده است؟

به نظر من که اگر به آن کپل یا چهل‌مرد بگویند بچه‌ها با نشاط بیشتری یاد می‌گیرند. با این شیوه الان در کلاس من دانش‌آموزی نیست که فرق عقربه‌های ساعت‌شمار و دقیقه‌شمار را نداند.

هیچ‌گاه خودم را از کتاب و مطالعه‌ی جدانمی‌کنم و با اجرای نمایش‌های ساده و کودکانه، دانش‌آموزان را به مطالعه علاقه‌مند می‌کنم. کار عملی اجرا شده:

مثلاً زنگ مطالعه و قصه‌خوانی پشت میز می‌نشینم و مشغول مطالعه می‌شوم. در همین حال خدمتگزار، همکار یا دانش‌آموزی (با هماهنگی قبلی) در می‌زند و می‌گوید آقا تلفن دارید. من هم در جواب می‌گویم: «یک دوست خوب پیدا کردم که دارم با او حرف می‌زنم. وقتی حرف‌هایم تمام شد خودم تماس می‌گیرم».

## محمود ایزدی

خرامه، استان فارس

«پیش‌داوری» پدیده‌ای است که اگر به حواشی زبان‌بار آن توجه نشود، می‌تواند باعث به وجود آمدن مشکلات شود. در این زمینه خاطرات، داستان یا مقاله‌های کاربردی خود را بفرستید. ○ پاسخ مسابقه‌ی شماره ۵. بهمن‌ماه ۱۳۹۲. پی‌درپی ۱۳۸.

«در یکی از روزها به علت ساخت‌وساز نمازخانه‌ی مدرسه، در ساعت تفریح نزدیک به محل کار کارگران ایستاده بودم تا دانش‌آموزان به آن محیط وارد نشوند. هنگامی که زنگ تفریح تمام شد به یکی از دانش‌آموزان گفتم: «لطفاً بگو برایم یک چای بیاورند تا همین جا بخورم». او رفت و بعد از دقایقی دیدم خودش چای به دست و به سرعت به طرف من می‌آید. خوب که دقت کردم متوجه شدم به علت داغی لیوان چای می‌خواهد خودش را زودتر به من برساند. وقتی نزدیک شد دیدم با اینکه لیوان دسته دارد، او خود لیوان را گرفته است! همان طور که لیوان را می‌گرفتم، گفتم: «خدا عقلت بدهد! خب دسته‌اش را بگیر تا نسوزی!» او با مهربانی و سادگی کودکانه‌اش گفت: «آقا می‌خواستم شما نسوزید، به همین خاطر دسته‌ی لیوان را برای شما آزاد گذاشتم». سرم را پایین انداختم و شرمگین شدم و سپس رویش را بوسیدم. هرچند از این پیش‌داوری خود خجالت‌زده شدم اما خوشحال و سرفراز از این بودم که دانش‌آموزانی فهیم و باادب در دبستانم درس می‌خوانند».

## علیرضا عباسی

دبستان فرهنگ، خلیل‌آباد، استان خراسان رضوی

# همه‌ی بچه‌ها محبت را درک می‌کنند

فاطمه معتقدی  
استان کردستان

بعد کم‌کم در فعالیت‌های ورزشی شرکت می‌کردند و گاهی اعتراض می‌کردند: «خانم ما هم توی صف می‌ایستیم؛ کی نوبت من میشه سرگروه بشیم؟»

ارزش قائل بودن برای آن‌ها، محبت به آن‌ها و درک آن‌ها باعث شده بود که حتی حرکاتشان بهتر از بقیه باشد. آن‌ها حتی به بقیه هم کمک می‌کردند. به‌نظر من این بچه‌ها نیروی فوق‌العاده‌ای داشتند. نیروی آن‌ها چند برابر بقیه‌ی بچه‌ها بود. خلاصه با حضور من در کلاس همه به هم احترام می‌گذاشتند و کارهایشان را به خوبی انجام می‌دادند و بچه‌ها دیگر از آن‌ها نمی‌ترسیدند. همکاران در مدرسه تعجب می‌کردند که آن بچه‌ها از من حرف‌شنوی زیادی داشتند. حتی روزهایی که مراسمی داشتیم و عکس می‌انداختیم، خواهان این بودند که عکس بیندازند. به‌نظر بقیه مسخره بود یا نیازی به این کار نبود ولی واقعاً این‌طور نبود. آن‌ها نیز مانند بچه‌های دیگر شادی می‌کردند و نیاز داشتند که در کشان کنیم.

روز آخر مدرسه هرگز اشک‌های آن‌ها و حرف‌هایشان را هنگام خداحافظی فراموش نمی‌کنم: «خانم ورزش، ما شما را خیلی دوست داریم، خیلی خوش گذشت، سال دیگه هم بیا ورزش کنیم، خانم یادت نره حتماً بیا». با خودم می‌گفتم که محبت باعث تعادل روحی و جسمی این بچه‌ها شده است.

در مدرسه‌ای که اطراف شهر قرار داشت خدمت می‌کردم. در آنجا مدرسه‌ی استثنایی برای دانش‌آموزان دیرآموز نبود و این بچه‌ها مجبور بودند در همان مدارس عادی و در یک کلاس کوچک آموزش ببینند. روزهای اولی که در حیاط مدرسه ورزش می‌کردیم، یکی دو تا از این بچه‌ها را می‌دیدم که سریع و با عصبانیت از بین بچه‌ها رد می‌شدند و داد می‌زدند و شروع به ترساندن بچه‌ها می‌کردند. چند بار این حادثه تکرار شد. بچه‌ها می‌گفتند: «خانم، این‌ها ما را اذیت می‌کنند». برایم عجیب بود که بچه‌ها این‌طور فکر می‌کردند و به دنبال این بودم که چرا آن بچه‌ها این‌طور رفتار می‌کنند.

از آموزگار سمیرا و بهنام خواستم که اجازه بدهد با آن‌ها از نظر حرکتی و ورزشی کار کنم. آن یکی دو جلسه سعی کردم مثل بچه‌های دیگر با آن‌ها رفتار کنم. برایشان ارزش و احترام قائل می‌شدم و تا آنجا که مقدور بود و قادر به فعالیت ورزشی بودند، با آن‌ها کار می‌کردم. برایشان شیرین بود.

جلسات بعد سعی می‌کردم با آن‌ها همراه دانش‌آموزان کلاس‌های دیگر ورزش کنم. اوایل بچه‌ها نسبت به سمیرا و بهنام عکس‌العمل نشان می‌دادند و جیغ می‌زدند و فرار می‌کردند، ولی کم‌کم فهمیدند که خودشان باعث می‌شوند آن‌ها عصبانی شوند. بعدها سمیرا و بهنام وارد کلاس می‌شدند. اجازه می‌گرفتند و شروع به ورزش می‌کردند.

# تیمز

## واقعیت‌ها روش‌ها و مفاهیم

بهبود قابخلو  
قسمت دوم و پایانی

ویژگی‌های مختلف معلمان، نگرش آنان نسبت به حرفه‌ی معلمی، امکانات آموزشی موجود، شیوه‌های تدریس و روش‌های ارزیابی

- پرسش‌نامه‌ی مدیران: بررسی متغیرهایی نظیر مسئولیت‌ها و وظایف مدیران، کمبودها و موانع آموزشی و شرایط فیزیکی مدارس

- پرسش‌نامه‌ی برنامه‌ی درسی: بررسی برنامه‌ی قصدشده‌ی ریاضی در کشورهای مختلف

### نوع سؤالات در آزمون تیمز

۱. سؤالات هسته‌ای: به سؤال‌هایی که در تمامی دفترچه‌های آزمون مشترک‌اند گفته می‌شود.
۲. سؤالات پراکنده: سؤال‌هایی است که در هر یک از زیر مجموعه‌ها هستند. تعداد زیرمجموعه‌ها ۵ تاست و هر زیرمجموعه در برگزیده‌ی ۹ سؤال ریاضی است که در آن‌ها سؤالات کوتاه‌پاسخ نیز دیده می‌شود.
۳. سؤال‌های باز پاسخ: که شامل چهار زیرمجموعه است و هر زیرمجموعه ۵ سؤال دارد که ۳ تای آن‌ها پاسخ کوتاه و ۲ تا از نوع تشریحی هستند.

### نقاط معیار عملکردی (سطوح عملکرد)

پیشرفت تحصیلی مطالعات تیمز با پیوستاری با میانگین ۵۰۰ و انحراف استاندارد ۱۰۰ نشان داده می‌شود. نقاط معیار بین‌المللی (Bench marks) نقاطی بر روی این پیوستار هستند که در آن

سهولت کاربرد ریاضیات یا استدلال درباره‌ی مسائل مربوط به ریاضی به دانش ریاضی و میزان آشنایی با مفاهیم ریاضی بستگی دارد. هرچه توانایی دانش‌آموزان در فراخوانی دانش مربوط بیشتر و هرچه درک و فهم نسبت به مفاهیم وسیع‌تر باشد، قابلیت بیشتری در پرداختن به موقعیت‌های حل مسئله و پیشرفت در درک ریاضی خواهند داشت.

واقعیت‌ها زبان پایه‌ی ریاضیات، حقایق و ویژگی‌های بنیادی اندیشه‌ی ریاضی را شکل می‌دهد و روش‌ها در واقع پلی هستند بین دانش پایه‌ای‌تر و کاربرد ریاضیات در جهت حل مسائلی که بیشتر افراد در زندگی روزانه‌شان با آن‌ها برخورد می‌کنند. شناخت مفاهیم به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا ارکان دانش را به یکدیگر ارتباط دهند. در غیر این صورت در خوش‌بینانه‌ترین حالت این ارکان به‌عنوان حقایق مجزا باقی خواهند ماند.

### ابزارهای مطالعه‌ی تیمز

- سؤال‌های چندگزینهای، پاسخ‌ساز (تشریحی) و پاسخ کوتاه ریاضی

- آزمون‌های عملکردی ریاضی

- پرسش‌نامه‌ی دانش‌آموز: بررسی عوامل تأثیرگذار بر فرایند یاددهی - یادگیری مانند پیشینه‌ی فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی دانش‌آموزان و فعالیت‌های درون و برون مدرسه‌ای آنان

- پرسش‌نامه‌ی معلمان ریاضی: بررسی متغیرهایی چون

نقاط، سطح عملکرد خاصی از دانش‌آموزان انتظار می‌رود. نقاط بین‌المللی در پایه‌ی چهارم با شرایط زیر توصیف می‌شوند.

### نقطه‌ی معیار بین‌المللی پیشرفته

دانش‌آموزان می‌توانند درک و دانش خود را در وضعیت‌های پیچیده و مختلف به‌کار گیرند و استدلال خویش را بیان کنند. مثلاً درک خود را از اشکال دو و سه بعدی در وضعیت‌های مختلف بیان می‌کنند.

### نقطه‌ی معیار بین‌المللی بالا

دانش‌آموزان بتوانند از دانش و درک خود در حل مسائل استفاده کنند. مثلاً با ادامه‌ی الگو جمله‌ای مشخص از الگو را پیدا کنند.

### نقطه‌ی معیار بین‌المللی پایین

دانش‌آموزان با ریاضیات پایه‌ی آشنایی دارند؛ مثلاً بتوانند جمع و تفریق اعداد حسابی را انجام دهند.

### روند عملکرد دانش‌آموزان ایران در ریاضیات

نمودارهای زیر نگاهی گذرا به روند پیشرفت عملکرد ریاضی در طول سال‌های شرکت ایران در این مطالعه دارند. این نتایج نشان می‌دهند، که پیشرفت دانش‌آموزان ایران در درس ریاضیات چهارم از تیمز ۲۰۰۷ تا تیمز ۲۰۱۱ با یک روند افزایشی ۲۹ نمره‌ای روبه‌رو بوده است.

### اهداف اصلی وزارت آموزش و پرورش برای شرکت در آزمون تیمز

۱. مبادله‌ی اطلاعات در زمینه‌ی موضوع‌ها و مشکلات آموزشی
۲. بررسی وضعیت آموزشی کشورها در ابعاد گوناگون برنامه‌ریزی، امکانات، روش‌ها و...
۳. بازشناسی راه‌ها و روش‌های نوین در فرایند تدریس
۴. کشف مشکلات و نارسایی‌های نظام‌های آموزشی با توجه به عوامل درونی و بیرونی
۵. بررسی محتوای کتاب‌های درسی
۶. بررسی کارآمدی و ناکارآمدی نیروی انسانی در ساختار
۷. مشاهده‌ی تفاوت نتایج و کیفیت روند اصلاحات نظام آموزشی و هماهنگی با نظام‌های بین‌المللی
۸. میزان توانایی دانش‌آموزان هر کشور در هر یک از موضوع‌ها و کتاب‌های درسی در لایه‌های گوناگون یادگیری و شرایط متفاوت تحصیل
۹. ایجاد زمینه برای تحلیل و تفسیر تجارب و سیاست‌های آموزشی در فرهنگ‌ها و کشورهای دیگر با سیاست‌های آموزشی کشور.

### اقدامات انجام شده در کاربست نتایج مطالعات تیمز

۱. تهیه و تدوین گزارش‌های مختلف از چگونگی کاربست نتایج

۱. عملکرد دانش‌آموزان ایران طی ادوار گذشته
۲. ارائه‌ی نتایج مقایسه‌ی روند پیشرفت درون داده‌ها و برون داده‌های درس ریاضیات در چهار دوره‌ی گذشته
۳. انتشار مجموعه سؤال‌های پاسخ باز و چندگزینه‌ای ریاضیات برای آشنایی آموزگاران و کارشناسان آموزشی
۴. برگزاری همایش‌های منطقه‌ای، استانی و ملی در سطح کشور
۵. آموزش و اطلاع‌رسانی در مورد اجرای مرحله‌ی اصلی تیمز
۶. ارائه و انعکاس نتایج ملی تیمز در برنامه‌ریزی‌های آموزشی و تحولات ایجاد شده در ریاضیات
۷. برگزاری جلسات مختلف با کارشناسان و پژوهشگران در دفتر تألیف
۸. اطلاع‌رسانی در سطوح کارشناسان پژوهشی دانشگاه‌ها
۹. شناسایی مدارس برتر در تیمز و بررسی عوامل موفقیت این مدارس برای الگوبرداری در سایر مدارس کشور.

### سؤالات تیمز و نمونه‌ی آن‌ها در کتاب‌های ریاضی

#### ابتدایی

۱. دور یک میز ۴ نفر می‌توانند بنشینند. چگونه می‌توانید تعداد میزهای لازم برای نشستن ۲۸ نفر را پیدا کنید.
  - الف) ۲۸ را در ۴ ضرب کنید.
  - ب) ۲۸ را بر ۴ تقسیم کنید.
  - ج) ۴ تا از ۲۸ تا تفریق کنید.
  - د) ۴ را با ۲۸ تا جمع کنید.

حیطه‌ی محتوایی	حیطه‌ی شناختی	نمونه‌ی آن	صفحه	سال
اعداد- تقسیم	به‌کارگیری	پایه‌ی سوم	۱۴۴	

۲. به چند کاشی مثلثی شکل- مانند پایین- نیاز داریم تا شکل زیر را با آن‌ها بپوشانیم؟

پاسخ - - - - -



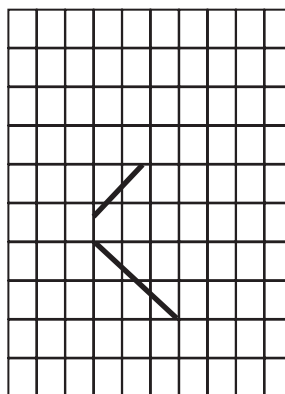
حیطه‌ی محتوایی	حیطه‌ی شناختی	نمونه‌ی آن	صفحه	سال
اشکال هندسی و اندازه‌گیری	به‌کارگیری	پایه‌ی سوم	۲۰ و ۸۸	۲۰۰۷

۳. فرهاد و علی مشغول دویدن شدند. در برابر هر دو کیلومتری که فرهاد دوید، علی سه کیلومتر دوید. اگر فرهاد شش کیلومتر دویده باشد، علی چند کیلومتر دویده است؟
- پاسخ - - - - - کیلومتر

- از طریق نمونه سؤالات تیمز
- تغییر نگرش در ارزیابی دانش آموزان از لحاظ محتوایی و حرکت هم‌زمان و موازی با آزمون تیمز در کلاس‌های درس
  - تأکید ویژه بر نمونه سؤالات تیمز در کتاب‌های ریاضی در حین تدریس
  - سهام دادن نمونه سؤالات تیمز در تکالیف دانش آموزان
  - برگزاری آزمون‌های ویژه و هماهنگ با تیمز به صورت هفتگی و ماهیانه و غیره
  - طراحی سازوکار لازم برای هماهنگی آزمون‌های تیمز با پرلز در مناطق یا مدارس
  - ارتباط با سایت مرکز ملی مطالعات بین‌المللی تیمز و پرلز در پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش و بازدید آن.

حیطه‌ی محتوایی	حیطه‌ی شناختی	نمونه‌ی آن	صفحه	سال
اعداد-الگویابی	استدلال	پایه‌ی سوم	۹ و ۱۵	

۴. در شکل زیر ۲ ضلع یک مستطیل را می‌بینید. دو ضلع دیگر این مستطیل را رسم کنید.



حیطه‌ی محتوایی	حیطه‌ی شناختی	نمونه‌ی آن	صفحه	سال
اشکال هندسی و اندازه‌گیری	به‌کارگیری	پایه‌ی سوم	۲۱	۲۰۰۷

۵. نمودار زیر امتیاز ۴ راننده را در یک مسابقه‌ی اتومبیل‌رانی نشان می‌دهد. احمد مقام اول را دارد، محمد هم در مقام سوم است. با رسم ستون محمد نشان دهید محمد چند امتیاز به دست آورده است.

عباس										
جعفر										
محمد										
احمد										
									۹۰	۹۱
امتیازات کسب شده										

حیطه‌ی محتوایی	حیطه‌ی شناختی	نمونه‌ی آن	صفحه	سال
نمایش داده	استدلال	پایه‌ی سوم	۱۲۰-۱۲۷۲	۲۰۰۱

### همیاری‌های لازم در خصوص آزمون تیمز از طرف شما همکاران محترم

- آشنایی آموزگاران، مدیران و اولیا با اهداف و محتوای آزمون تیمز
- پیگیری، اجرا و آشنا کردن دانش آموزان در طول سال تحصیلی

#### منابع

- خبریه، مریم؛ بروشور معرفی تیمزهای ۹۵ و ۹۹ و ۲۰۰۳ پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت، ۱۳۸۰.
- رحیمی نژاد، عباس؛ «گزارش بررسی روند عملکرد ریاضیات و علوم جمعیت ۱ دانش‌آموزان ایرانی پایه‌ی چهارم دبستان در تیمز ۲۰۰۳ و مقایسه‌ی آن با تیمز ۹۵»، مرکز مطالعات تیمز و پرلز، پژوهشگاه، ۱۳۸۴.
- سلسبیلی، نادر؛ «نگاهی به تیمز - کمبودها و مطالعات مکمل آن»، پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت، ۱۳۷۹.
- سلسبیلی، نادر؛ «آشنایی اجمالی با تحقیقات تیمز در ایران، گروه برنامه‌های درسی و روش‌های تدریس»، پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت، ۱۳۷۸.
- داعی پور، پروین؛ «راهنمای نمونه‌گیری پرلز»، پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت، ۱۳۷۸.
- کریمی، عبدالعظیم؛ «چارچوب و ویژگی‌های مطالعه بین‌المللی پیشرفت سواد خواندن پرلز ۲۰۰۶»، مرکز مطالعات تیمز و پرلز، ۱۳۸۴.
- کریمی، عبدالعظیم و پروین داعی‌پور؛ نمونه‌ای از متن‌های قابل انتشار آزمون پرلز ۲۰۰۱ پژوهشگاه، تک نگاشت، ۱۳۸۲.
- کریمی، عبدالعظیم؛ «ویژه‌نامه‌ی تیمز ۲۰۰۷»، گزارش اجمالی یافته‌های ملی و بین‌المللی تیمز ۲۰۰۷، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، ۱۳۸۷.
- کیامنش، علیرضا با همکاری رحمان نوری؛ «یافته‌های سومین مطالعه‌ی بین‌المللی تیمز ریاضیات دوره‌ی ابتدایی»، تک نگاشت شماره ۲۲، واحد انتشارات پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت، ۱۳۷۷.
- رحمان نوری؛ «یافته‌های سومین مطالعه‌ی بین‌المللی تیمز ریاضیات دوره‌ی راهنمایی»، تک‌نگاشت ۲۲، واحد انتشارات پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت، ۱۳۷۶.
- کیوز، جان بی؛ «دنیای یادگیری در مدرسه، مترجم: رئیس دانا، فرخ لقا؛ تک نگاشت ۱، ۱۳۷۶.
- محمد اسماعیل، الهه؛ «گزارش نتایج ملی درون‌دادها و برون‌دادهای آموزش ریاضی در تیمز ۲۰۰۳»، مرکز ملی مطالعات تیمز و پرلز پژوهشگاه، ۱۳۸۴.
- کریمی، عبدالعظیم؛ بخشعلی‌زاده، شهرناز و مسعود کبیری، «گزارش اجمالی از مهم‌ترین نتایج تیمز و پرلز ۲۰۱۱ و مقایسه‌ی آن با عملکرد دانش‌آموزان ایران در دوره‌های قبل»، مرکز ملی مطالعات تیمز و پرلز پژوهشگاه.
- Ina v.smullis, Michael o.martin, timss 2007 assessment frameworks iea
- Ina v.smullis, ann.kennedy Michael and martin marians Sainsbury pirls 2006 assessment frameworks and specifications.
- Timss advanced 2008 assessment framework kersevin lie robitaille.

# معده جا پیر از گل گل و شکوفه بود

روناک تاب  
کارشناس آموزش ابتدایی

از انبار بیرون می‌آمد. پس بهار کجاست؟ هرچه هست سرماست، چه‌طور چیزی را که اصلاً وجودش را حس نمی‌کنم، توصیف کنم. به درون کلاس نگاهی انداختم؛ بچه‌ها سرشان را توی دفترها فرو برده بودند و می‌نوشتند. نگاهم از روی آن‌ها به سمت خانم معلم سر خورد که پشت میزش نشسته بود و در کمال آرامش مشغول مطالعه‌ی کتابی بود که جلد زیبایی داشت؛ پر از گل و شکوفه! به خانم معلم نگاهی انداختم، آرامش زیبایی داشت، ژاکت بافتنی او هم زیبا و پر از گل‌های رنگارنگ بود. بله ... بهار را پیدا کرده بودم، در ژاکت خانم معلم ... با سرعت شروع به نوشتن کردم. آن قدر نوشتم تا صدای خانم معلم مرا به خود آورد: «هرچه نوشتید، بس است».

آن روز زنگ آخر انشا داشتیم، هوای کلاس مثل همیشه سرد بود و یک بخاری نفتی - که هیچ‌وقت گرمایی نداشت - در گوشه‌ای از کلاس سعی می‌کرد وظیفه‌ی خود را انجام دهد! خانم معلم وارد شد. «بر پا»، بلند شدیم. «بر جا»، نشستیم. پس از یک مقدار صحبت‌های متداول، خانم معلم موضوع انشا را روی تخته‌سیاه نوشت؛ «فصل بهار را توصیف کنید»، مشغول شوید. از پنجره‌ی کلاس نگاهی به بیرون انداختم؛ گرچه چند روزی بیشتر به عید نمانده بود، هیچ نشانی از بهار و عید نمی‌دیدم. باران دوباره شروع شده بود. حیاط مدرسه کاملاً خیس بود. بابای مدرسه در حالی که یک بخاری نفتی را به زحمت دنبال خود می‌کشید، لنگ‌لنگان

# تلفیق حس علم و

## روش تدریس بر مبنای پرورش هوش اخلاقی

مریم عباسی  
کارشناس ارشد تعلیم و تربیت

به همین دلیل، در تدریس موضوعات درسی ابتدا مسائل اخلاقی و ارزشی آن موضوع را به شیوه‌ی معما و گاهی نمایشی مطرح می‌کردم. یعنی هدفم از تدریس هر موضوع درسی حل یکی از مشکلات اخلاقی کلاس بود تا با برطرف شدن آن مشکلات آموزشی هم حل شود.

برای مثال یکی از مشکلات دانش‌آموزانم این بود که قدرت تصمیم‌گیری نداشتند. به همین دلیل، در تدریس یکی از موضوع‌های درس مطالعات اجتماعی به نام «تصمیم‌گیری چیست؟» دانش‌آموزانم را با یک موقعیت تصمیم‌گیری مواجه کردم. مثلاً از آن‌ها خواستم تصمیم بگیرند که چه قانون‌هایی برای کلاس داشته باشیم. همین امر باعث شد دانش‌آموزانم احساس اعتماد به نفس کنند و باور داشته باشند که می‌توانند.

از مشکلات دیگر کلاس نبودن دوستی و رفاقت صمیمی بین دانش‌آموزان بود. برای رفع این مشکل در تدریس «آداب دوستی» کتاب فارسی از شیوه‌ی نمایشی استفاده کردم. برای این کار تعدادی از دانش‌آموزان فعال کلاس را آموزش دادم تا از طریق ایفای نقش موضوع دوستی را در کلاس به نمایش بگذارند.

در کلاس صندوقی به نام صندوق «دل نوشته» قرار دادم و از دانش‌آموزانم خواستم در هر زمینه‌ای که احساس مشکل می‌کنند، یا انتقاد و پیشنهادی در مورد شیوه‌ی تدریس و برخورد آموزگار و یا بهبود شرایط کلاس دارند، آن را به صورت مکتوب با نام یا بی‌نام در صندوق قرار دهند. به آن‌ها قول دادم به دل نوشته‌های آن‌ها احترام بگذارم و به تک‌تک آن‌ها رسیدگی کنم. این شیوه مشکلات اخلاقی، آموزشی و حتی خانوادگی بسیاری از دانش‌آموزان کم‌رو و خجالتی را حل کرد و باعث شد دانش‌آموزانم بیشتر به من اعتماد کنند و احساس دوستی و محبت بینمان به وجود آید.

ساعاتی از هفته را در اختیار دانش‌آموزان می‌گذاشتم تا خود تدریس کنند. برای مثال، در تدریس موضوعی به نام «ویژگی دریاهای ایران» - که از موضوع‌های درس مطالعات اجتماعی است - دانش‌آموزان شمالی و جنوبی کلاس به صورت داوطلبانه غذای

نامیدی از دانش‌آموزان ناشی از این است که تصور می‌کرده‌اید آن‌ها انسان‌های کاملی هستند. (سخنی از حکیمان)

همانند سال‌های گذشته با ورود به کلاس و معرفی شدن به یکدیگر سال دیگری از معلمی را آغاز کردم. با وجود آنکه میان شرایط موجود با گذشته شباهت‌های زیادی وجود داشت، مسئله‌ای ذهنم را به خود مشغول کرده بود. با اینکه چند روزی از شروع سال نمی‌گذشت، اما دانش‌آموزانم در رفتارهایی مانند بحث و قهر کردن با یکدیگر، پرخاشگری، دروغ‌گویی، بی‌علاقه بودن به درس و مدرسه، سخن‌چینی، چهره‌های بی‌حوصله، کم‌تحرکی و بی‌توجهی وارد می‌شدند. هر چه می‌گذشت این مسائل تأثیر بسیاری بر روند یادگیری دانش‌آموزانم می‌گذاشت و حتی پیشرفت تحصیلی بعضی از آن‌ها را مختل می‌کرد. برای مثال، در زمان انجام فعالیت‌های گروهی مشاهده می‌کردم که بعضی بچه‌ها با هم قهرند و خود را ملزم به انجام فعالیت در کنار بعضی هم‌کلاسی‌هایشان نمی‌دانند. گریزی نبوده؛ باید زمانی از کلاس را به حل این قبیل مسائل اختصاص می‌دادم. برای این منظور، راه‌های مختلفی را امتحان کردم اما برداشتم این بود که اغلب راه‌ها موقتی هستند، اما زمانی که متوجه شدم مشکل کلاس اخلاقی - عاطفی است، تصمیم گرفتم روشی را انتخاب کنم که هم باعث پیشرفت اخلاقی و درسی دانش‌آموزانم شود و هم محیط کلاس را به فضایی توأم با عشق، علاقه، شادی و احترام متقابل تبدیل کند. این تصمیم و اجرای آن به من اطمینان داد که رعایت مسائل اخلاقی باعث عملکرد مثبت می‌شود. سپس از رویکرد تلفیقی در تدریس استفاده کردم که در ادامه به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود.

۱. هیچ موضوع درسی‌ای نمی‌تواند مستقل از ملاحظات اخلاقی و ارزشی باشد (چرا که تمامی فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و رفتاری که در محتوای کتاب‌ها گنجانیده شده‌اند متأثر از مسئله‌ی اخلاقی و ارزشی‌اند). از محاسن این شیوه این است که بیشترین تطابق را با فطرت اخلاقی و ارزشی دانش‌آموزان دارد.



از بین برود. برای مثال، وقتی یکی از دانش‌آموزانم خوب طراحی می‌کرد، احساس کردم بقیه به او حسادت می‌کنند. این مسئله باعث شد که با دانش‌آموزان حرف بزنم و توانایی‌هایشان و موضوعاتی را که در آن‌ها بیشتر مستعد بودند، گوشزد کنم. سپس دانش‌آموزان را متناسب با توانایی‌ها و استعدادهایشان گروه‌بندی کردم و بین آن‌ها رقابت مثبت و مسابقه گذاشتم.

با به کارگیری این شیوه‌ها، کلاس به موفقیت‌های زیر دست یافت:

\* پیشرفت تحصیلی - تربیتی دانش‌آموزان

\* افزایش سطح تعامل میان معلم و دانش‌آموزان

\* برانگیختن رفتار و عمل درست

\* افزایش شادابی و نشاط در محیط کلاس

\* افزایش توان استدلال در دانش‌آموزان

\* آشنا شدن دانش‌آموزان با ارزش‌های اخلاقی

\* تبدیل محیط کلاس به محیطی برانگیزاننده‌ی

احترام، رقابت و همکاری با دیگران

\* تقویت تمایل دانش‌آموزان به سمت رفتارها و منش‌های

اخلاقی و ارزشی

\* به‌وجود آمدن میل به مباحثه و تعامل و گفت‌وگوی دوستانه در

میان دانش‌آموزان.



### تحت تأثیر این شیوه یکی از شاگردانم به نام محسن قانندی فر داستان «دوستان شهر ریاضی» را نوشته که در زیر مشاهده می‌کنید

یکی بود یکی نبود؛ یک مثلث متساوی‌الاضلاع و یک دایره در یکی از صفحات کتاب ریاضی با هم زندگی می‌کردند. دایره تنها زندگی می‌کرد اما مثلث دوستان زیادی داشت؛ مثل مثلث متساوی‌الساقین و مثلث قائم‌الزاویه. یکی از خصوصیات منفی مثلث این بود که شکل‌های دیگر را مسخره می‌کرد. هیچ‌کدام از عددها، شکل‌ها و دوستان ریاضی از هم‌نشینی با آن‌ها خوشحال نبودند. مثلث دایره را مسخره می‌کرد و به او می‌گفت: دایره به درستی نمی‌تواند قدم بزند؛ چون نه خط صاف دارد و نه گوشه و زاویه! او برای اینکه دایره را بیشتر اذیت کند، قرار گذاشت با دایره مسابقه‌ی دو بدهد. روز مسابقه همه‌ی عددها و شکل‌های کتاب ریاضی برای تماشا آمده بودند. آقای لوزی سوت شروع مسابقه را زد. دایره سریع قِل خورد و به خط پایان رسید اما مثلث برای دویدن مجبور بود زاویه‌های پایینی‌اش را مدام بالا و پایین ببرد. بعد از مسابقه، مثلث و دوستانش به توانایی‌های دایره پی بردند و از رفتار زشت خودشان پشیمان شدند. آن‌ها از دایره عذرخواهی کردند و تصمیم گرفتند در کنار هم در کتاب ریاضی دوستان خوبی برای بچه‌ها باشند.

محلی (دریایی) آماده ساختند و با خود به کلاس آوردند و درباره‌ی ویژگی‌های دریا، آب‌وهوا، آداب و رسوم و گویش آن منطقه صحبت کردند. به این ترتیب، دانش‌آموزان احساس می‌کردند که واقعاً در شمال یا جنوب کشور قرار گرفته‌اند. یا در مورد موضوع انواع لباس در درس مطالعات اجتماعی تمام دانش‌آموزان با لباس‌های محلی در زنگ مطالعات حاضر شدند و هر کدام درخصوص پیشینه‌ی لباس خویش چند دقیقه‌ای صحبت کردند و این باعث شد کل کلاس با اطلاعات جامعی در این زمینه دریافت کنند به‌علاوه فضای کلاس با علاقه و شادی و محبت توأم شده بود.

- در تدریس موضوعات درسی شرایط فرهنگی، محلی و اقتصادی دانش‌آموزان را در نظر می‌گرفتم. هدفم از به کارگیری این شیوه این بود که مفاهیم و موضوعات درسی در زندگی دانش‌آموزان جنبه‌ی کاربردی داشته باشد و مهارت‌ها را آموزش ببینند. برای مثال، در تدریس ریاضی در بخش حل مسائل هر فصل از دانش‌آموزانم خواستم از مسائل اقتصادی و خرید و... - که به‌طور روزمره با آن سروکار دارند - به‌عنوان صورت مسئله استفاده کنند.

- شناسایی نقاط ضعف و قوت، استعدادها و توانایی‌های فردی و احترام گذاشتن به شخصیت فردی دانش‌آموزان از جمله شیوه‌هایی بود که باعث شد حس حسادت نسبت به یکدیگر در دانش‌آموزانم

# با کلمات بازی می‌کنیم؟

فلسفه بدانیم،  
انشا بنویسیم

مژگان محمدی

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی

منطقی می‌اندیشیدند و نه حرف می‌زدند». او در نهایت به این نتیجه رسید که آموزش فلسفه در سنین بالا هیچ تأثیری در نحوه تفکر و اندیشیدن ما ندارد. این دانشمند با تحقیق درباره‌ی کودکان چهار

سال به بالا مهارت‌هایی را با آن‌ها تمرین کرد که از مهم‌ترین آن‌ها «کاربرد به‌موقع اصطلاحات و بررسی حوزه‌ی معنایی آن‌هاست». اگر کودک در

## اشاره

تعلیم و تربیت یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های بشر در جوامع مختلف است. گسترش روزافزون ساختارهای اجتماعی و نیاز به تربیت و آماده‌سازی افراد برای زندگی در جامعه‌ی در حال رشد از یک‌سو و دیدگاه‌های گوناگون در مورد نقشی که آدمیان در قرن جدید ایفا خواهند کرد، از سوی دیگر بیش از پیش دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت را متوجه هدایت و سازمان‌دهی فرایندهای آموزشی کرده است. تحولات سریع و رشد روزافزون اطلاعات و نیاز به نحوه‌ی برخورد صحیح با شرایط، مستلزم آموزش درست اندیشیدن و پرورش قوه‌ی تحلیل و قضاوت صحیح است تا فرد توانایی سازگاری و هماهنگی لازم با تحولات را پیدا کند. روش‌های تفکر محور و اندیشه‌مدار در برنامه‌ی درسی مدارس می‌تواند ما را به هدف نزدیک کند.

## طراحی و اجرای کلاس‌های تفکر خلاق در ساعت انشا

سال‌هاست که در زنگ انشا دانش‌آموزانی تربیت می‌کنیم که اگر خیلی تلاش کنند، توانایی دارند تفکرات دیگران را روی کاغذ بیاورند. ما تصور می‌کنیم که فکر می‌کنند اما آن‌ها فقط محفوظات و معلوماتی را به یاد می‌آورند که از دیگران و کتاب‌ها کسب کرده‌اند. ما بدون فکر اصلاً متوجه مشکلات و نقایصمان نمی‌شویم و اگر متوجه شویم می‌خواهیم با احساسات آن‌ها را حل کنیم. **لیپمن**، بنیان‌گذار فلسفه برای کودکان می‌گوید: «انگیزه‌ی من برای آوردن به این رشته از آن‌جا شروع شد که متوجه شدم در درگیری میان استادان و دانشجویان دانشکده‌ی فلسفه هیچ کدامشان حرف هم‌دیگر را نمی‌فهمیدند؛ چرا که نه به‌طور مستدل و





حتی یک لحظه هم از نقد حرف‌های خودش غفلت نکند. کسی که مهارت‌های نوشتن را یاد بگیرد و نقد کردن را هم انجام دهد، هنگام نوشتن نویسنده‌ای نیست که فقط با کلمات بازی کند و هیچ حرفی برای گفتن نداشته باشد. او واقعاً نویسنده می‌شود.

آموزش فلسفه و انشا زمانی موفقیت‌آمیز است که افراد در حال آموزش بتوانند درباره‌ی مسائل نقادانه بیندیشند، دارای تفکر خلاق باشند و هم‌چنین با نگارش استدلالی مخاطب را به انجام کاری یا باور در عقیده‌ای متقاعد کنند، با نگارش ادبی به بیان روایی بپردازند و مطالب خود را در قالب شعر، داستان و قطعه‌ی ادبی به ظهور برسانند. نویسنده باید هنگام خلق جهان مادی پیرامون شخصیت، از پنج حس خود استفاده کند. در این صورت، مکان مسطح پیرامون شخصیت به محیطی چندبعدی تبدیل خواهد شد. محیط مسطح فقط یک سطح دارد اما مکان چندبعدی سطوح گوناگونی دارد. با به کارگیری پنج حس شخصیت‌ها نیز مفصل توصیف می‌شوند، جذاب‌تر می‌گردند و بیشتر در یاد می‌مانند. البته داشتن این نوع نگاه نیاز به آموزش دارد و چه زمانی بهتر از کلاس انشا و فلسفه.

### روش فلسفی آموزش انشا

برای غنی شدن برنامه‌ی درسی انشا باید از روش‌های فلسفی و قوه‌ی تفکر دانش‌آموز استفاده کرد.

خواندن داستان‌های مختلف، تحلیل شخصیت‌ها، نقد رفتار دیگران، اندیشیدن درباره‌ی چرایی موضوعات، دیدن نیازهای خود و یافتن جواب و راه‌حل.

### روش‌های مشترک فلسفه و انشا

۱. روش همیاری
۲. روش پرسش و پاسخ
۳. روش توضیحی
۴. روش ایفای نقش
۵. روش کاوشگری
۶. روش مشارکت فعال
۷. روش مسئله محور

استفاده از اهداف فلسفه‌ی کودک در راستای تقویت روحیه‌ی پرسشگری منطقی - نقد صحیح، سعه‌ی صدر و حوصله‌ی شنیدن حرف‌های دیگران از آموزه‌های دینی ماست و می‌توان با برنامه‌ریزی کارشناسان آگاه، به داشتن جامعه‌ای فکور و بصیر نزدیک شویم.

کودکی، مفاهیم را به‌درستی درک نکند، در آینده چه اتفاقی برای او می‌افتد؟ این کاری است که در کلاس‌های انشا باید انجام شود.

### بعد از آموزش مفاهیم در درس انشا

بچه‌ها در جمع و در کنار هم ذهنشان فعال‌تر و کارکرد ذهنی‌شان بیشتر می‌شود. اصولاً نقش همسالان در تربیت و رشد اخلاقی و فکری کودک بیش از بزرگ‌ترهاست. از این رو، در کلاس نقش معلم فقط این است که بچه‌ها را به فکر کردن وادار کند و ذهنشان را برانگیزد تا بحث مستقیم و صریح با هم داشته باشند. این باعث می‌شود که آن‌ها به معنای واقعی «فکر» کنند. آنچه در آموزش تفکر فوق‌العاده اهمیت دارد، این است که واقعاً در فکر حرکت به سمت یک مجهول باشد، در حالی که در نظام تربیتی و اخلاقی سنتی هدف و مقصد فکر معلوم است و ما سعی می‌کنیم برای رسیدن به آن مقصد صغری، کبری بچینیم. در کلاس، بچه‌ها درباره‌ی موضوعی که معلم با هنر خودش و با جذابیت خاص مطرح می‌کند با هم مشورت و فکر یکدیگر را بارور و خلاق می‌کنند. به مرور زمان، کودک یاد می‌گیرد که به مسائل از زوایای مختلف نگاه کند و تصور نکند حقیقت همانی است که او می‌فهمد. مهم‌تر اینکه گوش دادن به حرف‌های دیگران را می‌آموزد. معلمی که در هنگام تدریس دانش‌آموز را به ضبط صوت تبدیل کند، نمی‌تواند معلم خوبی باشد. معلم باید دانش‌آموز را

به منتقدی زیرک تبدیل کند؛ تا جایی که



# کارگاه خانوادگی



فرزانه محی‌الدین  
آموزگار دبستان شاهد حضرت رقیه (س)، ماهشهر



## اشاره

خوش‌بختانه موضوعات مجله از جمله مبحث جغرافی مورد پسند مخاطبان قرار گرفته است و تحت‌تأثیر آن شاهد رسیدن مطالب و مقالات از جانب همکاران گرامی هستیم. در همین زمینه **فرزانه محی‌الدین** از ماهشهر یک کارگاه آموزشی کوتاه در ارتباط با ساخت وسایل جغرافیایی و آشنایی با مفاهیم جغرافی راه‌اندازی کرده و در آن پدر و مادرها را در کنار آموزگاران و دانش‌آموزان نشانده است. ادامه‌ی ماجرا را از قول وی بخوانیم.

## کارگاه آموزشی ساخت وسایل و شناخت اصطلاحات جغرافیایی همراه با والدین

حیاط مدرسه پر شده بود از جمع کثیری از اولیا که هر یک بسته یا کیسه‌ای پر از وسایل کار مثل مقوا، کاموا، کاغذ رنگی، چسب، پنبه، گواش و شانه‌ی تخم‌مرغ همراه داشتند و در حیاط منتظر فرزندان خود بودند که از کلاس‌ها خارج شوند و با آنان مشغول کار گردند. انتظار به سر آمد. گروه‌ها که قبلاً مشخص شده بودند به همراه والدین خود روی زیراندازها نشستند. نقشه‌ی ساخت موضوعات

جغرافیایی مانند دشت، کویر، کوهستان، جلگه، ناهمواری‌ها، دریا و دریاچه‌ها براساس قرعه‌کشی مشخص شده بود. یکی می‌برد، یکی رنگ می‌کرد، یکی می‌چسباند. دیگری گل درست می‌کرد. نفر دیگر شانه‌های تخم‌مرغ را جدا می‌کرد و هر کس مشغول کاری بود. در همان لحظه به یاد دوران تحصیل خودم در کلاس چهارم افتادم. در آن زمان حتی بعضی از والدین خبر نداشتند که فرزندشان در چه کلاسی درس می‌خواند. فقط می‌دانستند که دختر یا پسر آنان در مدرسه است.

امروز اولیا به همراه فرزندان خود می‌نشینند و همراه یکدیگر می‌آموزند، می‌سازند و یاد می‌گیرند. به هم کمک می‌کنند و از کنار هم بودن لذت می‌برند. این کارگاه اعتمادبه‌نفس، امنیت خاطر و شادمانی بیشتری به گروه می‌دهد و آن‌ها می‌فهمند که برای هم با ارزش‌اند، چرا که یک روز کاری خود را برای کمک به یاددهی - یادگیری یکدیگر و به‌ویژه فرزندانشان اختصاص داده‌اند. از همکار عزیزم خانم طاهره ایزدپناه، معلم خوب و تلاشگر پایه‌ی چهارم که در برگزاری این کارگاه تلفیقی از هنر و جغرافیا همراه من بودند، کمال سپاس را دارم.

پرونده

بাহمکاری  
دفتر آموزش دبستانی  
وزارت آموزش و پرورش

# کلاسهای چندپایه

- مکتب عشایری بهمن بیگی / محمد دشتی / ۲۲
- کلاس چندپایه، فرصت‌ها و چالش‌ها / حسن رحمتی / ۲۴
- پایه پایه تا ملاقات ... / سید حشمت الله مرتضوی زاده / ۲۶
- مکتب خانه، پناهگاه چندپایه / سیده عصمت رضوی / ۲۸
- نوسان کیفیت! / محمود اردوخوانی / ۳۲
- جعبه‌ی جادوی مدرسه / مقصود رزم‌آرای شرق / ۳۴
- عشایر با قطار کوچ می‌کنند! / محمود اردوخوانی / ۳۷
- این بچه‌ها مشکل املانویسی ندارند؟! / بهمن قره‌داغی / ۳۹

# مکتب عشایری بهمن بیگی

## تجربه‌ای موفق در اداره‌ی کلاس‌های چندپایه

محمد دشتی

### اشاره

بزرگان تعلیم و تربیت همواره به آموزش دانش‌آموزان روستایی و عشایری نگاه خاصی داشته‌اند. آنچه می‌خوانید مروری بر نوشته‌های زنده‌یاد محمد بهمن بیگی و به‌خصوص خاطرات آموزشی و یکی از مجموعه داستان‌های این معلم سخت‌کوش است. او علاوه بر هنر معلمی، دستی هم بر قلم داشته و به‌خصوص در سال‌های فراغت از خدمت، تجربه‌ها و خاطرات خود را در قالب کتاب‌هایی گرد آورده است. در نوشته‌ها و کتاب‌هایش از حدیث راه‌اندازی مدارس عشایری که معمولاً یکی از ویژگی‌های آن‌ها چندپایه بودن است، یاد می‌کند.

او در ایل قشقایی فارس در سال ۱۲۹۹ش به دنیا آمد. نخست در بانک ملی ایران کار می‌کرد و بعدها مدیر کل آموزش عشایری شد. بهمن بیگی بنیان‌گذار آموزش و پرورش عشایری در ایران است. پیشینه‌ی سوادآموزی برخی از طایفه‌های ایلی فارس و پایه‌گذاری مدرسه‌های سیار عشایری به سال ۱۳۳۱ برمی‌گردد که تنها با کوشش و پایداری برخی به‌ویژه محمد بهمن بیگی امکان تحقق یافت. معلم بزرگ ایل در آستانه‌ی روز معلم، مقارن ظهر روز شنبه ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۸۹ دیده از جهان فرو بست.

## نمی‌خواستیم فرزندان عشایر برای همیشه بی‌سواد بمانند!

...من مبتکر ایجاد مدارس سیار عشایر نبودم. فکر ایجاد مدارس عشایری فکر بکری نبود. دیگران پیش از من در این طریق قدم نهاده بودند. ایلخان قشقایلی در زمان قدرت و شوکت ایل برای تعلیم و تربیت جگر گوشگان خویش دو معلم کارآمد شهری به ایل آورده بود... پدر من نیز بیکار ننشسته بود و با مهمانداری مرد مهاجری از شهرهای اصفهان من و خواهرانم را با خط و ربط مختصری آشنا کرده بود. آنچه من می‌خواستیم تعمیم این مکتب‌ها و مدارس خصوصی بود. می‌خواستیم نعمت سواد عمومیت یابد و همگانی شود تا فقیر نیز مثل غنی و چوپان زاده هم مانند خان زاده بر این سفره‌ی کریم بنشیند.

## اندیشه‌ی تعلیم و تربیت اطفال ایل آسوده‌ام نمی‌گذاشت

...بار دیگر به تب و تاب افتادم و با امید تکاپوی دیرین را از سر گرفتم. لیکن گرفتاری‌های سیاسی و مالی فراوان بود و باز هم هیولای وحشتناک اسکان بر سر راهم ایستاد. ...نمی‌توانستم تا آخر عمر کوهی و بیابانی بمانم. برای زندگی خود معنایی می‌خواستیم. اندیشه‌ی تعلیم و تربیت اطفال ایل آسوده‌ام نمی‌گذاشت و سرانجام نقشه‌ی تازه‌ای در خیالم نقش بست. برای اجرای آن دست به کار شدم و به دامن ملت پناه آوردم. در طول اقامت ممتد در ایل دوستان زیادی دست و پا کرده بودم. در میان خویشاوندانم نیز خانواده‌های مستطیع کم نبودند. غالباً مردم دست و دل بازی بودند و پذیرفتند که هر کدام حقوق یک معلم و هزینه‌ی رفت و آمد و قوت غذای او را بپردازند و وسیله‌ی حمل و نقل مدرسه را نیز فراهم کنند... برای پیدا کردن آموزگاری که بتواند در پایه‌های مختلف تدریس کند، به دوره‌گردی پرداختم... گروهی از منشی‌زادگان خان‌ها و کلانتران، عده‌ای از جوانان ایلی که بر حسب اتفاق به سواد مختصری دست یافته بودند و دسته‌ای از فرزندان روستاییان مناطق عشایری داوطلب کار شدند. به یاری خیرخواهان و همت این جوانان نیمه‌باسواد، نخستین دبستان‌های سیار چادری را برپا کردم. امتحان سریع و دقیقی به عمل می‌آوردیم. در حدود محفوظات و معلومات ششم ابتدایی پرسش‌های کتبی و شفاهی می‌کردم و اگر با موفقیت همراه بود قرار و مدار فوری کار را می‌بستم و با تلاش و سختی بچه‌های چندپایه را در یک کلاس سیاه‌چادری کنار هم می‌نشاندیم.

## شور و شوق و شیفتگی ما هر مشکلی را از سر راه برمی‌داشت

من بدون حکم و رقم، مدیر دستگاهی کوچک، متحرک و فرهنگی شدم. در خصوص تعلیم و تربیت تخصصی نداشتیم. دانشسرای

مقدماتی و عالی ندیده بودم. معلمانم نیز با راه و روش تدریس آشنا نبودند، ولی شور و شوق پاسخ همه‌ی این کمبودها را می‌داد. ...به زیبایی خط توجه خاص داشتیم. کتاب‌های درسی را از هر جا که بود تهیه می‌کردم. قرائت متون کتاب‌ها به صدای بلند انجام می‌گرفت. معانی کلمات، عبارات و اشعار فراموش نمی‌شد. چهار عمل اصلی حساب و مقداری اعشار و کسر متعارفی از موادی بود که می‌خواستیم و می‌پرسیدیم. مشاعره معمول شد. حکایاتی از بوستان سعدی و شاهنامه‌ی فردوسی، قطعاتی از شاعرانی چون پروین اعتصامی و ایرج‌میرزا و گوشه‌هایی از تاریخ و جغرافیای ایران و جهان در برنامه‌های کاری قرار گرفت. نوجوان‌ها با خردسالان هم‌کلاس می‌شدند. از زمان بندی‌های متعارف کلاس‌ها آزاد بودیم. هر کس هر قدر می‌توانست یاد می‌گرفت و پیش می‌رفت.

## گزارشی که سر ما را بر طاق آسمان رساند!

...مدت کوتاهی گذشت و کریم‌خان فاطمی (مدیرکل آموزش و پرورش فارس) باور نمی‌کرد که شمار این مکتب‌ها از هشتاد گذشته است. یکی از مأموران سرد و گرم چشیده‌اش را برگماشت تا همه را ببیند. گزارش این مأمور سرم را به آسمان رساند. من از عمق و کیفیت کار به خصوص در مقام مقایسه با دبستان‌های عمومی کشور خبر نداشتم. گزارش این مأمور مفتخر و متحیرم کرد. مدیرکل و همکارانش در صدد رفع نقایص و تکمیل برنامه برآمدند. در نظرشان عیبی در کار نبود جز آنکه مکتب‌داران من تصدیق و دیپلم نداشتند. ...بخت و اقبال یار و مددکار ما بود. این فرصت به دست آمده و به زودی کنگره‌ی بزرگی مرکب از دست‌اندرکاران و زمامداران فرهنگی کشور در شیراز برپا شد. معاونان وزارت آموزش و پرورش، مدیران کل پایتخت و سراسر مملکت در این کنگره شرکت داشتند. ...ولی آنچه که بیش از این پذیرایی صحرائی مهمانان ما را به شگفتی انداخت، پیشرفت حیرت‌انگیز بچه‌های دبستان بود. ...عده‌ای از مدیران و مربیان اشک به چشمانشان آمد و یکی از استادان مجرب و مشهور تعلیم و تربیت، دکتر عباس اکرامی با صدای بلند گریست. ...دو ماهی پیش نگذشت که طرح تأسیس دانشسرای عشایری را شورای عالی فرهنگی تصویب کرد. به موجب این طرح، مؤسسه‌ای با این نام و نشان در شیراز به وجود آمد (۱۳۳۶) و رسالت یافت که سالیانه گروهی از جوانان ایلی را با امتحان ورودی کتبی و مصاحبه‌ی شفاهی و بدون توجه به مدارک تحصیلی انتخاب و تربیت کند. دانشسرا تأسیس شد. (و) از عهده‌ی انجام رسالت خویش برآمد...

### منابع

- محمد بهمن بیگی، به اجاق قسم (خاطرات آموزشی) شیراز: نوید شیراز، ۱۳۷۹.
- محمد بهمن بیگی، بخاران من ایل من (مجموعه داستان)، تهران: آگاه، ۱۳۶۸.

# کلاس چند پایه فرصت‌ها، چالش‌ها



حسن رحمتی

آموزگار عشایری روستای سردق - بجنستان

## اشاره

تعلیم و تربیت دانش‌آموزان رسالتی خطیر و بزرگ است که نظام آموزشی کشور با تشکیل مدارس در قالب کلاس‌های تک‌پایه، تخصصی و چندپایه به انجام این امر می‌پردازد. به سبب شرایط محیطی، پایین بودن آمار دانش‌آموزی، کمبود معلم، فضای آموزشی، وضعیت فیزیکی مدارس، کلاس‌ها و روش‌های تدریس تشکیل کلاس‌های چندپایه یک ضرورت به‌نظر می‌رسد. کمبود وقت، تعداد زیاد دانش‌آموزان، کمبود آگاهی برخی معلمان از شیوه‌های تدریس در این‌گونه کلاس‌ها، کمبود وسایل کمک‌آموزشی، ترکیب نامناسب سنی دانش‌آموزان و عدم تمرکز حواس از عوامل اثرگذار بر مدیریت و تدریس کلاس‌های چندپایه است. علل تشکیل و مشکلات کلاس‌های چندپایه، شیوه‌های اداره‌ی کلاس (شیوه‌ی محوری، گروهی، تدریس ماده واحد درسی به تمام پایه‌ها) و روش‌های تدریس شامل سخنرانی، پرسش و پاسخ، حل مسئله و آزمایش مواردی است که به آن پرداخته می‌شود.

## کلیدواژه‌ها: کلاس چندپایه، ترکیب سنی، معلم‌یار

کلاس‌های درس در واقع محیط‌های اجتماعی قراردادی هستند که عناصر تشکیل‌دهنده‌ی آن‌ها به‌طور ویژه و بی‌همتایند، چون شرایط یادگیری در یک لحظه و زمان به هم شبیه نیستند. معلمان می‌توانند برنامه‌ی درسی را با توجه به شرایطی که در کلاس حاکم است، انتخاب کنند. در کلاس چندپایه معلمان به اقتضای شرایط می‌بایست کار یاددهی و یادگیری را پیش ببرند، کلاس‌های چندپایه قدمتی به طول تعلیم و تربیت در مکتب‌خانه‌ها دارند. از آنجا که انتظار

است تعلیم و تربیت در این مدارس همانند سایر مدارس پیش‌رود شناخت مشکلات، محدودیت‌ها و محاسن کلاس‌های چندپایه در جریان فرایند یاددهی و یادگیری ضروری است تا در جهت کاهش معضلات و کیفیت یادگیری، نابرابری‌های تحصیلی و افزایش کارآمدی آن گام‌های جدی برداشت.

**تعریف کلاس چندپایه:** تدریس چندپایه به نوعی از تدریس در آموزش ابتدایی اطلاق می‌شود که در آن دانش‌آموزان چندپایه در یک کلاس توسط یک معلم آموزش داده شوند (ایان برج، ۱۳۷۹).

## برخی از دلایل تشکیل کلاس چندپایه

(الف) پراکندگی روستاها

(ب) کمبود دانش‌آموزان به‌طور اعم و کمبود دانش‌آموز لازم‌التعلیم در برخی روستاها به‌طور اخص

(پ) مشکلات اقتصادی و استفاده از اطفال در امر کشاورزی و دامداری  
(ت) کمبود وسایل نقلیه و راه‌های نامناسب ارتباطی بین شهرها و روستاها  
(ث) نبود امکانات و تجهیزات آموزشی، نبود موافقت برخی والدین

مبنی بر ادامه‌ی تحصیل دختران

(ج) کمبود انگیزه‌ی خدمت معلمان باتجربه، کمبود اعتبارات و عدم استقبال از آموزش و پرورش کلاسیک

## چالش‌ها و مشکلات مدارس چندپایه

(الف) نداشتن تجربه‌ی کافی برخی معلمان برای آموزش در کلاس‌های چندپایه

(ب) کمبود وقت آموزش که برای رفع آن معلم باید زمان را متناسب بین پایه‌ها تقسیم کند.



پ) مدارس چندپایه شانس کمتری برای دسترسی به معلمان متخصص مثل هنر و ورزش دارند.

ت) وظایف اداری در مدارس چندپایه بیشتر است و بر عهده معلمی است که خود آموزش کلاسی را به عهده دارد و انجام آن زمان بر می‌باشد.

ث) ترکیب سنی و جنسی دانش‌آموزان دختر و پسر در یک کلاس درس مستلزم کنترل خاص و توانایی‌های نظارت و رهبری همه‌جانبه است و کوچک‌ترین غفلت سبب درگیری دانش‌آموزان و گاه درگیری خانوادگی می‌شود.

ج) کوچکی فضای آموزش، نداشتن کتابخانه، حجم زیاد کتاب‌ها و اختلاف زیاد سنی دانش‌آموزان

چ) مدارس عشایری و مساوی بودن حقوق این معلمان با معلمان کلاس‌های تک‌پایه

### شیوه‌های اداری کلاس چندپایه

آموزگارگان در این مدارس نیز می‌توانند تجربه‌های خود را محک بزنند و از میان شیوه‌های گوناگون یک یا چند مورد را بیازمایند. قطعاً می‌توان گفت پویایی این کلاس‌ها در نوع خود بی‌نظیر است.

۱. شیوه‌محوری (ارائه‌ی موضوع‌های ناهم‌اند): معلم در این روش با محور قرار دادن دو یا سه پایه در یک ساعت آموزش را انجام می‌دهد و برای هر دانش‌آموز ۱۵ دقیقه وقت صرف می‌کند و سه کلاس غیرمحور مشغول دروس انشائویی، نقاشی، خط و تمرین ریاضی می‌شوند. دلایل استفاده از آموزش شیوه‌محور عبارت‌اند از اجبار آموزگار به علت اینکه زمان لازم برای تدریس در اختیار داریم. از نظر بودجه‌بندی و استفاده از زمان مشکلی نخواهیم داشت. دانش‌آموزان می‌توانند دروس سال قبل را مرور کنند. آسان‌ترین و راحت‌ترین شیوه‌ی اداری کلاس برای اتمام دروس است. معایب این روش شامل سروصدا، فعالیت‌های اضافی پایه‌ی غیرمحور، بی‌نظمی و کمی نظارت بر دانش‌آموزان غیرمحور موجب می‌شود دانش‌آموز فکر کند دروس انشا و هنر اهمیتی ندارند.

۲. تدریس ماده‌ی درسی واحد به تمام پایه‌ها (ارائه‌ی موضوع همانند): در این روش معلم مقدماتی فراهم می‌کند و درسی را که ارتباط طولی با هم در پایه‌های مختلف دارد به صورت عمودی - مفاهیم را استخراج می‌کند و در یک جلسه بدون جداسازی دانش‌آموزان و قرار دادن یک گروه در محوریت و گروه دیگر غیرمحور ارائه می‌دهد. مثلاً در درس دایره پایه‌ی اول با گردی آشنا می‌شود و گردی را می‌کشد. در پایه‌ی دوم با رسم دایره آشنا می‌شود و می‌تواند با وسایلی مانند سکه دایره بکشد و ...

۳. تدریس ماده‌ی درسی با اهداف مشترک به چندپایه در یک زمان: در این روش در دروس مختلف هدف‌های مشترک استخراج و در یک جلسه به دانش‌آموزان تمام پایه‌ها تدریس می‌شود.

مفاهیم درسی مختلف که اهداف مشترکی داشته باشند باید انتخاب و نوشته شوند. هم‌چنین برنامه‌ی فعالیت‌های هر یک از گروه‌های کلاسی تدوین گردد. از معایب روش گروهی، برخی دروس

در پایه‌های مختلف هم‌خوانی ندارند. مثلاً پایه اول و دوم، مطالعات با تفکر و پژوهش ندارند و در تنظیم برنامه‌ی درسی مشکلاتی به وجود می‌آید. دیگر اینکه ساعت دروس با یکدیگر هم‌خوانی ندارند.

۴. شیوه‌ی مشترک محوری و گروهی: در این روش بعضی دروس به صورت گروهی و برخی به صورت محوری در یک ساعت آموزشی انجام می‌گیرد. مهم این است که معلم طوری برنامه‌ریزی کند که بتواند از هر روش که استفاده می‌کند پس از ارزیابی از پیشرفت کار، روش خود را انتخاب کند (رئوف رضایی).

**نکاتی که در مدیریت کلاس چندپایه به آن باید توجه کرد:** اطلاق کلمه‌ی کلاس به این نوع واحدها تأکید بر این امر است که فراگیرندگان آن هم‌چون دیگر شاگردان هستند و فرایند تعلیم و تربیت بر آن‌ها جاری است و باید موارد زیر رعایت شود.

۱. صدا کردن دانش‌آموز با احترام تا احساس مثبتی در آن‌ها ایجاد شود و آن‌ها نیز تلاش می‌کنند احترام و اعتقاد معلم را حفظ کنند.  
۲. به خاطر سپردن نام دانش‌آموز: این امر موجب می‌شود حتی اگر به دانش‌آموز نگاه نکنید بتوانید وی را مورد خطاب قرار دهید و به جریان مباحث برگردانید.

۳. مسئولیت واگذار کنید تا در قبال آن اعتماد به نفس آن‌ها بالا رود و در نتیجه نیاز به اعمال کمتر مدیریت از طرف معلم خواهد بود. واگذاری مسئولیت از امور کوچک شروع و در صورت توانایی بیشتر شود.

۴. به دیگران فرصت دهید و خونسرد باشید.  
۵. قانون را اجرا کنید و دلیل تراشی را نپذیرید.  
۶. تفاوت‌های فردی را در نظر بگیرید.  
۷. از زمان درست استفاده کنید.  
۸. از معلم‌یاران به نحوی استفاده شود تا ناظر فعالیت‌های دانش‌آموزان باشند.

**نکاتی که در انتخاب معلم یار باید در نظر گرفت عبارت‌اند از:**

۱. یک نفر همیشه به‌عنوان معلم یار انتخاب نشود زیرا اعمال نظر و خصوصیت فراوان می‌شود و ممکن است دانش‌آموز از تحصیل باز ماند.  
۲. با واگذاری مسئولیت در صورت صلاحیت اخلاقی از ستاره شدن بی‌مورد یک دانش‌آموز جلوگیری می‌شود.  
۳. از تعادل روحی در حد سن خود برخوردار باشد.  
۴. در بین دانش‌آموزان نفوذ معنوی داشته باشد.  
۵. اولیای دانش‌آموز به انجام فعالیت رضایت بدهند.  
۶. از استعداد و توانایی بالایی برخوردار باشد.  
۷. از نظر پیشرفت تحصیلی و مسائل رفتاری نمونه‌ای از نظم و انضباط باشد.

#### منابع

۱. دکتر حسن شعبانی، روش‌ها و فنون تدریس، ۱۳۹۱.
۲. فرایند یاددهی و یادگیری در کلاس‌های چندپایه، سهیلا حاجی اسحاق، ۱۳۸۳.
۳. ریچارد مک‌هارد - وندی پرتیچارد، مدیریت تحول و نوآوری، ۱۳۷۶.

# پایه پایه تا ملاقات...

## تدریس تلفیقی در کلاس‌های چندپایه

سید حشمت‌الله مرتضوی زاده

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان، یاسوج

هم‌چنین حاشیه‌ی شهرها و استفاده‌ی بهینه از منابع محدود برای توسعه‌ی فرایند یاددهی-یادگیری تشکیل می‌شوند. کلاس درس چندپایه موقعیتی است که در آن یک معلم باید به پایه‌های متعدد به‌طور هم‌زمان یا جداگانه در یک جلسه درس بدهد (میکوک: ۱۹۷۶). کلاس‌های چندپایه را سازمانی توصیف می‌کند که در آن کودکان در سنین مختلف با هم در یک کلاس قرار دارند. برخی از آموزگاران ممکن است دو پایه را درس بدهند اما برخی سه تا شش پایه را تدریس می‌کنند. به عبارت دیگر، منظور از کلاس‌های چندپایه کلاس‌هایی است که در آن‌ها دانش‌آموزانی که از نظر سن، توانایی، مهارت و هم‌چنین پایه‌ی تحصیلی متفاوت‌اند، همه زیر سقف یک اتاق به وسیله‌ی یک آموزگار در تمام طول سال تحصیلی آموزش می‌بینند.

تدریس چندپایه یک رویکرد جدید برای تدریس نیست و در بسیاری از نظام‌های آموزشی در سراسر جهان یافت می‌شود (کمبرینک، ۲۰۱۱). تعداد زیادی از معلمان سراسر دنیا در کلاس‌های چندپایه تدریس می‌کنند، زیرا تدریس چندپایه در بیشتر سیستم‌های آموزشی دنیا رواج دارد و شمار کلاس‌های چندپایه در حال افزایش است (ماسن و استیمسن: ۱۹۹۶). این کلاس‌ها در قسمت‌هایی از آسیا و هم‌چنین در آفریقا و اروپا، مخصوصاً در مناطق دورافتاده‌ی روستایی رواج دارد (یونسکو: ۲۰۰۲).

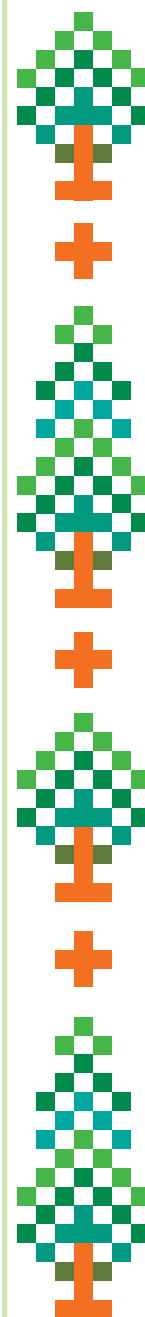
اداره‌ی این کلاس‌ها با توانایی‌ها، مهارت‌ها و ترکیب سنی و جنسی متفاوت، برای معلمان به ویژه تازه‌کار- که آمادگی، اطلاعات و تجربه‌ی کافی ندارند و آموزش‌های لازم را در این زمینه کسب نکرده‌اند- بسیار مشکل است. به همین دلیل، آموزگاران این کلاس‌ها نگران‌اند که چگونه کلاس درس را اداره کنند و چگونه با استفاده از وقت بسیار محدودی که در اختیار دارند، به همه‌ی پایه‌ها آموزش لازم را ارائه کنند. استفاده از رویکرد تلفیقی به معلمان کلاس‌های چندپایه کمک می‌کند تا بخشی از نگرانی‌های خود را در کلاس برطرف سازند.

### اشاره

تدریس چندپایه یکی از شکل‌های آموزشی است که می‌تواند نیاز بسیاری از کشورهای دنیا را برای بهبود و توسعه‌ی فرایند یادگیری و محو بی‌سوادی و دستیابی به آموزش و پرورش همگانی رفع کند. چرا که در بسیاری از مناطق دورافتاده و حتی در برخی از شهرها مدرسی با تعداد اندک دانش‌آموز وجود دارد



که اگر در آن نواحی به آموزش آن‌ها پرداخته نشود، یا ترک تحصیل می‌کنند یا همراه خانواده‌ی خود به مناطق پرجمعیت مهاجرت می‌کنند. لزوم توجه به این مدارس و زیر پوشش قرار دادن کودکان واجب‌التعلیم از اهداف و برنامه‌های آموزشی کشورهای مختلف است (مرتضوی زاده، ۱۳۹۳). این کلاس‌ها برای فراهم آوردن دوره‌ی کامل آموزش ابتدایی، با افزایش میزان دستیابی به هدف‌های آموزشی مناطق دورافتاده و کم‌جمعیت و روستاهایی که تعداد دانش‌آموزان کمتری دارند و



## رویکرد تلفیقی

«تلفیق یعنی در هم آمیختن موضوعات درسی یا حوزه‌های محتوایی که بیشتر به صورت مجزا از یکدیگر در برنامه‌های درسی مدارس گنجانده می‌شوند و اغلب در مقابل تقسیم‌بندی دانش قرار می‌گیرد. هدف اساسی تلفیق آن است که تا حد امکان تجارب یادگیری دانش‌آموزان از تفرق و پراکندگی خارج شوند و در ارتباط با یکدیگر قرار گیرند» (مهرمحمدی، ۱۳۸۳: ۲۴۰). به عبارت دیگر تلفیق محتوا یعنی برقراری ارتباط بین محتوای دروس مختلف یا مشابه در یک یا چند پایه. لزوم توجه به رویکرد تلفیقی در طراحی برنامه‌های درسی به دلایل مختلفی از جمله ارتباط با زندگی خارج از مدرسه، رشد روزافزون دانش و اطلاعات، انعطاف‌ناپذیری برنامه‌ی زمان‌بندی مدرسه، تحقق شرایط یادگیری مؤثر فراگیرندگان و پرورش مهارت‌های فکری بالا در یادگیرندگان و هماهنگی برنامه‌ی درسی با کیفیت یادگیری از سوی صاحب‌نظران این حوزه مورد تأکید واقع شده است. در این جا به برخی محاسن رویکرد تلفیقی اشاره می‌شود:

۱. به اعتقاد جی کوبز (۱۹۸۹): «مهم‌ترین امتیاز برنامه‌های درسی تلفیقی خارج ساختن محتوا از حالت خشک، بی‌روح، انتزاعی و در نتیجه بی‌معنی برای دانش‌آموزان است» (ترجمه‌ی مهرمحمدی، ۱۳۸۳: ۲۵۰).
۲. آموزش موضوع‌های درسی با استفاده از رویکرد تلفیقی موجب یادگیری مؤثرتر می‌شود.
۳. ارتباط با زندگی خارج از مدرسه؛ در برنامه‌های درسی دانش‌آموزان ارتباط برنامه با زندگی واقعی و عینی در می‌یابند و توانایی مواجهه با مسائل زندگی در آن‌ها به وجود می‌آید. ضرورت توجه به برنامه‌های درسی تلفیقی به ایجاد ارتباط آموخته‌های دانش‌آموزان در مدرسه با محیط واقعی و تجربه‌های زندگی خارج از مدرسه‌ی آنان منجر می‌شود (مهرمحمدی و احمدی، ۱۳۸۰).
۴. استفاده از این روش باعث صرفه‌جویی در وقت کلاس می‌شود.
۵. دانش‌آموزان به حفظ طوطی‌وار مطالب نیازی ندارند و فراتر از آموزش‌های آموزشی‌نگاهی یاد می‌گیرند.
۶. دانش‌آموزان به‌طور فعال در فرایند یادگیری شرکت می‌کنند. بدین صورت، تمرکز حواس آن‌ها افزایش می‌یابد و نظم و آرامش در کلاس حکم فرما می‌شود.
۷. موجب انسجام تجربیات یادگیری دانش‌آموزان می‌شود.

## تدریس تلفیقی و چند نکته

در کلاس‌های چند پایه معلم نمی‌تواند هر روز جداگانه به همه‌ی پایه‌ها آموزش دهد اما با استفاده از تدریس تلفیقی فرصت بیشتری برای تدریس به همه‌ی پایه‌ها پیدا می‌کند. برای تدریس به صورت تلفیقی، ابتدا بر اساس برنامه‌ی هفتگی مشخص نمایید در یک جلسه‌ی تدریس، که قصد دارید از رویکرد تلفیقی استفاده کنید، چه درس‌هایی را می‌توانید با هم تلفیق کنید. سپس آن‌ها را در یک جلسه و هم‌زمان با هم قرار دهید و آن‌گاه موضوع درسی

هر پایه را در هر جلسه تعیین کنید. مطالب مربوط به هر پایه را به دقت مطالعه کنید و سپس به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

۱. آیا آمادگی لازم برای تلفیق درس‌ها در برنامه‌ی هفتگی را دارید؟
  ۲. کدام درس‌ها و در چه پایه‌هایی بیشتر به تلفیق نیاز دارند؟
  ۳. عنوان درس‌ها هم‌نام باشد یا متفاوت؟ برای مثال، سه موضوع از کتاب ریاضی سه پایه یا سه موضوع از سه درس متفاوت باشد؟
  ۴. در هر درس، چه موضوع‌هایی برای تلفیق با هم مناسب‌اند؟
  ۵. در هر کدام از جلسات چند موضوع را با هم تلفیق می‌کنید؟
  ۶. اگر قرار باشد تدریس خود را با تلفیق سه موضوع درسی انجام دهید، آیا به نتیجه‌ی مطلوب خواهید رسید؟
  ۷. برای پایه‌هایی که در محور تدریس نیستند یا در تدریس شما (تدریس تلفیقی) قرار ندارند، چه فعالیت‌هایی را پیش‌بینی می‌کنید؟
- پایه‌هایی را که قرار است به شیوه‌ی تلفیقی به آن‌ها آموزش دهید، در برنامه‌ی هفتگی مشخص کنید. سپس طرح درس خود را تهیه کنید؛ به گونه‌ای که بتوانید در یک جلسه‌ی تدریس به اهداف از پیش تعیین شده دست یابید. دانش‌آموزان را از شیوه‌ی تدریس خود و چگونگی همکاری‌شان آگاه سازید.

پایه‌هایی که قرار است با رویکرد تلفیقی به آن‌ها آموزش دهید، بهتر است نزدیک به هم باشند. کلاس درس خود را با استفاده از یکی از شیوه‌های زیر سازمان‌دهی کنید.

- الف) کلاس‌های دو پایه
- اول و دوم - سوم و سوم - چهارم و چهارم - پنجم و پنجم و ششم
- ب) کلاس‌های سه پایه
- اول، دوم و سوم - سوم و سوم و چهارم - سوم، چهارم و پنجم - چهارم، پنجم و ششم
- پ) کلاس‌های پنج پایه و شش پایه
- اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم و ششم
- در مثال زیر، آموزگار ابتدا سه موضوع را از سه درس در یک پایه انتخاب کرده است. او پس از مطالعه، و تفکر و تأمل فراوان قصه‌ی کوتاهی نوشته و با استفاده از قصه به صورت تلفیقی به تدریس می‌پردازد. شما می‌توانید متناسب با ویژگی‌های دانش‌آموزان خود به گونه‌ای دیگر عمل کنید. موضوع: فارسی اول (تدریس «بی‌ی»، ریاضی دوم (زوج و فرد)، علوم اول (حیوانات)، هنر (سرودخوانی و آهنگ) و ورزش صبحگاهی

### نام داستان: شادی با ورزش، توانایی با دانش

«یکی بود یکی نبود، غیر از خدای مهربان هیچ‌کس نبود. در تاریکی شب، باد یخی سوار بر موج در آن سوی دریا وزید و وزید تا به ساحل رسید. سوار قایقی که لب دریا بود، شد و قایق را کمی این طرف و آن طرف برد. بعد از قایق پیاده شد و به راه افتاد. در راه به باغ وحش رسید. در آن جا همه‌ی حیوانات خواب بودند. از آن جا هم گذشت و راهی شهر شد. رفت و رفت تا به مدرسه‌ای رسید. باد محکم به پنجره خورد و وارد کلاس درس شد. در کلاس درس به در دیوار و پنجره خورد که ناگهان ۱۴ شکل از جدول بیرون پریدند و

# مکتب خ پناهنگ



## اشاره

آموزش و پرورش یک حق عمومی است. عملیات مربوط به این حوزه‌ی مهم در زمره‌ی مسئولیت‌های جامعه در کلیت آن و در قلمرو سیاست‌های عمومی و دولتی به‌طور خاص قرار می‌گیرد که می‌تواند به‌عنوان عاملی برای عدالت مورد توجه قرار گیرد. بنابراین، شرایط اقلیمی، منطقه‌ای، جمعیت کم و بسیار پراکنده، مشکلات اقتصادی و نیاز به نیروی کار کودکان به‌عنوان یک منبع درآمد نمی‌تواند مانع ارائه‌ی خدمات مناسب آموزشی باشد (آقازاده و فضلی، ۱۳۸۴: ۱).

هر کودکی برای آموزش و پرورش حقی دارد. کلاس‌های چندپایه و مدارس تک‌معلمی در مناطق دوردست دسترسی به این حق را ممکن کرده‌اند؛ اگر قصد ما دستیابی به آموزش برای همه است.

چالش‌ها با کلاس‌های چندپایه و مدارس تک‌معلمی اجتناب‌ناپذیر خواهند بود. این مسئله با کودکانی که در جوامع بسیار پراکنده زندگی می‌کنند، دخترانی که به دلایلی باید حتماً در مدارس محل اقامت خود به تحصیل بپردازند، اقلیت‌های نژادی که ترجیح می‌دهند فرزندان‌شان در میان

دو تا همراه باد از پنجره بیرون رفتند. در همان لحظه صدای فریادی از تابلو بلند شد که «هرام با خود ببرید». باد برگشت و یک کارت (بی‌ی) را که فریاد می‌زد، از تابلو جدا کرد و با خود برد. در راه باد آهنگ می‌زد و شکل‌ها یکدیگر را صدا می‌زدند. رفتند و رفتند تا نزدیکی‌های صبح به باغ وحش رسیدند. حیوانات با صدای خرد خودشان و با آهنگ باد بیدار شدند و یکی‌یکی در صف ورزش صبحگاهی ایستادند. باد شکل صدای هر حیوان را سوار او کرد و بعد همه با هم شروع به خواندن کردند: به ترتیب یک و دو و سه... تا ۱۴ نرمش کردند اما شکل (بی‌ی) تنها ماند و غمگین شد. باد به شدت وزید و ترتیب صف را به هم زد.

آهنگ زد و شکل‌ها نفس‌نفس زنان به دنبال حیوان خودشان دویدند (شکل اول اسم هر حیوان) ابتدا سه به سه؛ «آ» با آهو، «بی» با یوزپلنگ، «آ» با آسب هر سه دویدند سریع و سریع‌تر، جلوتر از همه. بعد با زوزه‌ی باد ۵ تا ۵ تا؛ «د» با دارکوب، «ب» با بلدرچین، «ش» با شانه به سر، «م» با مرغابی، «س» با سار، پریدند و پریدند. حالا دیگر کسی تنها نبود. همه تا آخرین نفس، مسابقه دادند: «ر» با راسو، «و» با اورانگوتان. «ز» چسبید به نیش زنبور، «ت» سوار بر بال تیهو و (ای بی‌ی ای) بر بال‌های قناری در باغ وحش بالای درختی رفتند و با آهنگ باد رقصیدند. حالا دیگر همه‌ی حیوانات سرحال بودند. ناگهان شکل «ن» فریاد زد: «نگهبان! نگهبان!» همه‌ی حیوانات به قفس‌های خودشان رفتند. نگهبان که آمد، کارت‌های حروف را جمع کرد و کنار دریا برد و در قایق گذاشت. قایق را هل داد و روی آب دریا رها کرد.»

## پیش‌نهادها

۱. سعی کنید پیش از سه موضوع در بیش از سه پایه را با هم تلفیق نکنید.
۲. می‌توان چند موضوع مشابه یا متفاوت را در یک یا چند ماده‌ی درسی در یک یا چند پایه با هم تلفیق کرد.
۳. اگر قرار است چهار یا پنج پایه را با استفاده از رویکرد تلفیقی آموزش دهید، سعی کنید دانش‌آموزان پایه‌های مختلف را به دو گروه تقسیم کنید؛ به‌گونه‌ای که دو یا سه پایه در یک گروه و دو یا سه پایه در گروه دیگر قرار گیرد.
۴. استفاده از رویکرد تلفیقی در پایه‌هایی که به هم نزدیک نیستند، توصیه نمی‌شود. برای مثال، تلفیق دو موضوع در پایه‌های اول و سوم بسیار مشکل است و یادگیری چندانی ایجاد نمی‌کند.
۵. سعی کنید ورزش را با درس‌های دیگر تلفیق کنید.
۶. هنر یک درس عملی است. ترکیب کردن یک موضوع هنری با موضوعات نظری یادگیری را تسهیل می‌کند.
۷. از شیوه‌ی تلفیقی به‌طور متناوب استفاده کنید تا سبب خستگی و انزجار دانش‌آموزان نشود.

## منابع

۱. مرتضوی‌زاده، سید حشمت‌الله، راهنمای تدریس در کلاس‌های چندپایه، انتشارات عابد، چاپ سوم، تهران، ۱۳۹۰.
۲. مهرمحمدی، محمود و پروین. احمدی، «برنامه‌های درسی تلفیقی»، دانشگاه الزهراء (ع)، فصل‌نامه‌ی علمی-پژوهشی علوم انسانی، سال یازدهم، شماره‌ی ۳۹، تهران، ۱۳۸۰.
۳. مهرمحمدی، محمود، برنامه‌ی درسی نظرگاه‌ها و دیدگاه‌ها. انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۳.
4. Unesco. (2002). efa global monitoring report 2002. paris: unesco
5. Mycock, M.A. (1976). A Comparison of Vertical Grouping and Horizontal Grouping in the Infant School. British Journal of Educational Psychology, 37, 133-145. 6 december.
6. Combrinck, martin. (2011). School of Education Studies. Volume 1.



# انه،

## سه چندپایه

### آموزش کلاس‌های درس چندپایه

سیده عصمت رضوی



چندپایه به معنای پایه‌های متعدد است. تدریس چندپایه موقعیتی است که در آن یک معلم باید به پایه‌های متعدد به‌طور هم‌زمان درس بدهد. این موقعیت در همه‌ی مدارس که پایه‌ها بیش از معلم است رخ می‌دهد. برخی معلمان چندپایه ممکن است دو پایه را درس بدهند اما برخی سه یا چهار پایه را تدریس می‌کنند. در مدارس با جمعیت کمتر ممکن است معلم به تمام پایه‌ها زیر یک سقف درس بدهد (آقازاده، ۱۳۸۶: ۸).

#### کلاس‌های درس چندپایه چگونه کلاسی است؟

کلاس چندپایه، همان‌طور که از نام آن پیداست، از چند پایه‌ی تحصیلی تشکیل می‌شود و به همه‌ی دانش‌آموزان آن در تمام طول سال تحصیلی یک معلم آموزش می‌دهد. در کلاس‌های چندپایه، دانش‌آموزانی در سنین متفاوت و با توانایی‌ها و مهارت‌های متفاوت شرکت می‌کنند و با وجود همه‌ی تفاوت‌هایی که از نظر سنی، سطح رشد و مهارت‌ها و توانایی‌های یادگیری دارند در کنار هم به‌وسیله‌ی یک معلم آموزش می‌بینند (یونسکو، ۱۹۸۸).

#### تفاوت کلاس‌های چندپایه با کلاس‌های چندسنی و ترکیبی

در کلاس‌های ترکیبی دو یا سه پایه در یک کلاس و به‌وسیله‌ی یک معلم آموزش می‌بینند اما به‌طور معمول هر پایه از برنامه‌ی درسی جداگانه‌ای پیروی می‌کند مبنای تدریس در این کلاس‌ها برنامه‌ی درسی است. در کلاس‌های چند سنی دانش‌آموزان با دامنه‌ی گسترده‌ای از سنین مختلف شرکت دارند و گاهی فاصله‌ی سنی آن‌ها به چندین سال می‌رسد. در این کلاس‌ها نیز دانش‌آموزان هر پایه بدون توجه به تفاوت‌های سنی خود براساس برنامه‌ی درسی جداگانه‌ای آموزش می‌بینند.

کلاس‌های چندپایه دو تفاوت عمده با کلاس‌های ترکیبی و چندسنی دارند:

۱. در این کلاس‌ها برنامه‌ی درسی همه‌ی پایه‌ها با یکدیگر ادغام می‌شوند. بدین معنی

کشورهای اسلامی چندین قرن از این روش آموزشی در مدرسه‌های مذهبی استفاده شده است.

در کشورهایی مثل چین و نیپال پیش از اجباری شدن آموزش ابتدایی و نیز در کشورهایی که تحت سلطه‌ی استعمار قرار داشتند، تدریس در کلاس‌های چندپایه از قدمت یک‌صدساله برخوردار است (فضلی، ۱۳۸۴: ۱).

کلاس‌های چندپایه گرچه قدمتی به طول آغاز تعلیم و تربیت در مکتب‌خانه‌ها دارند که در آن دانش‌آموزان از سنین پایین تا پنجاه‌سالگی و از هر سطح زیر نظر یک فرد تعلیم می‌دیدند. گروهی در حال گرفتن قرآن بودند و گروهی در حال آموختن گلستان سعدی و ...

اما ظهور کلاس‌های چندپایه در آموزش و پرورش رسمی و کلاسیک بعد از تصویب قانون اساسی فرهنگ و توسعه‌ی آموزش ابتدایی در روستاها آغاز شد (صمدیان، ۱۳۸۷: ۱۳).

**منظور از تدریس چندپایه چیست؟**  
واژه‌ی پایه به معنای سطح است. بنابراین،

خودشان تحصیل کنند و همچنین کودکانی که در مناطق کوهستانی و دور از دسترس زندگی می‌کنند ارتباط فراوان دارد (والاس و ماث، ۱۳۸۴: ۱۱).

تدریس چندپایه‌ای دارای مبانی فلسفی ویژه‌ی خود است. از نظر فلسفی کلاس‌های چندپایه به‌منظور بهبود رشد شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان و کاهش رفتارهای ضداجتماعی به‌وجود می‌آیند. از سوی دیگر، بنا به دلایل اداری هم چون کاهش جمعیت دانش‌آموزی، نیازهای اداری - مالی موقعیت جغرافیایی این کلاس‌ها تشکیل می‌شوند.

بر همین اساس، یکی از اقدامات مؤثر برای تجدید حیات شبکه‌ی مدارس ابتدایی برای ایجاد امکان دسترسی همگانی به مراکز آموزش و پذیرش تعداد بیشتر کودکان، تشکیل کلاس‌های چندپایه در صورت لزوم است (آقازاده و فضلی، ۱۳۸۴: ۱).

#### پیشینه کلاس‌های چندپایه

تدریس در کلاس‌های چندپایه پدیده‌ی تازه‌ای نیست. در برخی کشورها به‌ویژه

۵. نامتناسب بودن ترکیب سنی و جنسی دانش‌آموزان  
 ۶. نبود مدرسه‌ی راهنمایی در روستا و عدم امکان ادامه‌ی تحصیل در مقاطع بالاتر انگیزه‌ی دانش‌آموزان را برای تحصیل از بین می‌برد  
 ۷. ضعف بنیسه‌ی علمی دانش‌آموزان (صمدیان، ۱۳۸۷: ۴۶).

### چالش‌های تدریس چندپایه

برنامه‌ی درسی: معلمان همیشه به میزان کافی برای وفق دادن مواد درسی و برنامه‌های درسی با محیط چندپایه آموزش نمی‌بینند. برنامه‌ریزی ارائه: تدریس چندپایه مستلزم آن است که برنامه‌ریزی گسترده‌ای خارج از زمان عادی کلاس صورت گیرد و از آنجا که معلمان فعالیت‌ها و مسئولیت‌های دیگری

هم دارند فرصت رسیدگی به این امر را ندارند. نگرش: برخی والدین و عده‌ای از کارکنان آموزشی نگرشی منفی در مورد تدریس چندپایه دارند و برخی افراد تدریس چندپایه را هدر دادن وقت می‌دانند. این درک غلط چالشی برای معلمان چندپایه است.

فضای فیزیکی: ظاهر و اندازه‌ی برخی کلاس‌ها برای تدریس چندپایه مشکل به حساب می‌آید، چرا که غالباً بسیار کوچک، پرجمعیت و با میز و صندلی فرسوده‌اند.

انزوا به‌سبب موقعیت جغرافیایی: اغلب مدارس چندپایه در مناطق دورافتاده واقع‌اند. معلمان نیازمند صرف وقت بیشتر، تلاش و پول بیشتر برای تهیه‌ی مواد آموزشی از اداره‌های آموزش و پرورش‌اند. در اغلب موارد ممکن است وسایل نقلیه به شدت محدود باشد. مشاوران آموزشی و حتی همکاران به‌ندرت از این مدارس بازدید می‌کنند و در نتیجه معلمان از انزوا و نبود حمایت رنج می‌برند.

فراگیرندگان سطوح مختلف یادگیری: فراگیرندگانی که کاری برای انجام نداشته باشند ممکن است وقتشان را هدر دهند، سر و صدا ایجاد کنند یا ساکت باشند و حوصله‌شان سر رود و ممکن است به آن‌ها توجه فردی کافی نشود.

سرخوردگی معلم: بسیاری از معلمان برای اقتضاهای تدریس چندپایه آماده نشده‌اند.



مرز نیستند. هم‌چنین روستاهایی با رؤسای مختلف و قبایلی که نمی‌توانند رابطه‌ی نزدیکی با یکدیگر داشته باشند، به داشتن مدارس در مناطق خود صرف نظر از بزرگی جمعیت ناچار می‌شوند.

۳. عوامل اجتماعی - اقتصادی: استفاده معلم برای هر پایه وقتی که ثبت‌نام از نسبت معلم به شاگرد تعیین شده توسط دولت کمتر است دشوار می‌شود. وزارت آموزش و پرورش در اغلب کشورها نسبتی برای عده‌ی دانش‌آموزان به‌ازای هر معلم قائل شده است. برخی از مدارس روستایی امکانات اولیه مانند خوابگاه معلمان، تعداد کافی کلاس درس و مواد تدریس و یادگیری ندارند در نتیجه بسیاری از معلمان دوست ندارند در مدارس روستایی دورافتاده کار کنند. این بدان معنی است که این مدارس غالباً با کمبود معلم روبه‌رویند. (مکوسانا و کاپیسا، ۱۳۸۶: ۲۴)

### مشکلات خاص کلاس‌های چندپایه

۱. کمبود وقت
۲. فقدان تجهیزات آموزشی
۳. حذف یا کم‌رنگ نمودن تعدادی از دروس مانند ورزش و هنر
۴. کمبود اطلاعات و تجارب معلمان کلاس‌های چندپایه

که براساس اصول مشترک برنامه‌های درسی پایه‌های متفاوت، یک برنامه برای همه‌ی پایه‌ها تدوین و اجرا می‌شود و هر پایه برنامه‌ی درسی جداگانه‌ای ندارد.

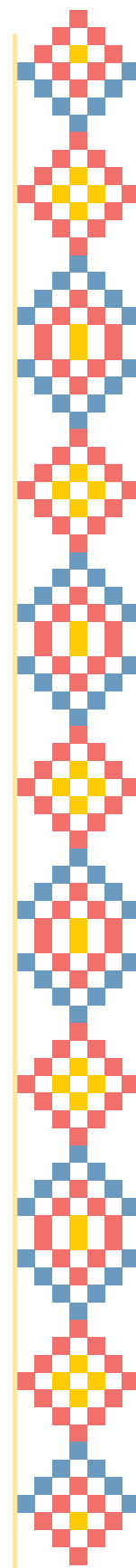
۲. آموزش در این‌گونه کلاس‌ها دانش‌آموزمحور است و دانش‌آموزان نسبت به سطح توانایی خود از طریق فعالیت‌های متفاوتی که معلم برایشان در نظر می‌گیرد آموزش می‌بینند (هیل، ۲۰۰۲).

### عوامل مؤثر در به‌وجود آمدن کلاس‌های چندپایه

**تشکیل کلاس‌های چندپایه ممکن است نتیجه‌ی موقعیت‌های جغرافیایی، اقتصادی - اجتماعی یا سیاسی جامعه باشد.**

۱. عوامل جغرافیایی: برخی مناطق از لحاظ جغرافیایی به واسطه‌ی رودخانه، تپه‌های شنی، کوهستان‌ها و جنگل‌های عظیم منزوی شده‌اند و در نتیجه افراد کمی در این مناطق زندگی می‌کنند. در این شرایط تدریس چندپایه راه چاره است.

۲. اکثریت مدارس کوچک چندپایه در مناطق دورافتاده و منزوی و گاهی نزدیک به مرزهای کشور واقع‌اند. هرچند ممکن است مدرسه‌ای نزدیک در آن سوی مرز وجود داشته باشد، دانش‌آموزان مجاز به عبور از



بدون حمایت مناسب، آن‌ها احساس سرخوردگی، بی‌انگیزگی و خستگی شدید می‌کنند (مکوسانا و کاپیسا، ۱۳۸۶: ۴۳).

### حسین‌های کلاس‌های چند پایه

۱. در یک کلاس چندپایه دانش‌آموزان دوره‌های مختلف رشد جسمی و فکری را با نیازهای متفاوت می‌گذرانند که تعامل بین آن‌ها در یادگیری اثرات زیادی دارد.

۲. معلم می‌تواند از برخی وسایل آماده شده برای همه‌ی پایه‌ها استفاده کند و به این طریق هم در وقت و هزینه صرفه‌جویی شده و هم بر کارایی تدریس افزوده می‌شود.

۳. در این کلاس‌ها می‌توان دانش‌آموزانی که در برخی دروس عقب‌ماندگی دارند، در پایه‌ی پایین‌تر قرار داد تا جبران کمبود بنماید.

۴. دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر در جریان تکرار دروس سال‌های قبل خود قرار گرفته این دروس برایشان تکرار و یادگیری آن‌ها عمیق‌تر می‌شود.

۵. از وجود دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر به‌عنوان کمک برای آموزش پایه‌های پایین‌تر می‌توان استفاده کرد (حاجی اسحاق، ۱۳۸۳: ۱۰).

### شیوه‌های مرسوم تدریس در کلاس‌های چند پایه

الف. شیوه‌ی آموزش گروهی

ب. شیوه‌ی آموزش محوری  
ج. شیوه‌ی آموزش مشترک محوری و گروهی  
آموزگار در شیوه‌ی گروهی یک درس مشخص را به تمام پایه‌ها به‌صورت گروهی و به دو شکل زیر تدریس می‌کند:

۱. تدریس یک ماده‌ی درسی به تمام پایه‌ها به‌طور هم‌زمان  
۲. تدریس یک ماده‌ی درسی به تمام پایه‌ها به تفکیک در یک جلسه  
در شیوه‌ی نخست آموزگار تدریس یک درس خاص را با تلفیق و ادغام مشترکات و مشابهات درس به تناسب اطلاعات و آموخته‌های قبلی دانش‌آموزان شروع کرده و پس از ارائه‌ی مشترکات و کلیات، مسائل اختصاصی و فرعی هر پایه را نیز جداگانه تدریس می‌کند.

### سازمان‌دهی کلاس

سازمان‌دهی کلاس یکی از مهم‌ترین عوامل برای کمک به فراهم کردن فرصت تدریس مؤثر است. اگر کلاس درس به خوبی سازمان‌دهی نشود هر اندازه طرح درس به‌خوبی فراهم شده باشد راهی به‌سوی موفقیت نخواهد داشت.

کلاس درسی که سازمان‌دهی نشده است دقیقاً به‌گرد هم آمدن افرادی می‌ماند که هیچ هدفی را دنبال نمی‌کنند.

معلم کلاس‌های درس چندپایه هم باید

درس را سازمان بدهد و هم فضای فیزیکی کلاس را (آزادانه و فضلی، ۱۳۸۴: ۱۱۸).  
کلاس درس را با توجه به فضای فیزیکی می‌توان به گونه‌های متفاوتی سازمان‌دهی کرد. در زیر برخی نمونه‌های سازمان‌دهی کلاس درس آمده است.

الف. تخصیص دادن دیواری از کلاس برای نمایش کارهای دانش‌آموزان.  
ب. انتخاب گوشه‌های مناسب و کاربردی کلاس درس برای ارائه‌ی موضوعات مختلف.  
ب. تخصیص گوشه‌ای از کلاس برای انجام فعالیت‌های ساده به شرط آنکه این کار سبب اختلال یادگیری در سایرین نشود.  
ت. معلم در کلاس درس باید جایی قرار گیرد که بتوان مدیریت کلاس را داشته باشد یا در صورت امکان چند جا برای خود اختصاص دهد.

ث. در سازمان‌دهی میز و نیمکت‌ها معلم باید رفت‌وآمد دانش‌آموزان و انجام فعالیت‌های گروهی و انجام کار انفرادی از سوی دانش‌آموزان را در نظر بگیرد. برخی فعالان و مربیان کلاس‌های چندپایه گوشه‌هایی را برای کارکرد بهتر در کلاس پیش‌بینی کرده‌اند:

۱. گوشه‌ی علوم یا طبیعت
۲. مکانی برای جعبه‌ها و مکعب‌ها
۳. گوشه‌ی کتاب
۴. جایی برای کار با چوب
۵. جایی برای مدل‌سازی با گل
۶. گوشه‌ی لوازم هنری و کاردستی (یونسکو، ۱۹۴۸).

### منابع

۱. آقازاده، م، و فضلی‌ماد؛ راهنمای آموزش در کلاس‌های درس چندپایه، آبیژ، تهران، ۱۳۸۴.
۲. حاجی اسحاق، س؛ فرآیند یاددهی یادگیری در کلاس‌های چندپایه، کوروش چاپ، تهران، ۱۳۸۳.
۳. صمدیان، ص؛ شیوه‌ی اداره و تدریس در کلاس‌های چندپایه، مؤلف، تبریز، ۱۳۸۷.
۴. فضلی، ر؛ پیشینه‌ی کلاس‌های چندپایه، معلم، (۲۲)، ۱، ۱۳۸۴.
۵. مکوسانا، ک و کاپیسا، م؛ خودآموز تدریس چندپایه، مترجم: محرم آقازاده، آبیژ، تهران، ۱۳۸۶.
۶. والاس، ج و مشوث، ج؛ کتاب راهنما برای معلمان چندپایه، مترجم: علی زرافشان، مدرسه، تهران، ۱۳۸۴.
7. Hill.L(2002) introduction to multigrade teaching
8. Unesco principal regional office for asia and the pacific bankok (1988). multiple class teaching in primary school.



# نوسان کیفیت!

## گفت‌وگو با پرویز عبدی مدیر سابق آموزش و پرورش عشایری استان لرستان

گفت‌وگو: محمود اردوخوانی

**چنانچه برنامه‌ریزی شود و حمایت صورت گیرد، این گرایش در جامعه‌ی عشایری وجود دارد؟**

بله، اگر بشود ساماندهی کرد که عشایر در کوچ نزدیک هم باشند یا اینکه در شعاعی دور هم باشند، می‌شود تعداد پایه را به کمترین میزان رساند تا کیفیت هم بهتر شود.

**مشکلات کادر آموزشی چیست و چه برنامه‌ای برای کاهش مشکلات دارید؟ خصوصاً در روش و نحوه‌ی تدریس آن‌ها.**

عمده مشکلی که وجود دارد، همین چندپایه بودن است. مشکل دیگری که همکاران دارند این است که مزایای آن‌ها با دیگر مناطق تفاوتی ندارد.

**منظور تان مناطق روستایی هم هست؟**

خیر، فقط عشایری است. همکار ما در مناطق روستایی و عشایری از نظر مزایا با همکاری که در روستا یا شهر کار می‌کند، تفاوتی ندارد. برای همین، ما نمی‌توانیم همکارانمان را نگه داریم. به محض اینکه می‌آیند، دنبال انتقال هستند. می‌آیند تجربه کسب می‌کنند اما نمی‌مانند. بلافاصله می‌خواهند منتقل شوند. مشکل دیگر ما در این رابطه است که مجبوریم هر ساله حداقل صد نفر سرباز معلم به صورت امریه بگیریم و این یکی از مشکلات ماست.



آقای پرویز عبدی نفر سمت راست

**برای بالا بردن کیفیت پیشنهادتان چیست؟**

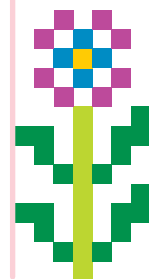
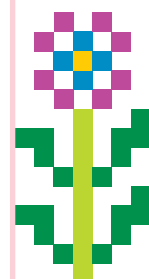
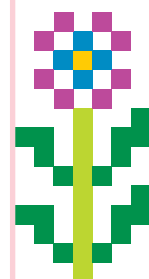
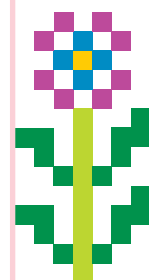
طرح ۳-۳-۳ که الان به دوره‌ی اول و دوم تبدیل شده است، مقداری در کیفیت تأثیر دارد. چون در دوره‌ی اول کلاس‌های اول و دوم و سوم از چهارم و پنجم و ششم جدا می‌شوند که این امر در کیفیت اثر مثبت دارد. اگر راهی هم باشد که کوچ عشایری ساماندهی شود خوب است؛ یعنی چند خانواده در کنار هم، در یک مسیر کوچ کنند یا اینکه در مسیری کوچ کنند که بتوانیم دانش‌آموزان را جمع کنیم و تعداد پایه‌ها را به حداقل برسانیم. این مسئله آمار دانش‌آموزی را بالا می‌برد و برای کیفیت بخشیدن به آموزش روش مناسبی است.

### اشاره

هنگامی که این گفت‌وگو انجام می‌شد آقای عبدی مدیر آموزش و پرورش عشایری استان لرستان بود. نظرات وی را به دلیل تجاربی که در این زمینه دارد، در مجله درج کرده‌ایم.

**با توجه به تجربیاتی که دارید، نظر تان را در مورد کلاس‌های چند پایه‌ی عشایری در وضع موجود بفرمایید؟**

کلاس‌های چند پایه کیفیت کلاس‌های تک‌پایه را ندارند. به‌خاطر اینکه آموزگار وقت کمی دارد و نمی‌تواند براساس ساعت‌هایی که در قانون مصوب شده است با دانش‌آموزان کار کند. اما این هم از روی ناچاری است که باید انجام شود.





سربازهایمان چندان آموزش ندیده‌اند، با کتاب‌های تازه تألیف که همکاران رسمی هم با آن‌ها مشکل دارند، باید بروند سر کلاس. سرباز معلم‌های آموزش ندیده بیشتر مشکل دارند. فکر می‌کنم افت تحصیلی مخصوصاً به سرباز معلم‌ها برمی‌گردد اما اگر بخواهیم تقویت کنیم می‌توانیم کلاس‌های کارگاهی داشته باشیم. مرتباً کلاس‌ها را برگزار کنیم تا کیفیت آموزشی را ارتقا بخشیم.

### در دوره‌ی دبستان عشایری افت تحصیلی داشته‌اید؟

در دوره‌ی دبستان افت نداریم اما معمولاً بعد از پایه‌ی ششم ابتدایی با ترک تحصیل مواجه هستیم. با توجه به پراکندگی‌هایی که وجود دارد و هنجاری که در سطح کشور است. به‌نظر من در مناطق عشایری برای تشکیل کلاس‌های متوسطه‌ی اول و دوم این هنجار باید کمی پایین بیاید؛ چون اگر بخواهیم سطح عشایر را با روستا و شهر یکی حساب کنیم، قطعاً با توجه به پراکندگی‌ای که در عشایر وجود دارد، بعد از پایه‌ی ششم برای کلاس‌های متوسطه‌ی اول مشکل داریم. ترک تحصیل بعد از ششم ابتدایی وجود دارد اما تا پایان دوره‌ی دبستان ترک تحصیل نداریم.

### برنامه‌های شما برای بهبود روش‌ها و آموزش نیرو برای خروجی‌ای مناسب در مورد عشایر چیست؟

بخشی از برنامه‌ها کلاً وزارتی هستند ولی خوش‌بختانه در خود عشایر و دفتر مناطق محروم جدا از وزارت‌خانه طرح‌های مناطق محروم هم داریم. این اضافه می‌شود به طرح‌های وزارتی که در مناطق عشایری جواب می‌دهد. اگر بخواهیم به فکر کیفیت باشیم، وزارت‌خانه هم باید کمک کند که به‌دنبال تثبیت نیرو در مناطق عشایری باشیم تا نیرو با رضایت حداقل ده تا دوازده سال در حوزه‌ی آموزش عشایر بماند و کارایی خوبی هم داشته باشد. این امر برمی‌گردد به وزارت‌خانه و امور اداری که مزایایی برای همکاران عشایری لحاظ کنند؛ مثلاً حق کوچ که قبلاً پرداخت می‌شد. اما به‌لحاظ آموزشی ما برنامه داریم؛ مثلاً طرح‌هایی داشتیم برای اینکه بتوانیم جلوی ترک تحصیل را بگیریم. مثلاً بعد از پایه‌ی ششم ما اردوهای داریم. در حال حاضر دانش‌آموزان پایه‌ی ششم را با خانواده‌هایشان برای بازدید به مراکز آموزشی شبانه‌روزی می‌آوریم. مشکلی که با اولیای عشایر داریم این است که آن‌ها دانش‌آموز را به‌عنوان نیروی کار نیاز دارند. لذا به‌راحتی اجازه نمی‌دهند دانش‌آموز یک یا دو ماه در مراکز آموزشی

بماند؛ چون به او نیاز دارند. مشکلاتی هم هست که به دختران خیلی به‌ندرت اجازه می‌دهند به کلاس‌های شبانه‌روزی بیایند اما با کلاس‌های آموزشی‌ای که برای خانواده‌ها گذاشتیم (در شهرستان کوه‌دشت) در چند منطقه تعداد زیادی از دختران ترک تحصیلی مراجعه و ثبت‌نام کردند و اکنون در حال تحصیل‌اند.

عمده‌ی فکر ما این است که آمار ترک تحصیل و افت تحصیلی بعد از دوره‌ی دبستان را در میان دانش‌آموزان عشایری کاهش دهیم.

### به‌نظر شما با وجود مدارس شبانه‌روزی آیا ممکن است نسل جدید عشایر از عشایری بودن خارج شوند؟ آیا به آسیب‌های این مسئله فکر کرده‌اید؟

آسیب دارد اما معمولاً خود خانواده‌ها بچه را سرمایه می‌دانند و باید به فکر آینده هم باشند. اگر بخواهیم در خود مراکز عشایری کلاس شبانه‌روزی دایر کنیم به‌دلیل پراکندگی امکان ندارد اما باید دوراندیشی و آینده‌نگری برای جلوگیری از ترک تحصیل داشته باشیم و برای ارتقای آموزشی و علمی دانش‌آموزان هم تلاش کنیم. ما به فناوری روز و وسایل کمک‌آموزشی هم نیاز داریم.

در پایان از حضور شما و هم از توجهتان به مناطق عشایری تقدیر و تشکر می‌کنم.



# جعبه‌های چندپایه مدرسه

## سفری به برنامه‌ها و پروژه‌های جهانی کلاس‌های چندپایه

مقصود رزم‌آرای شرق

کنفرانس استخراج مهم‌ترین چالش‌های کلاس‌های چندپایه بود که طیف گسترده‌ای از کشورها با آن مواجه‌اند.

### رویکرد تلفیق (integration approach)

برنامه‌ی درسی یک پایه‌ی تحصیلی یا یک دوره‌ی تحصیلی می‌تواند دارای بخش دیسپلینی و بخش غیردیسپلینی باشد. تلفیق به معنای انسجام و یکپارچگی برنامه‌ی درسی که بر یک رخداد درون‌برنامه‌ای یا درون‌رشته‌ای دلالت دارد که رخدادی در سطح خرد برنامه‌ریزی درسی است.

در کشورهایی چون فیلیپین، هند و استرالیا برنامه‌ی درسی مبتنی بر تلفیق در طراحی و تألیف کتاب‌های ویژه‌ی چندپایه مدنظر قرار می‌گیرد. در برنامه‌ی درسی تلفیقی کلاس‌های چندپایه در این کشورها از تعداد کتاب‌های درسی کاسته است.

### اسکولانو و آ (EsCuela NUeVa)

این برنامه هم‌اکنون در بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین و دیگر جاها بومی شده است. این طرح چند مشخصه‌ی اصلی دارد: معلم‌ان تسهیل‌کنندگانی هستند که یادگیری را هدایت می‌کنند. راهبردهای تدریس یادگیری فعال، خلاق و مشارکتی را ترغیب

### اشاره

کلاس‌های چندپایه اعم از اینکه در روستا یا شهر باشند می‌توانند دارای برنامه باشند و برای توسعه‌ی ظرفیت و موفقیت آن‌ها چارچوب‌ها و مأموریت‌هایی نوین در نظر گرفت. کشورهای درگیر این نظام در کنار نظام معمول تعلیم و تربیت درصدد هستند تا طی برنامه‌هایی کوتاه یا بلندمدت این توسعه را به صورتی پیوسته ادامه دهند. لذا در این فرصت برآنیم به چند برنامه و دستورالعمل اشاره کنیم.

### پروژه‌ی مرکزی آموزش چندپایه

مرکز آموزش چندپایه در دانشکده‌ی آموزش و پرورش آفریقای جنوبی در سال ۲۰۰۹ از طریق کمک‌های مالی دولت هلند به منظور ارتقا و توسعه‌ی راهبردهای آموزش و پرورش کلاس‌های چندپایه و به‌منظور توسعه‌ی ظرفیت و موفقیت برای کودکان مدارس چندپایه‌ی ابتدایی روستایی تأسیس گردیده است. مأموریت اصلی آن، توسعه‌ی چارچوب‌ها و سیاست‌ها برای آموزش باکیفیت و یادگیری در آموزش کلاس‌های چندپایه، براساس تحقیقات و شیوه‌های علمی توزیع شده است و بیشتر از طریق ICT پشتیبانی می‌شود.

در ۲۱ مارس ۲۰۱۰، این مرکز کنفرانسی جهانی در زمینه‌ی آموزش در کلاس‌های چندپایه، که در آن کارشناسان مشهور بین‌المللی حضور داشتند، برگزار کرد. از نتایج قابل توجه این



### مدرسه در یک جعبه

رویکرد چندسطحی و چندپایه در هند منعکس کننده‌ی مدل‌های متنوعی است که به‌وسیله‌ی مدارس زیر نظر انواع مدیریت خصوصی اتخاذ می‌شوند. رویکرد چندسطحی و چندپایه به موضوعات برنامه‌ی درسی، تربیت معلم و تدوین منابع یاددهی و یادگیری، کیفیت تدریس در موقعیت‌های دشوار و زمینه‌سازی با شرایط محلی توجه می‌کند. یکی از مبتکرانه‌ترین رویکردهای تدوین شده به‌وسیله‌ی مؤسسه‌ی منابع آموزشی «ریشی والی» در چندین ایالت در هند به‌کار گرفته شده است. این مؤسسه کار خود را به قصد تدوین مجموعه‌ی مناسب زبان و آداب و رسوم جامعه‌ی محلی شروع کرد. محتوای کتاب‌های درسی ملی مجموعه فعالیت‌های دوباره سازمان‌دهی شده‌اند که مردم محلی و سنت‌های شفاهی را به چند منظور از قبیل اینکه دانش‌آموزان یاد بگیرند، مطالعه کنند، لغات جدیدی کسب کنند و محاسباتی را انجام بدهند، به تصویر کشیده است. فعالیت‌ها در پنج سطح یا مرحله‌ی یادگیری مرتب شده‌اند: مقدماتی، تمرین، ارزش‌یابی، تقویتی و کیفیت‌بخشی. اولی به رهبری و نظارت بیشتر معلم نیاز دارد در حالی که بقیه به کمک و نظارت سرگروه نیاز دارند و در گروه‌ها انجام می‌شوند. هم‌چنین می‌توانند به‌وسیله‌ی تک‌تک دانش‌آموزان و از طریق یادگیری مستقل انجام شوند. یک «کیت» آموزشی به‌وسیله‌ی مؤسسه‌ی «ریور» - مدرسه در یک جعبه - تدوین و تهیه شده است که ابتکاری بزرگ در وسایل یاددهی و یادگیری برای کلاس‌های چندپایه است.

### مدارس بیشتر؟ نه! / «ایمپکت»

در فیلپین مدرسی که یک معلم بیش از یک پایه را اداره می‌کند دست‌کم از سال ۱۹۲۰ متداول است. در سال‌های ابتدایی دهه‌ی ۱۹۷۰ مؤسسه‌ی «اینوتک» مستقر در شهر «کوی‌زن»، دیدگاهی رادیکال را نسبت به آموزش روستایی ابداع کرد. این طرح که در ابتدا با عنوان «مدرسه بیشتر، نه!!» شناخته شد، پیشنهاد کرد که مدارس، کتاب‌های درسی، معلمان و کلاس‌ها با مراکز یادگیری، وسایل یادگیری مستقل، آموزش از طریق هم‌سالان و حمایت‌های جامعه و مربیان مسئول مدیریت یادگیری گروه‌هایی به بزرگی ۱۵۰ تا ۲۰۰ دانش‌آموز جایگزین شوند. با گذشت زمان این طرح نام «ایمپکت» مدیریت آموزش از طریق اولیا، جامعه و معلمان» را به خود گرفت. این ابتکار در فیلپین و اندونزی (با نام پامونگ) شروع شد و بعدها در کشورهای همچون مالزی (با نام اینسپایر)، جامائیکا (با نام پریمر)، لیبیا (با نام آیل) و بنگلادش (با نام ایمپکت) گسترش یافت. دلیل منطقی و اصلی این ابتکار بهبود آموزش روستایی از طریق ابداع یک نظام ارائه با برنامه‌های انعطاف‌پذیر و هزینه‌های دانش‌آموزی کمتر بود. از آنجا که هزینه‌ی معلمان ۸۰ تا ۹۰ درصد مدارس مرسوم بود چنین هزینه‌هایی به‌وسیله افزایش نسبت دانش‌آموز به معلم و مکمل کردن نظارت معلم با کمک وسایل دانش‌آموزان، اولیا

می‌کند.

- دانش‌آموزان با سرعت مناسب خودشان و با استفاده از وسایل آموزشی مستقل یاد می‌گیرند.
- تکرار پایه وجود ندارد، ارتقا به هدف یا پایه‌ی یادگیری به‌صورت فردی، تدریجی و انعطاف‌پذیر است.
- دانش‌آموزان آزاد هستند که در مدرسه و خانه با سرعت مناسب خودشان تحصیل کنند.
- وسایل آموزشی بین سه دانش‌آموز تقسیم می‌شود و این سه نفر می‌توانند سال‌ها آن‌ها را نگه دارند.
- مشارکت فعال دانش‌آموزان در اداره کردن مدرسه تشویق می‌شود (برای مثال از طریق شورای دانش‌آموزی) تا رفتارهای شهری و اجتماعی را بهبود بخشد.
- محتوای وسایل، منعکس کننده‌ی برنامه‌ی درسی ملی است و هم‌چنین سازگاری محلی و منطقه‌ای دارد.
- کارگاه‌های آموزشی معلمان بسیار مفهومی و تقویت کننده است.



شده است. معلمان در تمام مدت این برنامه از اجزای محیط محلی، وسایلی برای استفاده‌ی آموزشی می‌سازند. تأکید بر تجارب عملی به‌وسیله‌ی ترغیب هر دانش‌آموز به ارائه‌ی گزارش در پژوهش‌های فردی و گروهی و نمایش دادن آثار دانش‌آموزان در سراسر سال تحصیلی ادامه می‌یابد.

### یادگیری و تدریس در محیط‌های چندپایه

دیدگاه دیگری، که هم در سری لانکا و هم در نیپال بوده است، ارتقای مدل‌های آموزش معلمان از طریق پروژه‌ی «لاتیمس» است. این پروژه به انطباق کامل برنامه‌ی درسی در دو کتاب برای پایه‌های ۵-۲ در نیپال و یک کتاب برای پایه‌های ۵-۳ در سری لانکا منتج شد. به‌طور قابل توجهی، این دو تجربه به‌وسیله‌ی همکاری بین معلمان و طراحان برنامه‌ی درسی هدایت شده بود. در هر دو کشور درجه‌ای از مقاومت نسبت به ایده‌ی انطباق برنامه‌ی درسی از جانب طراحان برنامه‌ی درسی، کسانی که گرایش آن‌ها به‌سوی کلاس‌های تک‌پایه بود، وجود داشت. «فکر کردن خارج از یک محدوده» و مفهوم‌سازی مجدد یک دیدگاه جدید که با واقعیت کلاس چندپایه و نیازهای معلم چندپایه مناسب باشد به تفکر خلاق و شجاعت نیاز دارد. هر دو این کشورها به این مورد دست یافته‌اند. تدوین و تهیه‌ی وسایل تربیت معلم در کنار اجرای برنامه‌ی درسی، مزیت ارائه‌ی جدیدترین و ابتکاری‌ترین برنامه‌ی درسی که مورد توجه همه‌ی معلمان است و نه تنها آن‌هایی که به‌طور مستقیم در اجرای کارگاه‌های انطباق، آزمایش‌ها و پیگیری‌های برنامه‌ی درسی شرکت کرده‌اند را دربر داشته است.

و جامعه کاهش یافت. یادگیری مستقل با تکیه بر وسایل آموزشی برنامه‌ریزی شده، می‌تواند وسیله‌ای دیگر برای کاهش هزینه‌ها باشد و به‌علاوه انعطاف‌پذیری بیشتر در برنامه‌ریزی، یادگیری انفرادی را ممکن می‌سازد. اگرچه مرجع صریحی برای کلاس‌های چندپایه به‌صورت منطقی وجود نداشت، بیشتر مدارسی که بعدها در این طرح ابتکاری شرکت کردند، مدارس چندپایه‌ای بودند که به مراتب معلمان کمتری نسبت به پایه‌ها داشتند.

### آموزش چندپایه در نظام آموزشی فیلیپین

تدریس چندپایه به‌عنوان یک راهبرد ملی فیلیپین به‌منظور بهبود دسترسی به آموزش ابتدایی و ارتقای کیفیت آن در سال ۱۹۹۲ به‌صورت رسمی آغاز شد. هدف این طرح بهبود کیفیت به‌وسیله‌ی افزایش توانایی‌های معلمان در خصوص کار کردن با بیش از یک پایه‌ی هم‌زمان از طریق وسایل آموزشی است. این برنامه در پنج حوزه کار می‌کند: تدوین برنامه‌ی درسی و وسایل آموزشی، ارتقای کارکنان، تجهیزات فیزیکی، حمایت‌های جامعه و تحقیق، نظارت و ارزش‌یابی. این برنامه یک راهنما برای حداقل صلاحیت‌های یادگیری در کلاس‌های چندپایه، یک بانک طرح درس برای معلمان چندپایه، یک کتابچه برای معلمان با دروس نمونه، وسایلی که در پایه‌های مختلف یک کلاس استفاده می‌شود و سایر وسایل آموزشی از قبیل یک کتاب‌خانه ۱۰۰ کتابی، کارت‌های تمرین و سایر وسایل آموزشی ساخته شده توسط معلمان تدوین و تهیه کرده است. تلاش‌هایی نیز برای آموزش قالب یک کتابچه برای معلمان پیش‌دبستانی و کتاب کار برای دانش‌آموزان پیش‌دبستانی انجام

# عشایر با قطار کوچ می‌کنند!

## گفت‌وگو با روح‌الله کردستانی آموزگار حوزه‌ی عشایری

محمود اردوخوانی

عکس: سروش سعید

ریاضی هم برای پایه‌ی اول، هم دوم و هم سوم تا ششم، برخی درس‌های ما حتی شکل کار گروهی دارند. طبیعت هم به ما کمک می‌کند. یعنی دانش‌آموز به‌صورت عملی درگیر می‌شود و با مسئله برخورد می‌کند و عملاً موضوع را مشاهده می‌کند. برای مثال، رشد دانه‌ی گیاه را ببینید تأثیرش بیشتر است تا اینکه فقط بشنوید.

**آیا دانش‌آموزان عشایری را به اردوهای علمی و تفریحی هم می‌توانید ببرید؟**  
بله، دانش‌آموزان را به این‌گونه اردوها هم می‌بریم. با همکاری اداره به اردویی تفریحی و سیاحتی رفتیم. حتی با هماهنگی خدمات راه‌آهن جنوب در یکی از ایستگاه‌ها قطار آمد و سوار شدیم که دانش‌آموزان با این مجموعه از نزدیک آشنا شدند.

**دانش‌آموزی در اردو شیوه‌ی خاصی را می‌طلبد؟**

دانش‌آموزان عشایری برای خودشان اندوخته‌هایی دارند. زمانی که آن‌ها را به اردوهای علمی و تفریحی می‌برم، سعی می‌کنم اطلاعاتی را به آن‌ها منتقل کنم که با اطلاعاتی که در ذهن دارند هماهنگ باشد. برای مثال، آن‌ها رشد گیاه را دیده‌اند اما دلیل رشد آن یا دلیل زرد شدن برگ درختان و تشکیل رود را هم باید بدانند.



است. علم، آموزش، تفریح، شغل و کار همگی در رابطه با طبیعت است. این آزمایشگاهی طبیعی است که در آن پرورش گیاهان و گونه‌های جانوران را از نزدیک می‌بینیم. پس این فضا با آنچه در ذهن دوستان شهری است، تفاوت دارد.

روش‌های تدریس در کلاس‌های چندپایه یا محوری است یا گروهی. در روش محوری برای هر پایه در ساعت خودش آموزش درسی را مشخص می‌کنیم. برای مثال، برای پایه‌ی اول فارسی و در همان ساعت برای پایه‌ی دوم دیکته و در پایه‌ی سوم قرآن و در پایه‌ی چهارم ریاضی را باید انتخاب کنیم. در صورتی که از روش گروهی استفاده کنیم، برای تمام دانش‌آموزان در همه‌ی پایه‌ها در هر ساعت و کلاس یک درس را آموزش می‌دهیم؛ مثلاً

### اشاره

در ارتباط با آموزش و پرورش عشایری و فضایی که در آن تعلیم و تربیت عشایری و معمولاً چندپایه انجام می‌شود، گفتن و شنیدن مانند رفتن و دیدن اثر ندارد. در این فرصت سعی ما بر این است که در ضمن گفت‌وگو با روح‌الله کردستانی، آموزگار حوزه‌ی عشایری استان لرستان از مسائل و موضوعاتی بگوییم که در کار آن‌ها دخیل است. طبیعت، کوچ، کلاس چادری، دیدن آثار باستانی و برخورد مستقیم با عواملی که در درس‌ها آمده است از جمله شب و روز، ستارگان و مظاهر آفرینش دانش‌آموزان را هر چه بیشتر با ساحت خود، خلق، خلقت و خدا آشنای سازد.

**مدارس یا کلاس‌های عشایری که در آن تدریس کرده‌اید چه تعداد دانش‌آموز دارند؟**

به طور متوسط حدود پنج تا ۱۴ شاگرد. ممکن است در یک کلاس پنج دانش‌آموز در یک پایه داشته باشیم و ممکن است در پایه‌ای فقط یک دانش‌آموز باشد.

**نگاه و تعریفان از محیطی که در آن آموزش می‌دهید، چیست؟**  
در «طبیعت» بودن بهترین تعریف من



دانش آموز در ذهنش یک طبقه‌بندی دارد و موقعی که از لحاظ علمی برایش توضیح داده شود و راهکار بیابد، امر یادگیری تسهیل و تسریع می‌شود.

یک بار من در کلاس بحث پوشش مرغان را طرح کردم. از یکی از دانش‌آموزان خواستم از منزلشان یک مرغ بیاورد. او مرغ آورد و من از دانش‌آموزان سؤال کردم این چیست؟ همه‌ی آن‌ها گفتند: مرغ است. گفتم: به نظر شما فقط مرغ است؟ گفتند: بدنش از پر است. بعد به آن‌ها گفتم: به پرهای این مرغ خوب نگاه کنید؛ آن‌ها رنگ‌های مختلفی دارد؛ اندازه‌هایشان هم متفاوت است.

می‌شود، باید تغییراتی ایجاد کنیم. براساس فرموده‌ی مقام معظم رهبری فرهنگ‌آورداتی با آداب دینی و آموزه‌های اخلاقی ما هم‌سو نیست. بر همین اساس در سال ۱۳۸۸ که سند تحول بنیادین در برنامه‌ی چشم‌انداز بیست ساله تغییر کرد، بعضی کتاب‌ها به لحاظ محتوا و منابع دگرگون شدند و تغییرات دیگری هم به مرور انجام می‌گیرد. مثلاً در تعلیمات اجتماعی سال سوم این مطالب برای دانش‌آموز آمده که در زندگی محور خانواده است. سعی شده است که او خانواده را به عنوان اولین نماد اجتماعی، درک کند و بعد مدرسه و جامعه‌ی بزرگ‌تر را. من



این صورت ارتباط راحت‌تر برقرار می‌شود. ما و همکارانمان هم باید با سعی و تلاش دانش‌آموز را در این مسیر جدید قرار دهیم؛ چون پیش‌آموخته‌ای ندارند؛ برای مثال، در درس ریاضی ذهن دانش‌آموز درگیر روش‌های قدیمی است. اگر سنگ اول را خوب بگذاریم، همه چیز خوب پیش خواهد رفت.

### رابطه‌ی شما با اولیا و ارتباط آن‌ها با شما چگونه است؟

برخورد اولیا با عوامل آموزشی خوب است. آن‌ها به‌رغم اینکه درگیر کارهای خودشان هستند، پیگیر آموزش فرزندان‌شان نیز هستند و میل و گرایش هم به شرکت در کارهای آموزشی و پشتیبانی از کارهای مدرسه در آن‌ها وجود دارد.

### نقش سازمان‌ها و نهادهای رسمی در عملکرد شما چگونه است؟

خوب است بتوانیم از سازمان‌های فرهنگی و نمادهایی که با فرهنگ جامعه و اجتماعی درگیرند، در آموزش کمک بگیریم. برای مثال، اگر بتوانیم یک مأمور آتش‌نشانی را با وسایل کامل به کلاس درس بیاوریم تا بچه‌ها ببینند که او یک انسان است با تجهیزاتی که در موقع نیاز برای رفع خطر حضور پیدا می‌کند، اگر بتوانیم دانش‌آموز و نهادها مثل جمعیت هلال‌احمر و بهزیستی را به هم ربط دهیم، آموزش پربارتر می‌شود.

### با توجه به اینکه عشایر در کوچ خود در مناطق وسیعی سیر می‌کنند، حفظ محیط زیست را در آموزش‌ها چگونه می‌بینید؟

سعی می‌کنم در تدریس بر مطلب حفظ محیط زیست و اهمیت آن تأکید داشته باشم. محیط زیست یعنی جایی که بچه‌ها خودشان در آن قرار دارند. به آن‌ها می‌گویم: بچه‌ها، اگر این درخت اینجا باشد زیباتر و بهتر است یا نباشد؟ رودخانه‌ای که از کنار مدرسه‌ی ما می‌گذرد و هر صبح صدای زیبای آن را می‌شنویم، جاری باشد بهتر است یا نباشد؟ قطعاً خودشان فکر می‌کنند که اگر درخت و رودخانه نباشند، ضرر می‌کنند.

موافق این تغییرات هستیم. البته به هر حال هر کار جدیدی هم اشکالاتی دارد که به مرور زمان کمتر می‌شوند و کار کیفی‌تر می‌گردد.

### دانش‌آموزان شما - که فرزندان عشایرند - برخلاف سن کمشان تجربه‌های ارزشمند زیادی دارند که آن‌ها را در جریان کوچ‌ها به دست آورده‌اند. آیا آن‌ها توانسته‌اند با تغییرات متون درسی رابطه‌ی خوبی برقرار کنند؟

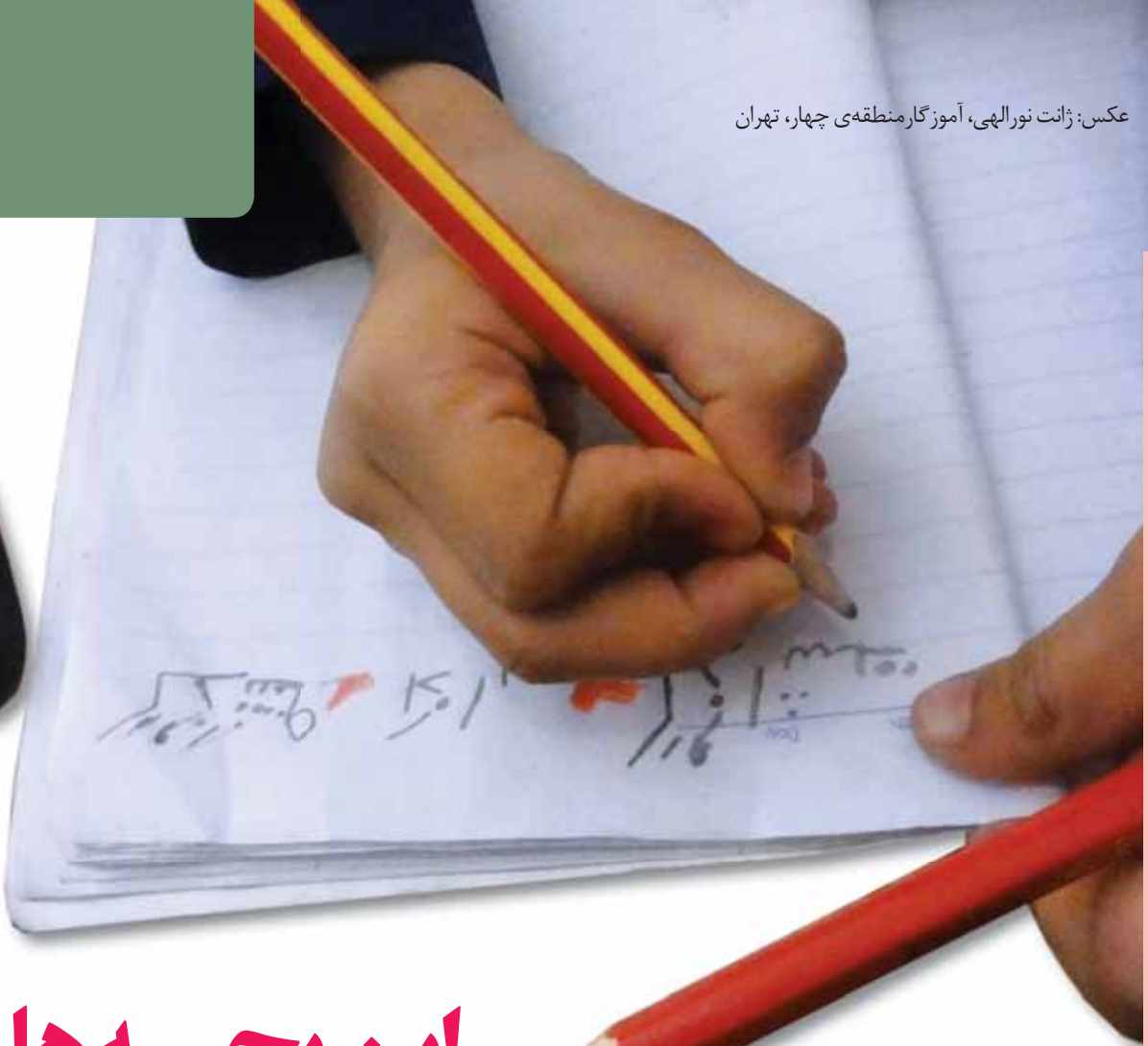
ابتدای کار مشکل بود؛ چون امکانات مورد نیاز آزمایشی باید در دسترس باشد و در

راه رفتن این جانور هم با سایر جانوران فرق دارد. بعد از این گفت‌وگوها آن‌ها گفتند: ما تا امروز به این شکل به مرغ نگاه نکرده بودیم. اکنون می‌بینیم که پوششی که خداوند در مرغ‌ها، از نظر نوع و رنگ قرار داده متفاوت است. قصد من این بود که دانش‌آموزان را متوجه این قضیه کنم که این‌ها کار پروردگار است.

### نظراتان درباره‌ی تغییرات کتاب‌های درسی ابتدایی چیست؟

با این تغییرات موافقم؛ ما برای پیشرفت و قرار دادن فرهنگ ایرانی-اسلامی به جای فرهنگ وارداتی که گاه در کتاب‌های ما دیده





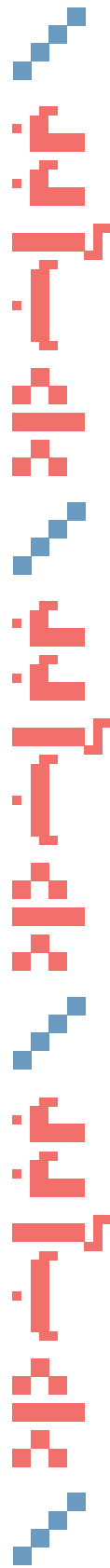
# این بچه‌ها مشکل املانویسی ندارند؟ مدارس چندپایه و چستی املا

بهمن قره‌داغی

این‌گونه معرفی می‌کنیم، همین گروه ناآشنا به چندپایه با تعجب می‌گویند: «چگونه ممکن است در این زمان اندک یادگیری اتفاق افتد؟» و اینجاست که فکر می‌کنند این کلاس‌ها نامطلوب‌اند و بودنشان برای نظام آموزشی تهدیدزاست. اما به‌واقع مطالعات تطبیقی نشان می‌دهند که این‌گونه کلاس‌ها، نه تنها بلای زمینی و تهدیدی برای نظام آموزشی نیستند، که اگر آگاهانه مدیریت شوند خود یک فرصت بی‌تکرار بی‌بدیل آموزشی نیز می‌باشند. با مطالعه‌ی همه‌ی منابع موجود، در همه‌ی آن‌ها تاریخچه‌ی پیدایی مدارس چندپایه برابر است با قدمت آغاز تعلیم و تربیت گروهی. زیرا امر آموزش و تعلیم و تربیت متناسب با نیازها و ارزش‌های رایج هر زمان و الهام گرفته و متأثر از حکومت‌ها،

## اشاره

در عصر فراطلاعات نیز خیلی‌ها هنوز نمی‌دانند کلاس چندپایه چگونه کلاسی است؟ کلاس چندپایه عبارت است از کلاسی که در آن بیش از یک پایه و حداکثر شش پایه به تحصیل مشغول باشند (با بیش از پنجاه شکل) و تمامی مسئولیت آموزش و پرورش آن‌ها با یک معلم است. یعنی فرض کنید معلم یک پایه (مثلاً پایه‌ی اول) در یک جلسه ۴۵ دقیقه وقت دارد تا به دانش‌آموزانش املانویسی را آموزش دهد. در همین زمان ۴۵ دقیقه‌ای، معلم شش پایه برای پایه‌ی اول، تنها هفت‌ونیم دقیقه زمان دارد. جالب اینکه محتوا و انتظارات برنامه‌ی درسی در هر دو کلاس تک و چندپایه نیز یکسان است. معمولاً به تجربه ثابت شده است هر وقت کلاس چندپایه را



جوامع، فرهنگ‌ها، نظام‌ها، خانواده‌ها و حتی فرقه‌ها به طرق مختلف و قبل از به‌وجود آمدن تعلیم و تربیت با شرایط کنونی، که به‌صورت برنامه‌ریزی شده است، جریان داشته است.

در عصر کنونی تنها با توجه نظام‌مند جهانی به این کلاس‌ها در اجلاس تایلند (دهه‌ی آموزش برای همه، ۱۹۹۰) سبب احیای هویت این دست کلاس‌ها در دنیا شد و حتی در مدارس کشورهای پیشرفته نیز آگاهانه چنین کلاس‌هایی دایر شد. خوش‌بختانه بررسی‌های انجام گرفته نشان می‌دهند که میان دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه و دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه از حیث توانایی شناختی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. افزون بر اینکه دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه نسبت به دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه از نظر رشد اجتماعی، سازگاری محیطی، بیان عواطف، روحیه‌ی همکاری، بهداشت روانی و پختگی رفتار برتری معناداری نشان می‌دهند.

به یقین آنچه باید بدان پرداخت تا کلاس چندپایه‌ی پویا اثربخش و موفق باشد، تقویت مهارت‌های حرفه‌ای آموزگاران این قبیل کلاس‌هاست. در این نوشتار به یکی از رازآلودترین توانایی‌های بشر یعنی مهارت زبانی و البته پیچیده‌ترین آن‌ها یعنی نوشتن، که خود یکی از وظایف نظام‌های آموزشی است، می‌پردازیم. معلمان باید با دارا بودن چنین مهارتی بتوانند مهارت نوشتن را که یکی از جلوه‌های زبان است و زبان نیز خود یک مهارت است از راه آموزش، تمرین، تکرار و طی معنادار مراحل نوشتن، در دانش‌آموزان ایجاد کنند. با این عنوان که «بچه‌های کلاس‌های چندپایه مشکل املانویسی ندارند» امید است این نوشتار کوتاه چراغی فراراه آموزش معلم چندپایه باشد و معلمان بتوانند مهارت معلمی را با خود به این قبیل کلاس‌ها ببرند.

### چرا املانویسی به آموزش نیاز دارد؟

آنچه پیداست اینکه وقتی سخن می‌گوییم به ظاهر عمل دشوار و سختی انجام نمی‌دهیم. درست همان‌گونه که پلک می‌زنیم، سخن نیز می‌رانیم! یعنی این‌طور به‌نظر می‌رسد که حرف زدن، به هیچ مهارتی نیاز ندارد. اما وقتی قرار باشد آنچه را می‌گوییم بنویسیم، موضوع فرق می‌کند. یعنی نوشتن به‌ظاهر برخلاف سخن گفتن، دیگر، کار و عملی ساده نیست که خود آخرین توانایی زبانی است و دارای قواعد و اصولی خاص. به آسانی می‌توان گفت: «خواهر، طوفان، حتی، حوله، سپاسگزار...» اما وقتی قرار است همین واژه‌ها را بنویسیم، دیگر هیچ آسانی‌ای فرارو نیست. تردید داریم و گاه می‌مانیم که با کدام «ت، ط، س، ص، ث، ز، ذ، ظ...». این بدان معنی است که نوشتن، عمل پُرراز و رمز و راهی پُر فراز و فرود است و به آموزش هدفمند نیاز دارد.

تحقیقات بی‌شماری نشان می‌دهند که آموزش و یادگیری املاي صحیح واژه‌ها، ضمن اینکه بر پیشرفت تحصیلی خواندن و دیگر دروس تأثیر مستقیمی دارد، در ارتقای دیگر مهارت‌های زبانی

نیز مؤثر است. بنابراین، اگر خواهان آنیم که بچه‌های کلاس‌های چندپایه مشکل املانویسی نداشته باشند و بتوانند درست بنویسند، ابتدا بایسته است معلم به مبانی زبان‌آموزی آشنا باشند. گرچه در این مجال چنین قصدی هم نیست بلکه تنها تلنگری برای عابر ماندن در این عرصه در نظر نگارنده است و بس.

### املا چیست و چرا در برنامه‌ی درسی اهمیت دارد؟

املا عبارت است از جانشین ساختن صحیح صورت نوشتاری نشانه‌ها، واژه‌ها و جمله‌ها به‌جای صورت آوایی آن‌ها و شاید چنین پنداشته شود که عملی ساده است! اما به‌واقع، املانویسی یکی از مهارت‌های پیچیده، مهم و اساسی زبان است؛ چرا که در این عمل چهار مهارت زبانی یعنی گوش دادن، صحبت کردن، خواندن و نوشتن درگیر می‌شوند. به‌ویژه در زبان فارسی که گاه عناصر گویشی و نوشتاری با هم اختلاف دارند، در نتیجه نوشتن عملی بسیار مشکل می‌نمایند.

اینکه چرا در برنامه‌ی درسی «املا» اهمیت دارد دلایل بسیاری دارد. یکی این است که بشر با درست‌نویسی شکلی واژه‌ها، ارتباط زبانی بین افراد جامعه برقرار می‌سازد. هر چه قدر رسم‌الخط و نگارش درست‌تر باشد، آن نوشتار بهتر و بیشتر می‌تواند بار معانی و منظور نویسنده را به دوش بگیرد و به سر منزل مقصود برساند. در نتیجه، ارتباط سهل‌تر و عمیق‌تر اتفاق خواهد افتاد. لذا درست‌نویسی که به‌طور طبیعی براساس نمادها و نشانه‌های خط و قواعد دستور زبان کار انتقال زبان گفتاری را به زبان نوشتاری به عهده دارد، نیازمند آموزش است. ضمن اینکه چنان‌که اشاره شد تحقیقات تأیید می‌کنند املانویسی زمینه‌ی لازم برای پیشرفت دانش‌آموز در سایر دروس را فراهم می‌نماید. در نتیجه امروزه در آموزش‌های رسمی همه‌ی کشورها، آموزش املانویسی به‌منظور تمرین شنیدن، تمرین نوشتن، آشنایی با واژه‌های جدید، خوانانویسی، مشخص شدن مشکلات نوشتاری و رفع آن‌ها، ارزیابی میزان توانایی دانش‌آموز در نوشتن و شناخت شکل درست نوشتاری واژه‌های روزمره و رایج، به‌عنوان یکی از «اجزای» مهم برنامه‌ی درسی، مدنظر برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران است.

### چرا آموزش املانویسی در زبان فارسی دشوار است؟

با نادیده گرفتن میزان دانش و مهارت معلمان کلاس‌های چندپایه، که البته در جای خود قابل توجه است و نیازمند نظارت و آموزش هدفمند؛ تحقیقات حکایت از آن دارند که رسم‌الخط فارسی به‌عنوان یکی از دشواری‌های آموزش این زبان، نقش انکارناشدنی‌ای در افت تحصیلی فراگیرندگان، در خواندن و نوشتن، به‌ویژه در درس املا دارند. به عبارتی یکی از دشواری‌های آموزش املانویسی در زبان فارسی این است که برای صداهای کاملاً مشابه، نشانه‌های (حروف) گوناگون داریم؛ و برای برخی از آواها نشانه‌ای وجود ندارد! مثل «>» در کلمه‌ی «بهار». گاهی برعکس، یعنی نشانه وجود دارد اما آوایی ندارد؛ مثل «و» در کلمه‌ی «خواهر». این گوناگونی در نشانه‌هایی که از یک قاعده‌ی منظم پیروی نمی‌کنند و به تعبیری بی‌قاعده هستند،



خود دو گونه‌اند:

گونه‌ی اول: نشانه‌هایی که صدای آن‌ها یکسان ولی شکل متفاوت دارند. شامل: (ت-ط)، (ث-س-ص)، (ح-ه)، (ذ-ز-ض-ظ)، (ع-ء) و (غ-ق).

گونه‌ی دوم: نشانه‌هایی که چند صدای متفاوت هستند، شامل نشانه‌های (و-ه-ی) برای مثال، نشانه‌ی (حرف) «و» در واژه‌ی «ورزش»، دارای صدای صامت «و» ولی در واژه «دود» دارای مصوت «و» است. یا نشانه‌ی (حرف) «ی» در واژه‌ی «سیب» دارای صدای مصوت «ی» ولی در واژه‌ی «سایه» دارای صامت «ی» است.

این گوناگونی‌ها که عامل مهمی در دشواری آموزش املا نویسی هستند، ایجاب می‌کنند تا در رسم الخط موجود تغییر و اصلاح لازم صورت گیرد؛ لیکن اگر چنین توانی و امکانی در شرایط فعلی ممکن نیست باید به ضرورت آموزش و مراقبت و تدابیر علمی برای آموزش املا نویسی پرداخت. بایسته است که هر معلمی بادرک چنین الزامی برای

آموزش درس املا برنامه‌ریزی دانش‌آموزمحور داشته باشد. برای نمونه در زبان فارسی واژه‌ی «هتزاز» را دانش‌آموز می‌تواند ۱۲۷ گونه نادرست بنویسد!

### مراحل آموزش املا

املا نویسی از یک نگاه بخشی از برنامه‌ی آموزشی است که در آن، خلاقیت و تفکر ناهمگرا مطرح نیست بلکه تنها آموزش یک نمونه و یا ترتیب نشانه‌های آن مطمح نظر است و از نگاهی دیگر، یکی از پارمههارت‌های نوشتن است که پس از مهارت «خواندن» و در امتداد پارمههارت «رونویسی»، وارد برنامه‌ی آموزش زبان فارسی در دوره‌ی ابتدایی شده است. این مهارت، چنان که اشاره شد، به معنی توانایی جانشین کردن صحیح صورت نوشتاری نشانه‌ها، کلمات و جمله‌ها به جای صورت آوایی آن‌هاست. به‌طور حتم غیر از نارسایی‌هایی که به رسم الخط انتخابی زبان فارسی برمی‌گردد، آنچه موجب پیدایش ناتوانی نوشتاری در اکثر دانش‌آموزانی که مشکل نوشتاری دارند می‌شود، ضعف در کسب مهارت‌های زبان‌آموزی است. این مهارت‌ها عبارت‌اند از:  
الف. گوش



دادن یا دریافت زبان شفاهی

ب. سخن گفتن یا بیان زبان شفاهی  
ج. خواندن یا دریافت زبان نوشتاری  
ه. نوشتن یا بیان زبان نوشتاری.

وقتی در نوشته‌ی دانش‌آموزی مشکلی مشاهده نمی‌کنیم به این معنی است که او به این مهارت‌ها دست یافته است؛ یعنی می‌تواند به‌خوبی بین صورت تلفظی کلمه‌ها و نشانه‌های سازنده‌ی آن‌ها پیوند مناسبی برقرار کند.

بررسی‌های مقدماتی نشان می‌دهند که برای املا‌ی هفتاد درصد از واژه‌ها در نوشتار فارسی، قواعد مشخص، منظم و قابل‌تعمیم وجود دارد، و چنانچه این قواعد به‌درستی آموخته و به‌کار گرفته شوند، برای املا‌ی بخش عظیمی از واژه‌های زبان فارسی کاربرد دارند و نیازی نیست که دانش‌آموز برای نوشتن شکل صحیح املا‌ی آن واژه‌ها، آموزش‌های ویژه و جداگانه‌ای را دریافت کند. به‌همین دلیل اصلی‌ترین هدف آموزش املا آن است که به دانش‌آموزان نکات و قواعد تعمیم‌پذیر برای املا‌ی واژه‌ها در نوشتار فارسی آموزش داده شود. این قواعد به‌ترتیب اهمیت در مراحل آموزش آن عبارت‌اند از:

- آشنایی تدریجی و مرحله به مرحله با نشانه‌های الفبای فارسی و ویژگی‌های آن‌ها
- آشنایی با اشکال نشانه‌ها یعنی به‌خاطر سپاری تعداد اشکال و

تمییز آن‌ها از یکدیگر

● آشنایی با شیوه‌ی صحیح ترسیم هر یک از اشکال نشانه‌ها، به‌صورت منفصل و در حالت متصل به نشانه‌های دیگر و به‌خاطر سپاری روش انجام کار

● آشنایی با روش ترکیب‌سازی صامت‌ها و مصوت‌ها و به‌خاطر سپاری روش انجام کار

● آشنایی با روش تجزیه‌سازی واژه‌ها به بخش و مجموع صداهای آن‌ها به‌ترتیب توالی صحیح حضور هر صدا در واژه و به‌خاطر سپاری روش انجام کار

● یادگیری برخی قواعد و نکات ویژه‌ی دستور خط فارسی، که در هنگام نوشتن واژه‌ها و گروه واژه‌ها باید بدان توجه داشت. مانند ربط، یای میانجی، نشانه‌ی تشدید و...

### آموزش استثنائات املا‌ی

اما برای آموزش استثنائات املا‌ی در نوشتار فارسی یعنی واژه‌هایی که از زبان‌های بیگانه وارد زبان فارسی شده‌اند و در طی زمان، با دگرگونی‌های آوایی به‌تدریج انطباق کامل بین آوای زبان فارسی با نشانه‌های الفبای رایج آن از بین رفته است و در حال حاضر شکل نوشتاری برخی واژه‌های رایج در این زبان از قوانین معینی پیروی نمی‌کند، تشخیص شکل صحیح املا‌ی این واژه‌ها، چنان‌که اشاره شد، یکی از دشواری‌های کنونی یادگیری زبان فارسی محسوب می‌شود که تاکنون روش مؤثری جز حفظ کردن شکل کلی این واژه‌ها پیشنهاد نشده است.

در این شرایط بهتر است باور بداریم که فراگیری نمادهای نوشتاری زبان فارسی، با تأکید بر زبان‌آموزی (روان‌خوانی و درست‌نویسی) به تدوین برنامه‌های جامع سستادی و مدرس‌های وابسته و بایسته است. جالب اینکه تا قبل از دهه‌ی ۱۹۸۰، املا به‌عنوان یک روش آزمون محسوب می‌شد، که نیازی به آموزش مستقیم آن نبود. از



سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ به تدریج، بر آموزش متمرکز املا در کلاس درس تأکید بیشتری شد. قبل از این دوره بسیاری از صاحب‌نظران تعلیم و تربیت، پیرو رویکرد کلی‌نگر، بر این فرض باور داشتند که یادگیری املا صحیح واژه‌ها با افزایش تجربه‌های غنی در حوزه‌ی خواندن و نوشتن به صورت طبیعی در دانش‌آموزان پرورش می‌یابد. لذا به همکاران معلم کلاس‌های چند پایه توصیه می‌شود، با فراهم آوردن شرایط مناسب و استفاده از ظرفیت‌های هم‌سالان و پایه‌های مختلف و نیز تعیین تکالیف تمرینی به کودکان در حفظ لغات کمک کنند. امروزه برخلاف گذشته، تحقیقات فراوانی بر آموزش مستقیم املا در کلاس درس تأکید دارند که البته هر برنامه‌ای در این رابطه باید بر اساس مراحل تحولی زبان تدوین گردد.

### انواع روش‌های املانویسی

تدریس به‌عنوان یکی از فرایندهای کلیدی در آموزش و پرورش و البته دشوارترین و حساس‌ترین - چنانچه آگاهانه و عالمانه انجام گیرد، ممکن است به یادگیری بینجامد. نتایج پژوهش‌های فراوان نشان می‌دهند که تدریس اثربخش و بسستر آفرینی و یاریگری آگاهانه، امکان یادگیری را افزایش می‌دهد. یکی از نشانه‌های اثر بخش در تدریس، بازاندیشی، اصلاح و بازمهندسی پیوسته‌ی معلم در شیوه‌های آموزشی خود است. فین جونپوزر (۲۰۱۰) می‌گوید: «معلم اثربخش آن است که دانش‌آموزان از او می‌آموزند چیزی را که باید بیاموزند».

از آنجا که املا یکی از مواد درسی مهم در برنامه‌ی آموزش رسمی کشور بوده و از ارکان مهم زبان‌آموزی در دوره‌ی ابتدایی است؛ بیش از هر درس دیگری نیاز است که آموزگار در تدریس آن، ضمن آشنایی با نظریه‌های مطرح در برنامه‌ریزی درسی و توانایی طراحی مدل‌های آموزشی متناسب با این نظریه‌ها، انعطاف‌پذیری بیشتری از خود نشان دهد. بنابراین، چنانچه در آموزش املا به توانایی، استعداد و علائق دانش‌آموز توجه شود، یادگیری به سادگی اتفاق می‌افتد. لیکن در بسیاری از مدارس، هنوز به روش صد سال پیش املانویسی انجام می‌گیرد. به این صورت که معلم متنی را می‌خواند و دانش‌آموز می‌نویسد و پس از صحیح کردن معلم، دانش‌آموز باید از روی درس یا صحیح کلمه‌های اشتباه بنویسد. با این نوع عملکرد معلوم است که اثربخشی کار معلم، در این درس به حداقل خواهد رسید. در این راستا معلم خلاق، با درک عمیق موضوع و شناخت تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان و با به‌کارگیری روش‌ها و راهبردهای آموزشی مناسب می‌تواند یادگیری درس املا را برای یادگیرندگان، لذت‌بخش و دوست‌داشتنی سازد؛ یعنی با در نظر داشتن فردیت بی‌همتای هر دانش‌آموز، زمان و مکان مناسب و با طراحی برنامه‌های متنوع، هدف یا اهداف آموزشی را ساده می‌گرداند و از راه‌ها و روش‌های گوناگون املانویسی، که هر کدام برای شناخت ریخت واژه‌ها و ایجاد یادگیری معنادار و ماندگار مؤثر می‌باشند، یاری می‌گیرد. به‌طور حتم اگر معلم با انواع روش‌های املانویسی آشنا باشد، ضمن مزایایی که اشاره شد، با

یک نگاه ساده‌انگارانه این تنوع از دو جهت مفید خواهد بود. یکی اینکه، با عنایت به تراکم بالای جمعیت دانش‌آموزی و پایه‌ها در کلاس‌های چند پایه، هر هفته لازم نیست تعداد زیادی املا تصحیح کند و باز خورد کتبی بنویسد. دیگر اینکه، دانش‌آموزان در پایه‌های مختلف از قابلیت‌ها و توانایی‌های خاصی برخوردار می‌باشند که با یاری‌گیری از آن‌ها، کاربرد نوعی از انواع املانویسی برای کلاس چند پایه، تنوع خاصی به همراه دارد و جلسه‌ی املا، جلسه‌ی دوست‌داشتنی و نشاط‌آور خواهد بود. بر این اساس، چند روش از انواع روش‌های املانویسی قابل اجرا اشاره می‌شود. لازم به یادآوری است که متن املای انتخابی در هر روشی، ضمن اینکه کم و کیف آن باید با توانایی دانش‌آموزان تناسب داشته باشد، می‌تواند از محتوای کتاب درسی توسط معلم یا دانش‌آموز تهیه شود.

### املانویسی به روش تقریری یا خطابه‌ای

شاید تنها تصویری که بعد از شنیدن واژه‌ی املا در هر ذهنی ایجاد می‌شود، همین روش تقریری یا خطابه‌ای باشد که قدمتی دیرینه‌سال دارد. یعنی عمری به درازنای آموزش و پرورش؛ از مکتب‌خانه‌ها تا به امروز. در این روش، معلم متنی متناسب با اهداف آموزشی را که البته معمولاً از آخرین درس فارسی می‌باشد، انتخاب می‌کند و به تدریج می‌خواند تا دانش‌آموزان در دفترهای املا بنویسند. پس از اتمام املا دفاتر آن‌ها را جمع‌آوری و بررسی و تصحیح می‌کند و باز خورد ارائه می‌دهد که البته معلم چند پایه گاهی از یاری دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر نیز کمک می‌گیرد. املای تقریری یا خطابه‌ای برای دانش‌آموز فوایدی چون:

- افزایش مهارت گوش دادن
  - آشنایی با تلفظ صحیح کلمه‌ها و جمله‌ها
  - تقویت دقت و حافظه
  - درک بهتر شنیده‌ها
  - مهارت در تبدیل گفتار به نوشتار
  - زیبا و خوانانویسی شنیده‌ها را به دنبال دارد.
- هم‌چنین، معلم با این روش مشکلات شنیداری دانش‌آموزان را بهتر شناسایی می‌کند و می‌تواند دانش‌آموزان کندنویس و تندنویس را نیز بشناسد.
- نمونه‌ای از متن املای تقریری در پایه‌ی اول دبستان:
- هدف: درست‌نویسی نشانه‌های: خ، ح، او، ا، د، ز، ح، ص، ص؛  
خا= خوا
- مینا دختر باادب و خوبی است. او در خانه به مادرش کمک می‌کند. ورزش کاران از یکدیگر جلو می‌زدند. خورشید خانم با خود گفت: فکر می‌کنم خروس برنده می‌شود.
- سال گذشته با پدر و مادر و خواهرم به اصفهان رفتیم. مادر برای شام کوکوی لذیذی آماده کرده بود.
- حسین صبح زود از خواب بیدار شد. دست و صورت خود را با آب و صابون شست و با حوله خشک کرد.
- پدرم هر شب قبل از خواب قرآن می‌خواند.



### املا نویسی به روش کامل کردنی (متن با جای خالی)

معلم در این روش از املا نویسی برای هر جلسه درس املا تعدادی از واژه‌هایی را که دارای ارزش املائی می‌باشند - متناسب با پایه‌ای که تدریس می‌کند - انتخاب می‌نماید (مثلاً ده واژه در پایه‌ی اول)، سپس با توجه به واژه‌های گزینشی خود، متنی را انتخاب و جای آن واژه‌های انتخابی را در متن آماده شده خالی می‌گذارد. متن که به تعداد دانش‌آموزان تکثیر و بین آن‌ها توزیع شد، آن‌گاه معلم متن کامل را، خودش - یا یکی از دانش‌آموزان پایه‌های دیگر - می‌خواند و از دانش‌آموزان می‌خواهد تا ضمن گوش دادن، جاهای خالی را با توجه به آنچه او می‌خواند، تکمیل کنند.

هم‌چنین معلم می‌تواند املائی را به صورت تایپ شده، متناسب با هدف آموزشی مورد نظر، مثلاً بدون نقطه، بدون تشدید و با به صورت واژه‌های ناقص یا هر شکلی که مسیر رسیدن به انتظارات را کوتاه می‌گرداند، به دانش‌آموزان بدهد تا آن‌ها در جای مناسب نقطه بگذارند، یا تشدید قرار دهند، یا واژه‌های ناقص را کامل کنند؛ یا...

همکاران معلم توجه کنند که در پایه‌های اول و دوم از نادرست (غلط) نوشتن واژه‌ها به این منظور که دانش‌آموز با بررسی متن کتاب، درست آن‌ها را پیدا کنند و بنویسند خودداری نمایند. تجربه نشان داده است که خیلی وقت‌ها پاک کردن تصاویر نادرست از ذهن آن‌ها دشوار و زمان‌بر است. نمونه‌ای از متن املائی کامل کردنی (متن با جای خالی) در پایه‌ی اول دبستان:

هدف: درست‌نویسی خوا = خا  
واژه‌هایی که ارزش املائی دارند: می‌خواهم - خواهش - خواست - می‌خواهم - خواندن

ژاله از منیژه دفتر املا را .....  
زهر از برادرش ..... کرد تا با او به پارک برود.

امشب زود ..... چون فردا آزمون دارم.

من وقتی بزرگ شدم ..... قرآن ..... را از پدرم یاد بگیرم.

### املا نویسی به روش تلفیقی

معلم در این روش واژه‌هایی را که از ارزش املائی برخوردار هستند انتخاب می‌کند و از دانش‌آموزان می‌خواهد تا آن‌ها را روی پارچه بنویسند و قیچی کنند یا با خمیر مجسمه‌سازی آن‌ها را بنویسند و یا با نخ و سوزن واژه‌های قیچی شده را روی پارچه‌ی دیگری بدوزند که در این صورت املا با هنر و بازی توأمان می‌شود و در نتیجه، یادگیری املا به شکل تلفیقی اتفاق می‌افتد.

معلم املائی تلفیقی را در پایه‌های بالاتر به اشکال گوناگون می‌تواند اجرا کند. مثلاً از دانش‌آموزان بخواهد تا با واژه‌هایی که در املا نویسی آن‌ها غلط داشته‌اند، واژه‌های هم‌خانواده، متضاد و یا هم‌معنا بنویسند.

### املا نویسی به روش دانش آموز - معلم

معلم در این روش با تعویض نقش خود با دانش‌آموزان، املا نویسی به روش دانش‌آموز - معلم را اجرا می‌کند. یعنی به جای اینکه معلم متنی را انتخاب کند و بخواند تا دانش‌آموز بنویسد، برعکس هر دانش‌آموزی چه فردی و چه گروهی با انتخاب متنی به معلم خود املا بگوید. به این شکل که هر فرد یا هر گروه با مشورت هم‌دیگر، متنی را انتخاب کنند و سپس یک پاراگراف از آن را به معلم خود املا می‌گویند. معلم بهتر است متن املائی خود را روی تابلو بنویسد. در پایان، فرد یا گروه عملکرد معلم را در پاراگراف مخصوص به خود تصحیح می‌کنند. در این روش، معلم متناسب با شناختی که از تک‌تک دانش‌آموزان و اعضای هر گروه دارد، چند کلمه را به منظور یادگیری ماندگار، آگاهانه نادرست می‌نویسد.

### املا نویسی به روش گروهی

معلم در این روش با توجه به شناختی که از تفاوت‌های فردی بچه‌ها دارد، آن‌ها را به چند گروه تقسیم می‌کند. سپس در هر گروه به انتخاب خود یا اعضای گروه یک نفر را تعیین می‌کند تا به بقیه املا بگوید. برای مثال، در یک گروه سه نفری، یک نفر املا می‌گوید و دو نفر املا می‌نویسند یا یک نفر املا می‌گوید، یک نفر نظارت می‌کند و نفر سوم املا می‌نویسد. سپس با استفاده از روش «هم‌سال‌سنجی» یا «خودسنجی» دانش‌آموزان می‌توانند املائی نوشته شده را بررسی و تصحیح کنند.

### املا نویسی به روش اسم، فامیل، شهر، حیوان و میوه

یکی از روش‌های مفرح و نشاط‌آور که در تقویت املا نویسی بسیار اهمیت دارد و با بازی همراه است، روش املا نویسی به روش اسم، فامیل، شهر، حیوان و میوه، یا هر عنوان دیگری که معلم متناسب با اهداف، مناسب می‌داند، است. در این روش، معلم می‌تواند به شیوه‌های مختلف کلاس را مدیریت کند. یکی از این شیوه‌ها این است که او صدایی را انتخاب می‌کند و بقیه‌ی دانش‌آموزان با توجه به صدای انتخاب شده موارد لازم اسم، فامیل، شهر، حیوان و میوه را در دفتر خود بنویسند. مثلاً معلم صدای «س» را انتخاب می‌کند، دانش‌آموزان باید اسمی که در آن صدای «س» وجود دارد یا با «س» (براساس توافق به عمل آمده) شروع شده را بنویسند. برای نمونه یکی از دانش‌آموزان برای اسم می‌نویسد: سارا؛ برای فامیل: سهرابی؛ برای شهر: سنندج؛ برای حیوان: سوسمار؛ و برای میوه: سیب. بهتر است معلم در این روش دانش‌آموزان را هدایت کند تا آن‌ها براساس اقسام اسمی، واژه‌های انتخابی خود را از متن کتاب فارسی یا سایر کتاب‌های درسی که معلم تعیین می‌کند، برگزینند.

غیر از روش‌هایی که به عنوان نمونه بیان شد، هر آموزگار صاحب‌ذوق خلاق اندیشمندی می‌تواند خود آفریننده‌ی روش‌های مفرح گوناگونی باشد که با اجرای آن روش‌ها، دانش‌آموزان را در موقعیت املا نویسی قرار دهد و نسبت به یادگیری، اصلاح و بهبود یادگیری آن‌ها اقدام عملی به انجام رساند.

# از تخیل به سوی خلاقیت

## موانع خلاقیت در کودکان و راهکارهای پرورش آن

قلیچ بیچرانلو حسن

در تمام مراحل زندگی عوامل گوناگونی وجود دارند که از بدو تولد تا بزرگسالی خلاقیت فرد را با مشکل روبه‌رو می‌سازند. برخی از این عوامل جنبه‌ی روانی دارند و بعضی عوامل محیطی. عوامل محیطی شامل دو محیط خانه و مدرسه هستند. این عوامل، در خانواده در جریان تعامل کودک با والدین و محیط خانه پدید می‌آیند و در محیط مدرسه در اثر تعامل با معلم یا مربی و همسالان تأثیرات منفی بر خلاقیت وی می‌گذارند. نگارنده از عوامل اصلی روانی و محیطی، عامل محیطی را تأثیر گذارتر و مهم‌تر می‌داند و معتقد است که بر خلاقیت فرد بیشتر اثر می‌گذارد و شامل مدرسه و خانواده می‌شود. در مدرسه عواملی مانند:

۱. بی‌توجهی به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان
۲. روش تدریس سنتی
۳. عدم شناخت معلمان نسبت به کاوشگری و خلاقیت
۴. کمبود امکانات و وسایل لازم در مدارس برای فعالیت‌های خلاق
۵. نپذیرفتن روش و ایده‌های جدید
۶. بی‌توجهی به فعالیت‌های خارج از کلاس

در خانواده عواملی مانند؛ ایجاد رقابت میان کودکان از سوی والدین، انتقاد بیش از حد از کودکان توسط والدین، تأکید بیش از حد بر جنسیت کودک، برقراری قوانین خشک و دست‌وپاگیر در منزل، ناآشنایی والدین با مفهوم خلاقیت و تأکید بیش از حد بر هوش و حافظه‌ی کودک مانع پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان می‌شود.

### موانع پرورش خلاقیت در محیط خانواده و راهکارهای غلبه بر آن

۱. ایجاد رقابت بین کودکان
- رقابت میان کودکان وقتی پدید می‌آید که:  
(الف) نوعی ارزیابی و رتبه‌بندی توسط والدین وجود داشته باشد.

### اشاره

بررسی اهداف آموزش و پرورش در سطح جهان نشان می‌دهد که از مهم‌ترین نیازهای هر جامعه تعلیم و تربیت افرادی است که با اتکا به نیروی اراده و تعقل خویش منطقی بیندیشند و به‌جای وابستگی و استفاده از دستاوردهای اقتصادی و فرهنگی دیگران خود مولد دانش، فناوری و فرهنگ مناسب برای زندگی مستقل در عصر دانایی باشند. موفقیت و پیشرفت انسان در گرو اندیشه‌های بارور، پویا و مؤثر است و همه‌ی افراد از ویژگی‌های مختلفی برخوردارند که باعث می‌شود بتوانند مهارت‌های خود را در راه‌های جدید به‌کار اندازند. همه‌ی کودکانی که به‌دنیای می‌آیند، دارای توانایی‌های بالقوه‌ی خدادادی‌اند. یکی از این توانایی‌ها روحیه‌ی «خودنمایی» است که از سال دوم کودکی بروز می‌کند و در پرتو همین روحیه، اختراعات، ابتکارات و پیشرفت‌های علمی و فنی به‌وجود می‌آید. اگر این توانایی نبود، هیچ‌گاه تمدن بشر تا این حد اوج نمی‌گرفت. براساس تحقیقات علم روان‌شناسی، بهترین زمان برای تربیت و شکوفا کردن استعدادها، دوره‌ی کودکی و نوجوانی است؛ چراکه تمام صفات اکتسابی و الگوهای رفتاری و عادات لازم در این زمان حاصل می‌آیند ولی عواملی در مراحل زندگی باعث عدم بروز خلاقیت و شکوفایی استعدادها می‌شود که به دو دسته‌ی فیز بولوژیکی و محیطی تقسیم می‌شود. در این مقاله سعی شده است موانعی که بیشتر تأثیر گذارند مورد بررسی قرار گیرند و راه‌ها و راهکارهای مقابله با این موانع ارائه شود.

**راه کار:** والدین باید در خانواده محیطی با آرامش و حالتی از آزادی

و شوخ طبعی فراهم کنند.

#### ۷. تأکید بیش از حد والدین بر هوش و حافظه‌ی کودک

والدین ما بیشتر بر نمره‌ی کودک و انباشتن اطلاعات در ذهن او تأکید دارند، به صفت کمی و آماری تکیه می‌کنند و روان کودک را در نظر نمی‌گیرند که البته این روش راه تقویت حافظه نیست.

**راه کار:** باید به کودک فرصت داد تا از طریق آزمایش و ارائه‌ی نظرات و پیشنهادهای خود توانمندی‌های ذهنی و روانی‌اش را شکوفا کند که مهم‌ترین آن‌ها تفکر خلاق و کاوشگری است.

#### ۸. نشناختن علایق و احساسات درونی کودک

فقط به حالت نظری و حافظه‌ی کودک و بالا بردن آمار قبولی دانش‌آموزان تکیه نکنید.

**راه کار:** دانش‌آموز را از طریق راهنمایی‌های مختلفی از جمله تست هوش و نقاشی کشیدن به راه اصلی و رشته‌ی مورد علاقه در حد توان و استعدادش سوق دهید.

#### ۹. ناآشنایی والدین با مفهوم خلاقیت و بیهوده شمردن

تخیلات کودک

بعضی از والدین به علت نداشتن سواد و اطلاعات کافی نمی‌توانند برای شکوفایی و پرورش خلاقیت کودکان خود برنامه‌ریزی کنند و اقدام صحیح انجام دهند و اگر کودکان آن‌ها تخیل خود را به شکلی

(ب) پاداش یا جایزه در میان باشد.

وقتی دانش‌آموزان ببینند که کار تنها ارزش‌گذاری می‌شود، به هر نحو و راهی خود را به جایزه می‌رسانند و بیشتر این رقابت به ستیزه‌جویی بین کودکان منجر می‌شود. این کار باعث می‌شود آن‌ها از توانایی و استعدادهای واقعی خود استفاده نکنند و به بهتر انجام شدن آن کار توجه نداشته باشند.

**راه کار:** ما نباید برای هر کاری همیشه پاداش یا جایزه در نظر بگیریم. باید به دانش‌آموز بفهمانیم که ارزش کار برای خود اوست و لازم است یاد گرفتن برایش مهم باشد. این کار روز به روز باعث ایجاد انگیزه و خلاقیت در او می‌شود.

#### ۲. وجود قوانین خشک و دست‌وپاگیر در منزل

بسیاری از والدین با قوانین خشک و محدودکننده فرزندان خود را به تدریج به رفتارهای تکراری و قالبی عادت می‌دهند و جلوی فعالیت‌های جانبی آنان را می‌گیرند و این‌گونه فعالیت‌ها را برای فرزند خود خطرآفرین می‌دانند.

**راه کار:** دانش‌آموزان چنانچه علاقه دارند باید با نظارت والدین فعالیت و کارهای خود را دنبال کنند تا به هدف مورد نظر خود برسند.

#### ۳. انتقاد بیش از حد از کودکان به وسیله‌ی والدین

والدین دانش‌آموزان هر روز رفتارهای کودک را با پرسش‌های گوناگون مورد انتقاد قرار می‌دهند. مثلاً، می‌گویند: چرا امروز ۱۵ گرفته‌ای؟ امروز دیر به خانه آمدی؟!... این سؤال‌ها حالت ترس در دانش‌آموز ایجاد می‌کند و فرصت‌براز احساسات و تفکر را از او می‌گیرد. **راه کار:** والدین باید کاری کنند که اعتمادبه‌نفس در فرزندانشان تقویت شود. لازمی خلاقیت داشتن آزادی و امنیت خاطر در محیط خانواده است.

#### ۴. تأکید بیش از حد بر جنسیت کودک

در بسیاری از خانواده‌ها میان پسر و دختر تفاوت قائل می‌شوند و این تفاوت در کودکان تعارض ایجاد می‌کند و می‌تواند خلاقیت و تمایلات خلاقانه را سرکوب کند.

**راه کار:** وظیفه‌ی والدین این است که بین فرزندان خود تفاوتی قائل نشوند.

#### ۵. توقع بیش از حد و تحمیل نقش بزرگ‌سالی به کودکان

بسیاری از والدین علاقه‌مندند کودکان قبل از اینکه به رشد لازم برسند، رفتارهایی مشابه بزرگ‌سالان داشته باشند. تحمیل نقش‌های کاذب بزرگ‌سالی به کودکان روند رشد اجتماعی آنان را مختل می‌کند و باعث ایجاد رفتارهای تصنعی در آن‌ها می‌شود.

**راه کار:** وظیفه‌ی والدین این است که از این تحمیل پرهیز کنند.

#### ۶. نبودن حس شادابی و شوخ طبعی در محیط منزل

شوخ طبعی در خانواده باعث ایجاد شادابی در کودکان می‌شود و رابطه‌ی مستقیمی با خلاقیت کودکان دارد. رفتارهای خشک و سرد در خانواده‌ها باعث عبوس و ناراحت ماندن کودکان می‌شود؛ به این ترتیب، کنجکاوی آنان را سرکوب و پنهان می‌کند. کودک رفتار پدر و مادر را برای خود الگو می‌داند و می‌گوید: «پس من هم باید مانند آن‌ها باشم».





بروز دهند، آن‌ها را مسخره و به آنان بی‌توجهی می‌کنند.

**راه کار:** محکوم کردن خیال‌پردازی کودک و وادار نمودن او به واقع‌بینی در خانواده نگرشی اشتباه و آفتی جدی است والدین باید در خانواده ضمن توجه به احساسات و تخیلات فرزندان خود، آن‌ها را برای رسیدن به هدف‌هایشان راهنمایی و کمک کنند.

### موانع پرورش خلاقیت در محیط مدرسه و راه کارهای غلبه بر آن

#### ۱. عدم توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان

در نظر نگرفتن این واقعیت که هر دانش‌آموز در حالی که ویژگی‌های مشترکی با دانش‌آموزان دیگر دارد، شخصی منحصر به فرد و دارای استعداد و علایق و نیروی ویژه‌ی خود است. در نظام فعلی معلمان به همه‌ی دانش‌آموزان نگرشی یکسان دارند.

#### ۲. روش تدریس سنتی و مبتنی بر معلم‌محوری

در روش‌های تدریسی که بیشتر مبتنی بر سخنرانی و مهارت‌های کلامی است و معلمان نقش محور را بازی می‌کنند، دانش‌آموزان مشارکت کمتری دارند.

**راه کار:** باید از آن دسته از روش‌ها و مهارت‌های تدریس استفاده شود که تحرک و پویایی دانش‌آموزان را افزایش می‌دهند. لازم است دانش‌آموزان کار گروهی در کلاس درس را بیاموزند و معلم نقش

راهنما را داشته باشد.

#### ۳. ناآشنایی معلمان با خلاقیت

در بسیاری موارد آشنا نبودن معلم یا مربی با شیوه‌های پرورش خلاقیت شاگردان، خود مانعی بزرگ به‌شمار می‌آید.

**راه کار:** آموزش و پرورش باید دوره‌هایی برای آشنایی معلمان با راه‌های شناخت استعداد‌های خلاق دانش‌آموزان در نظر بگیرد و آن‌ها را در این دوره‌ها با این‌گونه مسائل آشنا سازد.

#### ۴. نبود حداقل امکانات و وسایل لازم برای فعالیت‌های خلاق در مدرسه

آموزگاران با صرف کمی حوصله و تغییر در روش تدریس می‌توانند باعث بروز خلاقیت در بعضی از دانش‌آموزان شوند ولی به‌دلیل کمبود سرانه در مدارس و نبود وسایل کمک‌آموزشی و آزمایشگاه مناسب، حس کاوشگری از دانش‌آموزان گرفته می‌شود.

**۵. دادن تکالیف درسی زیاد به دانش‌آموزان آنان را مجبور می‌کند تمام وقت و نیروی خود را صرف انجام تکالیف مدرسه کنند.**

**راه کار:** خلاقیت و کاوشگری نیازمند آرامش فکری و روانی است.

#### ۶. نپذیرفتن روش‌ها و ایده‌های جدید

استفاده از روش‌های تکراری و تفکر کلیشه‌ای مانع پذیرش تفکرات نو می‌شود. اگر دانش‌آموز در کلاس روش نو و خلاق ایجاد کند و هیچ حرکت و تشویقی از طرف دانش‌آموزان و معلم نبیند، برای او مأیوس‌کننده است و مجبور می‌شود او هم مانند بقیه رفتار کند و انگیزه‌اش از بین می‌رود.

### نتیجه‌گیری

همه‌ی کودکانی که به دنیا می‌آیند، دارای توانایی‌های بالقوه‌ی خدادادی‌اند. یکی از این توانایی‌ها روحیه‌ی خلاقیت است که از سال دوم کودکی بروز می‌کند.

به هنگام ساختن اسباب‌بازی یا چیزهای دیگر والدین باید دقت کنند که دخالت آنان در کارهای کودکان هر اندازه کمتر باشد بهتر است. برای مثال، اگر کودکی مشغول ساختن اسباب‌بازی است، نباید والدین به بهانه‌های مختلف عقاید و سلیقه‌ی خود را به کودک تحمیل کنند. بهتر است او را آزاد بگذارند تا بتوانند تصورات، تخیلات و ابتکارات خود را به‌طور طبیعی نشان دهد. والدین باید علاوه بر تهیه و خرید اسباب‌بازی‌های مناسب زمینه‌ی سازندگی، خلاقیت، ابتکار و نوآوری کودک را فراهم کنند. هیچ لزومی ندارد که کاردستی مبتکرانه‌ی کودکان، زیبا، کامل و بدون نقص باشد. تأکید ما باید بیشتر بر فرایند انجام کار باشد تا نتیجه‌ی آن. برای تقویت حس کنجکاوی و خلاقیت بچه‌ها باید به آن‌ها فرصت اشتباه کردن داد و سپس با احترام گذاشتن به ایده و نظر آن‌ها درصدد تصحیح خطایشان برآمد. با توجه به تحقیقات انجام شده دانش‌آموزانی که استقلال بیشتری در تصمیم‌گیری دارند، انگیزه‌ی درونی بیشتری برای انجام کار دارند و پیشرفت خلاقیت در آنان قابل ملاحظه است.



# درخت دوستی بنشان

## درختکاری و انواع درختان قابل کشت در شهر



صفورا زواران حسینی / کارشناس آموزش انجمن یوزپلنگ ایرانی

### ویژگی های یک نهال مناسب<sup>۲</sup>

- ☺ پر ریشه باشد و ساقه و شاخه های سالمی داشته باشد.
- ☺ برای اینکه پر ریشه بودن نهال را تشخیص دهید، کف گلدان را بلند کنید، ریشه ها باید از سوراخ های کف گلدان پیدا باشند.
- ☺ نهال تازه جابه جا نشده باشد.
- ☺ اگر نهال تازه به داخل گلدان جدید منتقل شده باشد، چون هنوز به محل جدید خود عادت نکرده است، در انتقال به باغچه ممکن است صدمه ببیند. برای فهمیدن این مسئله چند ضربه به گلدان بزنید. خاک داخل گلدان نباید به راحتی تکان بخورد.
- ☺ با آب و هوای منطقه ای شما سازگار باشد.
- ☺ در شهری که آب و هوای خشک دارد، نمی توان انتظار داشت که نهال مرکبات مانند نارنگی، پرتقال که مخصوص آب و هوای گرم و مرطوب اند، به راحتی زنده بماند.
- ☺ با شرایط محل کاشت سازگار باشد.
- ☺ گیاهان آفتاب دوست در سایه ای دیوارها و آپارتمان های شهر حال و روز

### دانستنی های آموزگاران

اسفند علاوه بر ماه پایان سال و ماه خانه تکلی و خرید برای سال نو، بهترین زمان برای کاشت گیاهان بهاری، سر و سامان دادن به باغچه ها و کاشت درختان است. پانزدهم اسفند ماه، روز درخت کاری نیز برای ترویج و پاسداشت این موضوع است. در طول تاریخ رویش مجدد گیاهان در آستانه ای بهار همواره انسان را تحت تأثیر قرار داده است. تأثیری که می توان در باورهای دینی و فرهنگی و اشعار و نوشته های ادیبان ردپای آن را یافت اما آیا نسل امروز همان قدر که پیشینیان ما با طبیعت در ارتباط بودند، تغییرات فصل به فصل آن را لمس می کنند؟ شاید نیازهای جسمی انسان شهرنشین امروز به اندازه ی پیشینیان خود چندان وابسته به حضور در طبیعت نباشد اما نیاز روح و روان او به طبیعت همچنان باقی مانده است. پژوهش ها نشان داده اند که این نیاز چنان قوی است که اگر در دوران کودکی اختلالی در این ارتباط پیش آید، می تواند موجب ناهنجاری های روانی شود. در مقابل، با وصل دوباره ی این ارتباط می توان بسیاری از ناهنجاری ها را درمان کرد. همراه با شما ویژگی های یک نهال مناسب را مرور می کنیم.



خوبی ندارند و یا گیاهانی که به آب زیاد نیاز دارند در مناطق کم آب با مشکل مواجه خواهند شد. پس، برای خرید نهال به محدودیت‌های آب‌هوایی، نور، آبیاری، آلودگی هوا در شهرهای بزرگ و نزدیک یا دور بودن نهال‌ها به ساختمان‌ها و لوله‌کشی‌ها و برق‌کشی‌ها و چاه‌ها دقت کنید. مثلاً ممکن است یک درخت ریشه‌های قوی داشته باشد (مانند توت یا آکالیپتوس) و اگر در کنار دیواره‌ی چاه کاشته شود باعث ریختن دیواره‌ی آن بشود.

🕒 از تجربه‌ها استفاده کنید.

پیش از انتخاب نهال، به نهال‌ها و درختان نزدیک محل کاشت درختان دقت کنید و ببینید چه نوع درختانی حال و روز بهتری دارند. بهتر است درختی که انتخاب می‌کنید از گونه‌های بومی باشد. البته درختانی مانند اکالیپتوس یا چنار که سال‌ها پیش وارد ایران شده‌اند، با شرایط اقلیمی ایران سازگار بوده و بخش ثابتی از فضاهای سبز انسان ساخته شده‌اند.

## فعالیت آموزشی پیشنهادی

می‌توانید یک برنامه‌ی کاشت و نگهداری طولانی‌مدت همراه با دانش‌آموزانتان اجرا کنید. کاشت، نگهداری و شناخت درختان موجب ایجاد رابطه‌ی صمیمانه با آن‌ها خواهد شد. در نتیجه، می‌توان امیدوار بود کودکان امروز به بزرگ‌سالانی تبدیل شوند که دوستدار محیط‌زیست و حافظ آن هستند.

در مدرسه یا نزدیک مدرسه، باغچه‌ای را برای کار خود در نظر بگیرید. بسته به فضایی که دارید می‌توانید تعداد گروه‌های دانش‌آموزان را تعیین کنید. گروه‌ها با هم باغچه را برای کاشت درخت آماده خواهند کرد. سپس هر گروه یک درخت خواهد کاشت و پس از آن مسئول نگهداری درخت خود خواهد بود. مراحل انتخاب درخت و آماده کردن بستر کاشت را بهتر است به همراه دانش‌آموزان انجام دهید. برای تهیه‌ی نهال، کود و خاک مناسب در شهرها می‌توانید با اداره‌ی فضای سبز شهرداری مذاکره کنید. می‌توانید به گروه‌ها پیشنهاد دهید که برای درخت خود شناسنامه درست کنند؛ مثلاً نام، قد و قطر فعلی آن، شکل برگ‌ها، میوه، شکوفه، نقش و نگار تنه و ویژگی‌های دیگر آن را در یک برگه یا دفتر ثبت کنند. اعضای گروه می‌توانند در برنامه‌ی بلندمدت نگهداری درخت به تدریج شناسنامه را تکمیل و تغییرات درختشان را نیز ثبت کنند. گروه‌ها می‌توانند علاوه بر اسم علمی درخت، اسمی خودمانی نیز برای درخت خود انتخاب کنند. به دانش‌آموزانی که از درختان مراقبت می‌کنند، می‌توانید نام «درخت‌بان» بدهید. هر گروه می‌تواند برای نگهداری از درخت برنامه‌ای طراحی کند و بین اعضای خود تقسیم کار کند. اگر می‌توانید برای هر گروه یک آب‌پاش تهیه کنید.

## راهنمای درخت‌کاری به زبان ساده<sup>۳</sup>

۱. درخت‌ها را زمستان یا اول بهار می‌کارند. اول از همه باید یک نهال مناسب انتخاب کنی.
۲. جای مناسبی برای کاشت درخت انتخاب کن. جایی که با درخت‌ها و گیاهان دیگر آن قدر فاصله داشته باشد که وقتی نهالت بزرگ شده جایش تنگ نشود. بعد یک چاله بکن که تمام ریشه‌های نهالت به راحتی داخل آن جا بشود.
۳. نهال را از داخل بسته‌بندی‌اش در بیاور و آن را داخل گودال بگذار و

دورش خاک بریز. حتی می‌توانی مقداری کود هم با خاک مخلوط کنی و دور ریشه‌های نهالت بریزی. بعد با کف پاهایت خاک را لگد کن تا خوب سفت شود و نهالت کج نشود.

۴. کنار نهالت باید کمی گود باشد تا وقتی به آن آب می‌دهی، آب داخل این گودال جمع شود. حتماً بعد از کاشتن نهال آن را حسابی آب بده.
۵. یادت باشد که از این به بعد نهالت منتظر توست. مرتب به آن سر بزنی و مراقبش باش تا کم‌کم به درختی بزرگ و سبز تبدیل شود.

## معرفی کتاب مرتبط

🕒 برای بزرگ‌سالان:

🕒 طبیعت‌گردی با گیاهان ایران، مجید اسکندری، انتشارات ایران‌شناسی، ۱۳۹۳.

🕒 آشنایی با مهم‌ترین درختان، درختچه‌ها و پیچ‌های زینتی، سیدنجم‌الدین مرتضوی و سیده فرحناز طالبی، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۹۱.

🕒 درخت‌کاری: مدیریت تلفیقی درختان، درختچه‌ها و گیاهان بالارونده در فضای سبز (۲ جلد)، ریچارد ویلسن هریس، انتشارات سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهر تهران، ۱۳۸۰.

🕒 برای کودکان:

🕒 گیاهان شهر ما، باقری و همکاران، انتشارات برگ زیتون، ۱۳۸۹.

🕒 مردمی که درختان را در آغوش گرفتند (قصه‌های عامیانه درباره‌ی محیط زیست)، دیبورا لی رز، ترجمه‌ی مریم مقصودی، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۸۶.

🕒 جنگل حلبی، هلن وارد، ترجمه‌ی زهره خورسندی، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۸۷.

## معرفی فیلم مرتبط

🕒 مستند خلوت جنگل، کارگردان: فرهاد ورهرام

🕒 مجموعه‌ی مستند «هیرکان» (قسمت‌های پارک ملی گلستان، جنگل و...)، کارگردان: سعید نبی و دیگران

🕒 مستند جنگل ابر، کارگردان: احمد نیک‌کار

مرتبط با ...

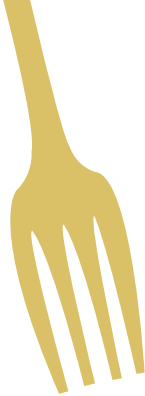
🕒 کتاب علوم تجربی پایه‌ی ششم / درس ۱۲ / صفحه‌ی ۸۶

🕒 کتاب فارسی پایه‌ی سوم / درس ۸۷

🕒 کتاب علوم تجربی پایه‌ی ششم / درس ۲ / صفحات ۱۴ و ۱۷

پی‌نوشت

۱. اگر به مطالعه‌ی بیشتر در زمینه‌ی رابطه‌ی کودک و طبیعت و پژوهش‌های انجام شده در این حوزه علاقه‌مندید، کتاب «کودک و طبیعت - در سنامه‌ی مدرسه‌ی طبیعت»، نوشته‌ی پیتز کان و استفن کلرت، ترجمه‌ی عبدالحسین وهزاده و آرش حسینیان از انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد را مطالعه کنید.
۲. برگرفته از کتاب «گیاهان شهر ما»، تألیف باقری و همکاران، انتشارات برگ زیتون، ۱۳۸۹.
۳. همان
۴. سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهر تهران در سال‌های گذشته کتاب‌های متنوعی درباره‌ی درختان چاپ کرده است که متأسفانه برای فروش موجود نیستند. اگر علاقه‌مند باشید، نسخه‌ی از کتاب‌های مذکور را در کتابخانه‌ی تخصصی این سازمان خواهید یافت.
۵. مستند مذکور تولید صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران است.



# اینجا جای من است؟

## سه‌م‌خواهی از کتاب درسی

نادر قوتی

خانم دکتر رضائی،

توقع نهادهای اجتماعی از

کتاب‌های درسی چگونه با برنامه‌ریزی

درسی منطبق می‌شود؟

نخست باید گفت هنوز تعدادی از سازمان‌ها یا افراد در کشور تصور می‌کنند یادگیری وقتی اتفاق می‌افتد که ما به آن‌ها اطلاعاتی بدهیم. براساس چنین نگرشی، اگر دانش‌آموز یا کودک درباره‌ی بیمه، بورس یا آتش‌نشانی و غیره اطلاعاتی داشته باشد، می‌تواند به‌صورت درست از این امکانات استفاده کند. این نگرش صحیح نیست و کتاب درسی هم نمی‌تواند به‌طور مستقیم مقید به معرفی این امکانات باشد.

این موضوع باید درست تبیین شود که ذکر مطلبی درباره‌ی یک خدمت یا امکان به معنای آن نیست که شنونده درباره‌ی آن چیزی یاد می‌گیرد و به آموختن آن ترغیب می‌شود. اما نگاه ما به‌عنوان کسانی که به همکاری مراکز مختلف نیاز داریم تا آن‌ها را به دانش‌آموزانی بشناسانیم، به چند دسته تقسیم می‌شود: ما مفاهیم کلی و اهداف کلیدی داریم که در کتاب‌ها می‌آیند و این‌ها نیز تابع اهداف دوره‌ها هستند. یک دوره مانند ابتدایی نیازمند تبیین اهداف و برنامه‌ای است تا به تحقق برسد. البته برای انتقال این مفاهیم کلیدی نیازی به بیان تمام جزئیات و نکات نیست.

ما برای گذراندن زندگی روزمره به‌عنوان یک شهروند ضروری است که مطالب مرتبط با نیازهایمان را بشناسیم.

کتاب درسی چند نمونه را در ارتباط با مفاهیم کلیدی توضیح می‌دهد. مثلاً در ارتباط با انبساط و انقباض در علوم، آیا تمام مثال‌ها یا مصداق‌ها را برای مخاطب بیان می‌کنیم؟ نه. مفهوم کلی و ایده‌ی کلیدی به بچه‌ها به‌خوبی آموزش داده می‌شود و دانش‌آموزان به‌عنوان یادگیرنده‌ی دائم و پویا از آن

اشاره

کتاب‌های درسی به‌دلیل اهمیتی که در تعیین محتوا و خط‌مشی نظام آموزش کشور دارند، کانون توجه مسئولان، کارشناسان و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش و دیگر سازمان‌ها هستند. دلیل اهمیت این کتاب‌ها متمرکز بودن نظام آموزشی کشور ماست. هر چند نگاه به‌بسته‌ی آموزشی در نظر است اما بیشتر عوامل آموزشی براساس محتوای کتاب درسی تعیین و اجرا می‌شود.

سؤال این است که تولید محتوای جدید در کتاب درسی براساس چه نیازی شکل می‌گیرد؟ تولید محتوای جدید در کتاب درسی زمانی اتفاق می‌افتد که شورای عالی انقلاب فرهنگی نیازی را برای آموزش احساس کند، قانونی در مجلس شورای اسلامی به تصویب برسد یا دولت مصوبه‌ای را در دست اجرا داشته باشد و نیاز به آموزش و یادآوری آن موضوع در کتاب درسی باشد، مانند هدفمندی یارانه‌ها و یا دفاع مقدس. وظیفه‌ی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است که این موضوعات متنوع را به کتاب آموزشی درسی تبدیل کند. برای تحلیل محتوای کتاب ابتدا باید پژوهش کرد: زبرای تولید محتوای کتاب آموزشی به این صورت نیست که مانند کتاب رمان، نویسنده هر آنچه از ذهنش تراوش می‌شود یا تجربه‌ی فردی‌اش را بازآفرینی کند و به‌رشته‌ی تحریر درآورد یا معلمی براساس تجربه‌ی خود کتاب درسی تألیف کند. مؤلف کتاب درسی باید متخصص موضوع باشد و اولویت نیازها را بشناسد. علاوه بر این لازم است با طرز نوشتن متون آموزشی و زبان آموزش نیز آشنا باشد. در این مواقع برای تألیف کتاب درسی گروهی تشکیل می‌شود تا اشتباهات فردی پیش نیاید. گروه‌های برنامه‌ریزی و تألیف یک کتاب درسی شامل نویسنده‌ی اصلی، معلم مجرب مربوط به درس و پایه‌ی تحصیلی، روان‌شناس، صاحب‌نظر معارف اسلامی، استاد ادبیات فارسی، متخصص حوزه‌ی هنر، گرافیک و طراحی، متخصص آموزشی و هم‌چنین متخصص دیگری در حوزه‌ی فناوری‌های آموزشی هستند و نحوه‌ی تدریس در آینده را نیز برنامه‌ریزی می‌کنند. در این فرصت به‌گفت‌و‌گو و نظرخواهی‌ای که از دکتر فاطمه رضائی، معاون آموزش ابتدایی سازمان پژوهش و دکتر فریدون اکبری شلدره، رئیس گروه زبان و ادب فارسی دفتر تألیف کتاب‌های درسی و مریم انصاری از مؤلفان گروه زیست‌شناسی و همکار گروه درسی علوم انجام شده است، نظر تان را جلب می‌کنیم.





## سه‌م خواهی در تألیف کتاب‌های درسی!

فریدون اکبری شلدره، رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی در این زمینه می‌گوید: «گاه سیل نیاز سازمان‌ها و گروه‌ها به سمت دفتر تألیف سرازیر می‌شود و سهم خواهی می‌کنند.»

## آیا کتاب درسی ویژه‌ی گروهی خاص است؟

کتاب درسی ویژه‌ی یک نحله، گروه و سازمان نیست بلکه کتاب ملی است. پس، باید سیمایی از فرهنگ، جمال و جلال پیکره‌ی فرهنگی و هویتی کشور را در خود نشان دهد. به سبب اهمیت و دامنه‌ی تأثیر کتاب‌های درسی، هجوم نیازها به سمت دفتر تألیف سرازیر می‌شود؛ یعنی سهم خواهی می‌کنند. مثلاً نیروی انتظامی، جامعه‌ی دانشگاهی، بازار و حتی مباحث گویشی و نهادهای محلی، منطقهای، استانی و حتی قومی انتظار دارند خودشان را در کتاب درسی ببینند.

## ورود بحث دفاع مقدس و مفاهیم اطراف آن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

واقع‌های دفاع مقدس یکی از مسائل جریان‌ساز پس از انقلاب اسلامی است. جنگ یک نام است اما در پس آن فرهنگ نهفته است، چون واژگان کلیدی آن آبشخور فکر و

استفاده

کنند. این سازمان وقتی معرفی ما را دیده است، آن بخش کودک و نوجوان را کامل‌تر کرده و با نظر خواهی از ما خواسته آن قسمت را غنی‌تر و متنوع‌تر سازد.

## دایرة‌المعارف یا کتاب درسی!

شما کتاب درسی‌ای را تصور کنید که بخواهد تمام نهادها و سازمان‌ها را معرفی و کارکرد آن‌ها را بیان کند. این می‌شود یک دایرة‌المعارف و طبیعتاً برای دانش‌آموزان بی‌اثر و ناکارآمد است.

اهداف هر دوره‌ی تحصیلی روشن است و در اختیار همگان قرار دارد. هر دوره‌ی تحصیلی می‌گوید که قرار است چه اهدافی محقق شود. در قبال این اهداف، آن سازمان‌ها نیز در حد امکانات و وظایف اقدام کنند. اگر این اقدامات در هماهنگی با سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش باشد، مفیدتر و مؤثرتر خواهد بود. با انفجار اطلاعات در دنیا، نقش مدرسه مانند همه‌جای دنیا دیگر این نیست که دانش‌آموز را با همه‌ی امور آشنا سازد بلکه نقش نظام آموزش و پرورش رسمی آشنا کردن دانش‌آموزان با ایده‌های اصلی و کلیدی است که جهانی‌ترین و کمتر دست‌خوش تغییر می‌شوند. نحوه‌ی مواجهه با هر تغییر نیز در آموزش‌ها به‌طور مستقیم و غیرمستقیم آموخته می‌شود. آماده‌سازی فرد برای مواجهه‌ی خردمندانه با تغییرات و پدیده‌های مقصود ماست. به‌نظر من اطلاع‌رسانی تضمینی نیست برای آنکه ما با آن خبر نیز مواجهه خواهیم داشت.

به بعد مصداق‌ها را می‌یابد و یافته‌هایش را با قاعده و ایده‌ی کلی تطبیق می‌دهد و سپس تشابه‌ها یا تفاوت‌ها را به دست می‌آورد. ما مصداق همه‌ی نیازها و طرق شناسایی و رفع آن‌ها را به دانش‌آموز نمی‌گوییم. بلکه نمونه‌هایی را ذکر کرده‌ایم که بقیه را خودش بیابد. کتاب درسی نه گنجایش معرفی همه‌ی نهادها و اصناف را دارد و نه رویکرد آموزشی این اجازه را می‌دهد. کشف و مصداق‌یابی از مواردی است که ما به آن توصیه می‌کنیم و کار مخاطب کتاب درسی است.

## آیا محدوده‌ی نهادها و سازمان‌ها از کلاس درس وسیع‌تر است؟

بله و ما می‌خواهیم دانش و آگاهی بچه‌ها درباره‌ی اطراف خود وسیع‌تر از محدوده و زنگ کلاس باشد. یادگیری واقعی آن است که شروع آن در مدرسه باشد اما صورت پیشرفته‌ی آن در جامعه ادامه می‌یابد. اگر این نهاد در این زمینه چنین کمکی کند، بهترین اتفاق است.

در مطالعات اجتماعی پایه‌ی ششم وقتی مبحث انرژی مطرح شده است، بچه‌ها باید فعالیت را در ارتباط با یک سایت متعلق به سازمان بهره‌وری انرژی انجام دهند. در آن سایت، بخش‌هایی نیز برای فعالیت کودکان و نوجوانان وجود دارد که می‌توانند از آن





فرهنگ شدند. واژه‌ی ایثار، جانبازی، مقاومت، پایداری هر کدام جریان‌ساز است که از این موضوع‌ها به‌عنوان مفاهیم محتوایی سازمان‌دهی کتاب‌های درسی بهره می‌بریم. روح جمعی پیکره‌ی یک جامعه باید بر بنیاد ساختار فرهنگی آن شکل بگیرد. یکی از اصلی‌ترین بنیان‌هایی که سبب فرهنگ‌سازی در ذهنیت نسل‌ها می‌شود، کتاب‌های درسی و مدرسی یک سرزمین است.

### ساختار کتاب‌های درسی در این زمینه چگونه است؟

ساختار تألیف کتاب درسی از پایه‌ی اول ابتدایی تا دوره‌ی پیش‌دانشگاهی دارای یک پیوستار محتوایی است که براساس این زنجیره‌ی محتوایی - موضوعی با توجه به تخصص‌های مختلف و عنایت به زوایای متفاوت روان‌شناختی و مباحث تعلیم و تربیت و حتی علوم میان‌رشته‌ای، برنامه‌ریزی صورت می‌گیرد و در نهایت به‌صورت پلکانی یک سیر صعودی را نشان می‌دهد. بنابراین، کتاب درسی، از یک سو به نیازهای روحی، روانی و آموزشی گروه سنی مخاطبان و از سوی دیگر به نیازهای فرهنگی پهنای کشور و از دیگر سو به مبانی و اهداف برنامه‌ریزی درسی خود توجه دارد. این وسعت نگرش، از ضرورت‌های تألیف کتاب درسی است؛ زیرا کتاب درسی باید اطلس فرهنگی مناسبی از فراخنای فکری، فرهنگی و باورشناختی سرزمین خویش باشد تا بتواند صدای رسای زبان و فرهنگ ملی همه به‌شمار آید.

### کتاب علوم، شامل دانستنی‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌هاست

مریم انصاری، دبیر زیست‌شناسی است و فوق‌لیسانس برنامه‌ریزی درسی دارد. او در زمینه‌ی سهم و حضور گروه‌ها یا سازمان‌های بیرونی در کتاب درسی علوم و چگونگی انتخاب موضوع آن می‌گوید: «محتوا و مفاهیمی که در کتاب علوم وجود دارد به سه بخش دانستنی‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌ها تقسیم می‌شود. مفاهیم علوم شامل زمین‌شناسی، زیست‌شناسی، فیزیک و شیمی است. مهارت‌ها نیز از جمله مهارت‌های زندگی به

تفکر منطقی منجر می‌شوند که برای افراد لازم است.

نگاه به این موارد از این نظر است تا توانمندی‌ها و شایستگی‌های دانش‌آموزان رشد یابد. نگرش‌ها کلی است و ممکن است در همه‌ی درس‌ها به نوعی نیازمند آن‌ها باشیم. برای مثال، ببینیم نگرش دانش‌آموزان نسبت به علم چگونه است.

### بنابراین می‌پرسیم مفاهیم از کجا و چگونه وارد می‌شوند؟

هر کشوری در تألیف کتاب از روش‌هایی بهره می‌گیرد. مثلاً از تجربه‌ی کشورهای دیگر. یعنی در این حوزه مفاهیم ما با علوم تجربی ژاپن یا آمریکا فرقی ندارد. برای زندگی در این جهان ما باید اطلاعاتی داشته باشیم و آن‌ها را به کودکان خود انتقال دهیم. این‌ها را سواد فناورانه هم می‌گوییم و با زندگی دانش‌آموز مرتبط است.

قبلاً مفاهیم فقط صرف‌ارائه‌ی مطالب علمی بود اما الان رویکرد دگرگون شده و آموزش‌ها وارد زندگی شده است. در این وضعیت مثلاً اگر به دانش‌آموز نشانی سازمان انتقال خون یا یک بانک را بدهیم باید آشنایی‌هایی با این فعالیت‌ها را به مرور کسب کند.

حال ممکن است برخی فعالیت‌ها قدری گسترده باشد و یک نهاد یا سازمان اجتماعی و علمی بخواهد خود را در کتاب درسی معرفی کند. این تقاضا گاهی نیز در اثر نشناختن جایگاه و هدف کتاب درسی مطرح می‌شود. کتاب درسی حجم محدودی دارد و باید پذیرفت که همه‌ی آموزش به کتاب درسی

متکی نیست.

گاهی در کتاب درسی با یک تصویر کوچک مطلبی آورده می‌شود و به خودی خود دنیایی حرف دارد. کتاب درسی، مجله نیست و کارکرد آن را

ندارد اما در جایگاه خود می‌تواند مؤثر باشد. واقعیت این است که امروزه تأثیر کتاب درسی نسبت به بسیاری رسانه‌های دیگر کمتر شده است. بعضی انیمیشن‌ها را ببینید، ماندگار می‌شوند. می‌شود مشکلات راهنمایی رانندگی را با همین برنامه‌های تلویزیونی مطرح کرد و نیازی به کتاب درسی نباشد. گاهی مناسب است سازمان‌ها و مراجعی که خواهان دیده شدن هستند، به مدرسه‌ها بروند و خود را به‌طور مستقیم به مخاطب معرفی کنند.

اگر دقت کنیم در دوره‌ی جدید مفاهیم جدید علوم تغییر نکرده است اما شیوه‌ی بیان، حرف‌های جدید یا رویکردهای جدید وجود دارد که باید اضافه شوند.

امروزه نسبت به گذشته از سوی سازمان‌ها، جوامع و مراکز بیرونی تقاضای بیشتری برای حضور در کتاب درسی داریم.

مثلاً بخشی از وزارت نفت در امور ساخت و نگهداری لوله‌های نفت که تقاضای معرفی داشتند، استدلال می‌کردند که افراد ناآگاه به لوله‌ها آسیب می‌رسانند و می‌شود از طریق کتاب نسبت به حفظ این ثروت اقدام کرد. کتاب ابعاد اثرگذاری محدودی دارد. بخشی از مشکلات هم با کتاب حل نمی‌شود و باید خانواده‌ها یا ارگان‌های دیگر به آن رسیدگی کنند.



# راهنمای تأثیرگذار برای آموزش خواندن به کودکان

سیده زهرا یاسینی



## فرایند خواندن مطلوب

### الف: انتخاب یا تهیه محتوا

- اولین و مهم‌ترین ملاک در انتخاب ادبیات کودک باید کیفیت ادبی آن باشد. نکات مربوط به دستور زبان، پاراگراف‌بندی و غیره را می‌توان در حاشیه‌ی انواع گوناگون مطالب مطرح کرد.

- هر فردی که برای کودکان می‌نویسد می‌داند که سن قهرمانان مرد یا زن داستانش باید یکی دو سال از کودکی که آن داستان را برایشان می‌نویسد، بیشتر باشد. هم‌چنین، اول باید داستانی خوب و جالب را انتخاب کرد و سپس تمرین‌های مربوط به خزانه‌ی لغات و رمزگشایی را حول محور آن داستان بنا گذاشت و نه به‌عکس. داستان‌های جالب نه تنها کودکان را مجذوب خواندن می‌کنند بلکه مهارت‌های یادگیری را نیز به‌طور طبیعی به‌همراه می‌آورند. در حالی که در داستان‌های کسل‌کننده نه علاقه‌ای بر داستان مترتب است و نه بر یادگیری.

- دستورالعمل‌ها هم نقش بسیاری در خواندن دارند. به‌طور کلی، کودکان دبستانی در نگهداشت هم‌زمان بیش از دو شرط

## اشاره

از نظر محققان

بهترین زمان برای

تدریس «خواندن» موقعی

است که کودک به سن عقلی شش

سال و نیم رسیده باشد. برخی از متخصصان

آغاز به خواندن را مجموعه‌ای از مهارت‌ها

می‌دانند که می‌توان آن‌ها را به اجزائی چون

توانایی تمییز بین حروف، توانایی ترکیب صداها

و غیره تقسیم کرد. برای بسیاری از کودکان

خواندن کار سختی است. اگر مطالب لذت‌بخش باشد، کودک به خواندن آن‌ها علاقه

نشان می‌دهد. بر این اساس، در طراحی فعالیت‌های مربوط به خواندن باید دقت کرد

و از لغات و مفاهیمی که جزو دانش قبلی کودک هستند، استفاده نمود. در واقع، باید

نیازهای فردی کودک رفع شود و او احساس موفقیت کند. صداشناسی در آغاز خواندن

نقش دارد، ولی باید به‌طور ساده آموزش داده شود. از اهداف مهم یادگیری خواندن

یکی این است که کودکان بفهمند مطالب نوشته شده و چاپ شده با معنی هستند و

دیگر اینکه این فرصت را به دست آورند که بر اثر تمرین، خواندن را فراگیرند. کودک

موقعی خواننده‌ی واقعی می‌شود که خواندن را با فهم کلی متن توأم کند و کلماتی را

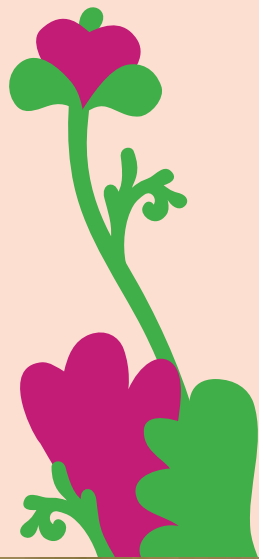
که املائی یکسان ولی معنای متفاوت دارند، تشخیص دهد. در واقع، موضوع اصلی در

تمام آموزش‌های نخستین در زمینه‌ی خواندن کسب اطمینان از این است که «کودک

آنچه را می‌خواند می‌فهمد». اسمیت (۱۹۸۸) بر این عقیده است که خواندن بیش از

آنکه رمزگشایی باشد، فرایند معنی بخشیدن به متن است. از نظر او خواندن عبارت

است از فرایند آزمایش فرضیه‌ها و حدس‌زدن درباره‌ی آنچه روی صفحه وجود دارد.



ناتوانند. در این گروه سنی از پیش دبستان تا پایان کلاس دوم بهتر است کار را با دستورالعمل‌هایی آغاز کنیم که شامل یک عمل ذهنی است. برای مثال، «تمام بادکنک‌هایی را که دارای نشانه‌ی «آ» هستند قرمز کنید.» دستورالعمل‌هایی را که شامل «دو» عمل ذهنی هستند زمانی می‌توان به کودک داد که تکالیف مبتنی بر «یک» عمل ذهنی برای او خسته‌کننده و کسالت‌بار شده باشند و انگیزشی در او ایجاد نکنند. دستورالعمل‌های مبتنی بر «سه» عمل ذهنی



را می‌توان برای گروه‌های سنی بزرگ‌تر و یا باهوش‌تر تدارک دید (الکایند، ۱۳۷۴).  
- نمایش تصویری غالباً در تهیه‌ی مواد درسی مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرد. مسلماً یکی از اصول عمده‌ی گرافیک برای کودکان دبستانی این است که حروف روشن و دارای اندازه‌ی مناسب بوده و فشرده به هم نباشند و نیز تصاویر ساده و به‌طور مستقیم به موضوع مربوط باشد. کودکان از تصاویر به عنوان اطلاعات متنی در بازشناسی و استخراج معنای کلمات استفاده می‌کنند. هر قدر تصویر مطابقت و نزدیکی بیشتری با داستان و متن داشته باشد، به همان اندازه

نقش مؤثرتری در درک داستان پیدا می‌کند. این امر به‌ویژه در مورد عناصر داستان صادق است. برای مثال، اگر در تصویر دوچرخه هست، متناظر آن باید در داستان بیاید.

### ب: آموزش خواندن

اعتمادبه‌نفس کودکان را از طریق خواندن افزایش دهید. دانش‌آموزان برای خواندن به اعتمادبه‌نفس نیاز دارند و این احساس را که «من واقعاً می‌توانم آن را انجام دهم» می‌توانند تجربه کنند. یکی از راه‌های پرورش حس اعتمادبه‌نفس در خواندن، قرائت مجدد مطالبی است که دانش‌آموز از قبل درباره‌ی آن مهارت کسب کرده است (اتول، ۱۹۸۵؛ ریتسما، ۱۹۸۸).

در خواندن و لذت بردن از آن سرمشق کودکان باشید. کودکان می‌توانند از طریق دیدن آنچه بزرگسالان انجام می‌دهند، اهمیت خواندن و لذت بردن از آن را بیاموزند.

برای کودکان زیاد بخوانید. خواندن برای کودکان نه تنها به آن‌ها سرمشق خواندن ارائه می‌دهد و به رشد سوادشان کمک می‌کند بلکه در کشف اینکه خواندن می‌تواند لذت‌بخش باشد و نمادهای چاپی دارای معنا هستند، به کودکان یاری می‌رساند.

کودک را قبل از سن خواندن زیر فشار قرار ندهید. اگر کودک خواندن را لذت‌بخش بداند، معمولاً مهارت‌های مناسبی را که قبل از خواندن لازم است، در خود پرورش می‌دهد. مطالعه‌ی اجباری ممکن است مانع این شود که کودک خواندن را فعالیتی لذت‌بخش بداند و در جست‌وجوی راه‌های فرار از خواندن برآید (بردزلی و میرسک، ۱۹۸۷).

برای رشد حرکات عمومی و مهارت‌های ادراکی لازم به هنگام خواندن از بازی و تمرین بهره بگیرید. برای تقویت توانایی تمیز و هماهنگی دست و چشم کودک باید تکلیف‌ها و تمرین‌هایی

ساده در زمینه‌ی سیاه‌مشق و نقاشی برای او تدارک ببینید.

خواندن و فعالیت‌های حاشیه‌ای آن را لذت‌بخش کنید. کودکان برای اینکه خوانندگان خوبی شوند باید وقت و تلاش کافی صرف مطالعه کنند. مطالعه باید لذت‌بخش باشد تا کودک بدان علاقه نشان دهد و از آن روی‌گردان نشود.

بر بهره‌گیری از تجاربی که به موفقیت می‌انجامد تأکید کنید. خیلی مهم است که فعالیت‌های مربوط به آغاز خواندن با دقت برنامه‌ریزی شوند؛ به‌طوری که کودک موفقیت در خواندن را احساس و تجربه کند. نه تنها فعالیت‌ها باید موفقیت را تسهیل کنند بلکه هر کودک باید احساس کند که کاری واقعی انجام می‌دهد.

بر تجربه‌ی خواندن با معنا تأکید کنید. گفتیم که یادگیری زمانی رخ می‌دهد که بین تجارب کودک با اطلاعات قبلی او پیوند برقرار شود تا از این طریق تجارب جدید او معنا دار شود. براساس این دیدگاه، معلم باید مواد خواندنی را طوری انتخاب و یا تدوین کند که لغات و مفاهیمی را که جزو دانش قبلی کودک است در برگیرد (کومبز، ۱۹۸۷).

در تدریس خواندن از روش‌های آموزشی متنوع استفاده کنید. هیچ روش واحدی وجود ندارد که بتوان گفت کلید سحرآمیز موفقیت است. تدریس خواندن در چنین دوره‌ی حساسی باید حتی‌الامکان با نیازهای فردی کودک تطابق داشته باشد.

به جای خطاهای دانش‌آموز بر موفقیت‌های او تأکید کنید. خوانندگان مبتدی اشتباه می‌کنند. تأکید باید بر تشخیص بهبود کیفیت خواندن کودک باشد نه بر اشتباهات او.

اجازه دهید کودکان حدس بزنند. خوانندگان مبتدی با استفاده از تصاویر و یا زمینه‌های کلامی داستان اغلب می‌توانند





## خاطره‌ی شیرین درس ریاضی

اشرف کرمی

آموزگار پایه‌ی چهارم، روستای دستجرد لالچین همدان

زنگ ریاضی بود و می‌خواستیم انواع زاویه‌ها را با گونی‌ها تدریس کنیم. برای دانش‌آموزان توضیح دادم که زاویه‌ی راست، تند و باز چگونه زاویه‌هایی هستند. بعد از تدریس، یکی از دانش‌آموزان از ته کلاس گفت: «خانم، من می‌توانم انواع زاویه را نشان دهم.» همه‌ی بچه‌ها به محمد نگاه کردند. محمد دستش را از آرنج خم کرد و با لهجه‌ی شیرین خود

گفت: «این زاویه‌ی راست است» و بعد کمی دستش را خم‌تر کرد و گفت: «این زاویه تند است» و بعد دستش را باز کرد و گفت: «این زاویه‌ی باز است.» همه‌ی بچه‌ها با صدای بلند خندیدند و من او را به خاطر خلاقیتش تشویق کردم.



کلمات را در حین خواندن حدس بزنند. این روش نادرستی نیست. بزرگ‌سالان نیز معنای کلمات ناآشنا را اغلب براساس زمینه و متن حدس می‌زنند. در مورد خوانندگان مبتدی روان خواندن مهم‌تر از بی‌نقص خواندن است (مک‌کئون، ۱۹۸۵).

تمرین کنید... تمرین کنید. هر چه دانش‌آموزان بیشتر بخوانند، بهتر خواهند خواند (اندرسون، ویلسون و فیلدینگ، ۱۹۸۸).

مشکلات احتمالی کودک در زمینه‌ی دریافت راتشخیص دهید و هر چه سریع‌تر درمان کنید. به‌رغم آنکه بیشتر کودکان قبل از ثبت نام مورد سنجش چشم و گوش کودکان قرار می‌گیرند، برخی از مشکلات آن‌ها مشخص نمی‌شود. اگر مشکوک شدید که کودک در درک و دریافت مطالب مشکل دارد، فوراً اولیا و مسئولان مدرسه را مطلع سازید.

مطالعه‌ی آزاد و دلخواه را جزو برنامه‌های دانش‌آموزان قرار دهید. دست کم هفته‌ای یک‌بار وقت معینی را به استفاده‌ی کودکان از کتاب‌خانه‌ی مدرسه اختصاص دهید تا به اختیار خود کتاب‌هایی را برای مطالعه برگزینند.

خواندن در منزل را تشویق کنید. محققان ارتباط مهمی بین خواندن کودکان در منزل و توانایی آنان در خواندن گزارش کرده‌اند. خواندن در منزل تأثیرات بسیار مثبتی بر رشد مهارت‌های خواندن کودکان دارد. پدر و مادران خواندن کتاب را برای کودکان ادامه دهند (مارو، ۱۹۸۸).

### منابع

۱. ال‌کایند، دیوید؛ رشد کودک و تعلیم و تربیت از دیدگاه پیازه، مترجم: حسین ناطلی، مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴.
۲. جان‌ای، گلاور؛ راجراچ، پرونینگ؛ روان‌شناسی تربیتی اصول و کاربرد آن، مترجم: علینقی خرازی، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۸.



# مرحبا به خودم!

مهارت‌های فراشناختی  
را به دانش‌آموزان بیاموزیم

زهره اولیائی

## اشاره

توانایی بیشتری در یادگیری و یادآوری دروس دارند. در پاسخ به این سؤال باید گفت که دلیل این تفاوت، متفاوت بودن مهارت‌های فراشناختی دانش‌آموزان است. با توجه به این موضوع در این مقاله به موضوع به‌کارگیری مهارت‌های فراشناختی به‌وسیله‌ی دانش‌آموزان و به کمک آموزگاران یا والدین خواهیم پرداخت.

در تمامی پایه‌های تحصیلی به‌ویژه دوره‌ی ابتدایی، هستند دانش‌آموزانی که به رغم هوش متوسط و یا بالا، در یادگیری برخی از دروس مشکل دارند و این مشکل موجب ناراحتی و بی‌رغبتی آنان نسبت به درس می‌شود. بدین ترتیب، این سؤال پیش می‌آید که چرا بعضی از دانش‌آموزان در مقایسه با دیگر دوستان خود





**کلیدواژه‌ها:** دانش‌آموزان، مهارت‌های فراشناختی، یادگیری بهتر

## یادگیری و فراشناخت

«یادگیری ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه‌ی یادگیرنده است؛ مشروط بر اینکه تغییر بر اثر اخذ تجربه رخ دهد.» (هیلگارد، ۱۳۸۳: ۱۹۸)

فراشناخت وسیله‌ی دست‌کاری و نظم‌بخشی فرایندهای شناختی، استدلال، درک، حل مسئله، یادگیری و مانند آن است و یا شناخت فرد درباره‌ی یادگیری خود. (متکالفه و شیمارو، ۱۹۹۴)

## انواع فراشناخت

✓ **دانش خبری:** دانش فرد یادگیرنده درباره‌ی چیسستی یادگیری و حافظه‌ی خود و مهارت‌ها و راهبردهایی که در فرایند یادگیری از آن‌ها استفاده می‌کند.

✓ **دانش عملی:** دانش فرد یادگیرنده درباره‌ی چگونگی به‌کارگیری راهبردهای یادگیری

✓ **دانش شرطی:** دانش فرد یادگیرنده درباره‌ی چرایی و زمان به‌کارگیری راهبردهای یادگیری (برونینگ و همکاران، ۱۹۹۹).

## اصلی‌ترین مهارت‌های فراشناخت

✓ برنامه‌ریزی

✓ مراقبت

✓ ارزش‌یابی (نلسون، ۱۹۹۶)

ما می‌توانیم به دانش‌آموزان بیاموزیم که از این مهارت‌ها به درستی استفاده کنند و توانایی تفکر و یادگیری خود را افزایش دهند (فلاول و همکاران، ۱۹۹۵). به گفته‌ی هالاهان یادگیری مهارت‌های فراشناختی برای دانش‌آموزان کم‌توان در یادگیری و یا اختلال توجه کمک بزرگی خواهد بود (هالاهان و کافمن، ۲۰۰۳).

## کاربردهای عملی مهارت‌های فراشناخت در کلاس و مدرسه

آموزگارگان عزیز نکات زیر را به دانش‌آموزانی که در یادگیری مشکلاتی

دارند، گوش‌زد کنند.

۱. برای انجام دادن تکالیف خود در خانه زمانی را مشخص کنید. مثلاً ساعت چهار تا پنج عصر و با خود بگویید من باید در همین زمان تکالیفم را انجام دهم، نه در زمان دیگر و نه بیشتر از این زمان.

۲. تکالیف دفتری خود را با استفاده از چند رنگ بنویسید. این کار باعث می‌شود دانش‌آموز با صرف وقت و دقت بیشتر، بهتر یاد بگیرد.

۳. برای انجام دادن تکالیف برنامه‌ریزی کنید، یعنی تکالیف را به ترتیب انجام دهید. برای مثال، اول خواندن فارسی، دوم نوشتن تکالیف، سوم نوشتن املا، چهارم نوشتن ریاضی و غیره.

۴. اگر در انجام تکالیف خود خطایی داشتید، آن خطا را روی کاغذی بنویسید و دوباره تمرین کنید.

۵. اگر شکل صحیح کلمه‌ای را یاد نمی‌گیرید، صدهای آن را چند بار به‌صورت رنگارنگ و بزرگ بنویسید.

۶. اگر درس را با نقاشی کردن یا برای دیگران توضیح دادن، بهتر یاد می‌گیرید، همین کار را انجام دهید. مثلاً مراحل رشد یک میوه، یا چرخه‌ی آب در طبیعت.

۷. هر روز از خود بپرسید امروز چه چیز یاد گرفته‌ام؛ تمام مراحل یادگیری خود را مرور کنید و به آنچه انجام داده‌اید نگاه کنید و از خود بپرسید:

۸. چه چیزهایی یاد گرفته‌ام که می‌توانم همیشه از آن‌ها استفاده کنم؟

۹. در جایی که انگیزه و تمرکز بیشتری برای درس خواندن دارید، بنشینید.

۱۰. با مطالعه‌ی درسی مثل تاریخ، دانش اجتماعی و جغرافیا آن را در ذهن خود تصویرسازی کنید.

۱۱. برای یادگیری بهتر از وسایل بدون خطر و در دسترس (با اجازه‌ی والدین) استفاده کنید.

۱۲. در حل مسائل ریاضی، با خواندن مسئله، آن را در ذهن خود تصویرسازی کنید

۱۳. وقتی چیزی را یاد می‌گیرید، خود

را تشویق کنید (آفرین به خودم که خوب یاد گرفتم، مرحبا به خودم!).

۱۴. معلم خود باشید؛ وقتی تمرکز ندارید و ضمن بازیگوشی و بی‌توجهی درس را یاد نمی‌گیرید، خود را سرزنش کنید. (ای دختر/ پسر بازیگوش، دقت نکردی!)

۱۵. درباره‌ی اشتباه‌های خود و چیزهایی که یاد نگرفته‌اید فکر کنید؛ مطالبی را که یاد گرفته‌اید در یک طرف کاغذ و آن‌هایی را که یاد نگرفته‌اید در طرف دیگر یادداشت کنید، سپس در ادامه‌ی تلاش دوباره، هر چیزی را یاد می‌گیرید خط بزنید.

۱۶. با هم‌فکری والدین برای یادگیری خود امتیازی قرار دهید: متوسط - خوب - خیلی خوب - عالی.

۱۷. معلم خود باشید و به کمک والدین، سؤال طرح کنید و از خود امتحان بگیرید؛ سپس به کمک والدین برگه‌ی خود را تصحیح کنید و به خود امتیاز دهید.

۱۸. درباره‌ی راه‌هایی که به کمک آن‌ها بهتر یاد می‌گیرید، فکر کنید و آن‌ها را بهتر بشناسید و به کار بگیرید.

## منابع

۱. اتکینسون، آر، آل، اتکینسون، آرسی، اسمیت، و دیگران؛ زمینه‌ی روان‌شناسی هیلگارد (ارنست هیلگارد)، مترجم: حسن رفیعی، نشر ارجمند، تهران، ۱۳۸۳.
2. BRUNING, R. H. G. J. SCHRAW & R. R. RONNING (1999), COGNITIVE PSYCHOLOGY AND INSTRUCTION, 3RD ED., COLUMBUS, OH: MERRILL.
3. FIAVELL, J. H., ET AL. (1995), THE DEVELOPMENT OF CHILDRENS KNOWLEDGE ABOUT ATTENTIONAL FOCUS. DEVELOPMENTAL PSYCHOLOGY, 31, 706-7112.
4. METCALFE, J. & A. P. SHIMOMURA (EDS). (1994). METACOGNITION: KNOWLEDGE ABOUT KNOWING, CAMBRIDGE, MA: MIT PRESS.
5. HALLAHAN, D. P. & J. M. KAUFFMAN (2003). EXCEPTIONAL LEARNERS: INTRODUCTION TO SPECIAL EDUCATION, 9 TH ED., BOSTON: AL- LYN AND BACON.
6. NELSON, T. O. (1996). CONSCIOUSNESS AND METACOGNITION. AMERICAN PSYCHOLOGIST, 51, 102-116

# ریاضی در خانواده

مترجم: نسرین امامی زاده  
نویسنده: دب راسل

## حمایت از ریاضی در خانه

- بازی کارت
- فنجان و کاسه‌ی اندازه‌گیری
- کاغذ و مداد

هدف، ایجاد موقعیت‌هایی برای حل مسائلی است که به استفاده از مفاهیم ریاضی نیاز دارد. حالا اجازه دهید به برخی از فعالیت‌های ممکن نگاهی بیندازیم.

اهمیت دادن به یادگیری و لذت بردن از برنامه‌های یادگیری مفاهیم ریاضی از خانه آغاز می‌شود. به دنبال مؤسسات آموزشی بودن برای پرورش عشق به ریاضی و شناساندن مفاهیم آن به کودکان کافی نیست. کودکان باید ببینند که ما به شرکت در موقعیت‌های یادگیری علاقه‌مندیم و همان تمایلات و موضوعات آموزشی را نشان می‌دهیم که آن‌ها تجربه خواهند کرد. فعالیت سرگرم‌کننده و متمرکز بر خانواده شگرد بزرگی است.

### ۱. پر کردن

**مفهوم:** پر کردن ظروف خالی فرصتی را برای درک مقایسه، اندازه‌گیری، حجم، برآورد، و هندسه فراهم می‌کند. با استفاده از یک فنجان اندازه‌گیری و ۴ ظرف در اندازه‌ی مساوی، پر کردن ظروف در سطوح مختلف (۱/۳ فنجان، ۱/۲ فنجان، ۳/۴ فنجان و ۱ فنجان) سؤالاتی را مطرح کنید که کودک را با مقایسه، ارزیابی و اندازه‌گیری درگیر کند. از جمله «کدام شیشه آب بیشتری دارد؟»، «کدام کمتر؟»، «به نظر تو، چند لیوان آب برای پر کردن این ظرف کافی است؟»

### ۲. ایجاد تغییر

**مفهوم:** شمارش، جمع، تفریق، و ضرب با استفاده از دسته کردن از کودکان بخواهید برخی از تغییرات را از طریق شمارش دستی

### راه‌حل: شب ریاضی خانواده

شب ریاضی خانواده نیازمند برنامه‌ریزی و یک وعده‌ی سالم از سرگرمی مطبوع با خانواده است. این تمرین محیطی سالم و امن برای والد و کودک فراهم می‌آورد که در آن ضمن تجربه‌ی فعالیت‌های ریاضی، پدر و مادر درمی‌یابند که چقدر برخی کارهای ساده علاوه بر سرگرم‌کننده بودن می‌توانند به مفهوم‌سازی و آموزش کمک کنند. مهم‌تر از همه، کودکان فرصت می‌یابند ببینند که پدر و مادرشان برای ریاضیات ارزش قائل‌اند. در همان حال پدر و مادر نیز بینش خودشان را نسبت به برنامه‌ی ریاضیات ارتقا می‌دهند.

### آنچه نیاز دارید

ریاضی شب به‌عنوان مثال در مورد امور روزمره‌ی زیر است:

- سکه‌های مختلف

ریال تومان

ریال تومان

امتیازات آسان تر شود. کسی که بیشترین امتیاز را بیاورد برنده است.

ب. پرتاب دو سکه: اگر سکه‌ها دوتا خط یا دوتا شیر بیاید، کودک شما ۱ امتیاز می‌گیرد اما اگر یکی شیر و یکی خط بیاید، شما ۱ امتیاز می‌گیرید. پس از ۵۰ پرتاب ببینید چه کسی امتیاز بیشتری دارد. چه می‌شود اگر یک نفر دو امتیاز برای هر دو شیر و فرد دیگری ۱ امتیاز برای هر خط بگیرد؟ آیا این عادلانه است؟

ج. پرتاب یک سکه: اگر سکه‌ی دوم جفت سکه‌ی اول باشد، کودک شما ۱ امتیاز و اگر سکه‌ی دوم جفت سکه‌ی اول نباشد، شما ۱ امتیاز می‌گیرید. این کار را ۵۰ بار انجام دهید. آیا نتیجه مثل بازی قبلی است؟

انواع فعالیت‌هایی را که کودک شما از آن لذت می‌برد، بشناسید و این فعالیت‌ها را به فرصتی برای یادگیری مفاهیم ریاضی بدل کنید. همه‌ی این تلاش‌ها حس بهتری نسبت به موضوع ریاضی در محیط خانواده ایجاد می‌کند.

پی‌نوشت

۱. بیشتر مفهوم شیر و خط و دو روی یک سکه را به دانش‌آموزان خواهیم گفت.

<http://math.about.com/od/earlynumeracy/a/Early-Math.htm>

و ذهنی به دست آورد. می‌توانید از او بخواهید تومان را به ریال تبدیل کند یا به عکس و حاصل را حدس بزند. برای مثال، «من ۱۰۰۰ ریال و ۲۰۰ تومان پول دارم. من چند ریال دارم؟»

### ۳. شماره‌ی من چیست؟

**مفهوم:** توسعه‌ی درک درست از ویژگی‌ها و معانی اعداد از کودکان بخواهید از ۱ تا ۱۰۰ عددی را انتخاب کند. برای یافتن عدد انتخابی از او سؤال‌هایی کنید. برای آگاه ساختن کودک از این مفاهیم سؤالات مفهومی بپرسید؛ مثلاً:  
«آیا عدد مورد نظر از ۵۰ بیشتر است؟»  
«آیا تک‌رقمی است؟»  
«آیا آن بیش از ۲۰ و کمتر از ۴۰ است؟»  
«اگر از صفر شروع کنم و ۳ تا ۳ تا بشمرم، به عدد انتخابی‌ات می‌رسم؟»

### ۴. احتمال چیست؟

**مفهوم:** درک احتمال در بسیاری از حوزه‌های ریاضیات ضروری است.

الف. پرتاب سکه: هر بار که شیر می‌آید کودک شما ۱ امتیاز و هر بار که خط می‌آید شما ۱ امتیاز می‌گیرید. ۵۰ بار آن را پرتاب کنید. برای هر ۵ شمارش شیر یا خط یک چوب‌خط بزنید تا پیگیری

# یادگارهای پدرم

## از آموزه‌های تربیتی

### شادروان استاد علی اکبر شعاری نژاد

#### سعید شعاری نژاد

اصول تربیتی که باور دارم تربیت می‌شوند و من فقط نقش نظارت بر آن‌ها را خواهم داشت.»

به هر حال، من معنی واقعی تأکید و فشارهای پدرم را وقتی درک کردم که وارد کار حرفه‌ای شدم و در ۳۰ سالگی مدیریت بخش «نگهداری و تعمیرات» یک شرکت هواپیمایی را به عهده‌ی من گذاشتند. علی‌رغم نداشتن تجربه‌ی قبلی مدیریت، نسبتاً موفق بودم چرا که سعی می‌کردم کلیه‌ی آموزش‌ها و تأکیده‌های پدرم را در این زمینه به کار گیرم.

سال‌ها بعد که شرکت خودم را با هدف استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته در صنعت برق برای حل مشکلات موجود در این صنعت تأسیس کردم، مستقیماً و دائماً این آموزش‌ها را به کار گرفتم و به لطف خداوند متعال «تربیت شدن به‌عنوان مدیر» توسط پدرم را به‌طور کامل حس کرده و به کار گرفتم. اکنون شکر گزارم و موفقیت خود را در کار مدیون پدرم می‌دانم.

#### رعایت حقوق دیگران

وقتی بزرگ‌تر شدم فهمیدم که چرا پدرم (و البته مادرم) این قدر در تربیت من و سایر فرزندان حساسیت به خرج می‌دادند زیرا یکی از حساسیت‌هایشان به‌عنوان بحث این بخش از نوشتار همین احترام به قانون و رعایت حقوق دیگران و نگذاشتن از حقوق خودمان بود و مرتباً ما را ضمن رجوع دادن به عقل و منطق به آیات قرآن و موارد دیگری مانند نهج‌البلاغه رهنمون می‌شدند.

#### تأکید بر داشتن صداقت

حدود پنج یا شش سالم بود که پدرم سپرده بوده هنگام آمدن از کودکستان چیزی را از بقالی نزدیک خانه بخرم. آن موقع‌ها بادم است که هر چه می‌خریدیم، بقال آن را یادداشت می‌کرد و پدرم آخر ماه تسویه حساب می‌کردند. من که با دوستانم مشغول صحبت بودم فراموش کردم سفارش را بخرم و وقتی پدرم سراغ آن را گرفتند و من از ترسم گفتم که حسن بقالی در مغازه‌اش نبود. پدرم نگاه خاصی به من کردند و گفتند: تا آخر عمرت این مورد یادت نرود که «نادان کسی است که دیگران را نادان فرض کند» و تأکید کرد هیچ وقت سعی نکن اشتباهت را به زور دروغ گفتن و گردن دیگران انداختن به طرف مقابل بقبولانی، جرأت

#### اشاره

به مناسبت اولین سالگرد درگذشت استاد علی اکبر شعاری نژاد، نیم‌قرن تلاش علمی وی در امر تعلیم و تربیت کشور را گرامی داشته و نخستین بار در مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی خاطراتی از ایشان را از زبان فرزند ارشدشان ذکر می‌کنیم.

#### فرزندی من داردت سود؟

خاطرات من از فرزند اول بودن خانواده از حدود پنج سالگی‌ام شروع شد. پدرم آن زمان در دانشسرای مقدماتی تدریس می‌کرد و مواقعی که گردش‌های آموزشی و تفریحی جمعه را برای دانشجویان ترتیب می‌داد من و برادر کوچک‌ترم را نیز با خود می‌برد. از ابتدای گردش به من تأکید می‌کرد که تو برادر بزرگ‌تر هستی، لذا بایستی حتماً مواظب برادر کوچک‌ترت باشی. این تأکید در آن سن و سال برایم اصلاً خوشایند نبود چون دوست داشتیم برای خود آزاد بوده و بازی‌های دلخواه خودم را انجام دهیم.

این شیوه ادامه یافت تا اینکه برادران کوچک‌ترم به ترتیب بعد از من وارد دبستان نمونه‌ی دکتر محسنی تبریز شدند یعنی مسئولیت من به عنوان فرزند ارشد از مدیریت در گردش‌های تفریحی به مدیریت برادران و بعداً خواهرانم در کلیه‌ی روزهای سال تبدیل شد و حتی بعد از ازدواج خودم و برادران و خواهرانم نیز به‌طور غیرمستقیم و البته کمتر از گذشته ادامه یافت و فکر می‌کنم تا وقتی زنده‌ام، به‌دلیل نهادینه شدن این گونه تأکیده‌های مرتب پدرم روی این مسئله، این حس مسئولیت را حتی به نوه‌ها خواهم داشت.

در زمان کودکی و جوانی همیشه از اینکه پدرم این همه به من به‌عنوان فرزند اول فشار آورده بود دلخور بودم و اینکه مسئولیت اشتباهات برادران و خواهرانم را (در صورتی که با حضور یا اطلاع من بود) به گردن من می‌انداختند بسیار ناراحت می‌شدم و دیگر اینکه همواره در مقابل سؤال من که «چرا مرا مسئول اشتباهات برادران و خواهرانم می‌دانید؟» جواب همیشگی‌شان این بود که: «تو چه خواهی چه نخواهی الگوی برادران و خواهرانت خواهی بود و آن‌ها بیش از اینکه ما را الگو قرار دهند تو را الگو قرار خواهند داد چون از نظر سنی به آن‌ها نزدیک‌تر هستی، بنابراین، بایستی مطمئن شوم که برادران و خواهرانت با الگوبرداری از تو با همان



## با مجله‌های رشد آشنا شوید

### مجله‌های دانش آموزی

(به صورت ماهنامه و ده شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

**رشد کودک** (برای دانش آموزان آمادگی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی)

**رشد نوجوان** (برای دانش آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی)

**رشد دانش آموز** (برای دانش آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی)

### مجله‌های دانش آموزی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

**رشد نوجوان** (برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه اول)

**رشد جوان** (برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه دوم)

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

- رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی
- رشد مدرسه فردا ♦ رشد مدیریت مدرسه ♦ رشد معلم

(به صورت فصل‌نامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

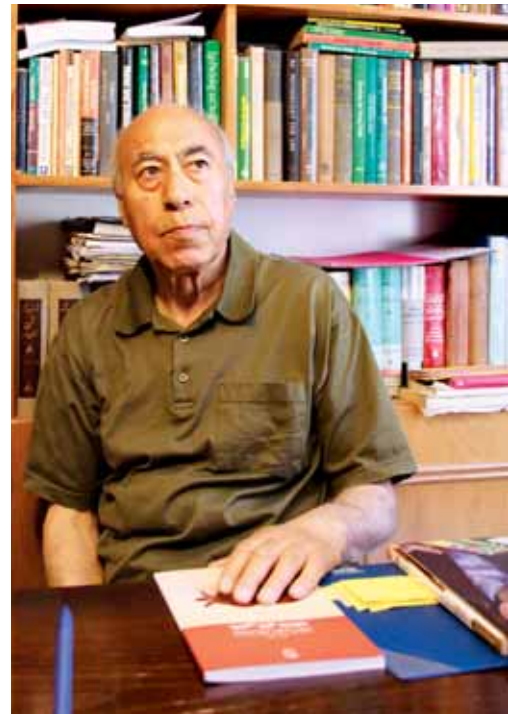
- رشد برهان آموزش متوسطه اول (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره متوسطه اول)
- رشد برهان آموزش متوسطه دوم (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره متوسطه دوم)
- رشد آموزش قرآن ♦ رشد آموزش معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا ♦ رشد آموزش زبان ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد آموزش زمین‌شناسی ♦ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش ♦ رشد آموزش پیش دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شود.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی.

♦ تلفن و نمابر: ۸۱۳۰۱۴۷۸ - ۲۱

قبول اشتباه را داشته باش. ضمناً، پدرم به ما اجازه‌ی قسم خوردن نمی‌دادند و صراحتاً می‌گفتند: اگر می‌خواهی با توسل به قسم خوردن حرف‌های غیرراست را طرف مقابل باور کند، مطمئن باش در واقع خودت را گول زده‌ای. در سال‌های بعد (البته کماکان در دوران کودکی)، وقتی موردی را پدرم سفارش کرده بودند و من یا یکی از برادران و خواهرانم فراموش کرده بودیم انجام دهیم و صرفاً با جمله‌ی کوتاه «بخشید که فراموش کردم» یا سعی در توجیه این فراموش‌کاری



داشتیم که سنگینی این اشتباه را روی خودمان کمتر حس کنیم، جمله‌ای با این مضمون می‌گفتند: «چرا مثلاً نهار خوردن را فراموش نکرده‌ای؟»

## تأکید بر پرسشگر بودن

پدرم اعتقاد داشتند که انسان بایستی در هر موردی پرسشگر باشد تا با تحلیل جواب‌هایی که می‌شنود به جمع‌بندی رسیده و آنچه منطقی به نظر می‌رسد قبول کند و نه به این دلیل که این جواب را مثلاً پدر، مادر و غیره می‌دهند. موردی که در کودکی و در این رابطه به خاطرمان مانده و روی من اثر کرده است، زمانی بود که به دبستان دکتر محسنی (واقع در خیابان دانشسرای تبریز) می‌رفتم و بعضی مواقع مسیر را دنبال پدرم ادامه می‌دادم. یک روز پدرم گفتند: «چرا دنبال من می‌آیی؟ چرا مسیری غیر از مسیری که هر روز می‌روی امتحان نمی‌کنی که شاید کوتاه‌تر و بهتر باشد؟» من جواب دادم که به هر حال شما مسیر درستی را انتخاب می‌کنید. گفتند که این گونه برداشت می‌تواند درست باشد اگر با مطالعه و براساس منطق باشد و غلط خواهد بود اگر صرفاً براساس دنباله‌روی بدون آگاهی و تحلیل باشد و همواره بایستی خودت بر حرکت‌ها و مسیرهایی که انتخاب می‌کنی نگاه انتقادی داشته باشی تا احتمال خطا کمتر شود.

بعدها در زمانی که وارد بازار کار شدم و مسئولیت مدیریت تعدادی از همکاران را به عهده گرفتم به عمق این مطلب بیشتر پی بردم. به‌طور مثال، وقتی به مهندسان جوان‌تر از خودم پروژه یا طرحی واگذار می‌کردم و می‌گفتم به این شکل عمل کن، وقتی آن‌ها می‌آمدند و آنچه که من گفته بودم عیناً عمل کرده بودند، سؤال می‌کردم؛ چرا به این شکل عمل کردید؟ و جواب سریع این بود که «چون شما گفتید» و من همواره در جواب می‌گفتم که شاید من اشتباه کرده باشم که احتمال آن هم می‌رود. شما نباید بدون اینکه کاملاً مطالعه کرده و فهمیده باشید به آن عمل کنید؟



# همراهان



## اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی

### برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوه اشتراک:

شما می‌توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سه‌راه آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir) و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگاه دارید).

◆ نام مجلات در خواستی:

◆ نام و نام خانوادگی:

◆ تاریخ تولد: ◆ میزان تحصیلات:

◆ تلفن:

◆ نشانی کامل پستی:

استان: شهرستان:

خیابان:

پلاک: شماره پستی:

شماره فیش بانکی:

مبلغ پرداختی:

◆ اگر قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

◆ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

◆ وبگاه مجلات رشد: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)

◆ اشتراک مجله: ۱۴-۷۷۳۳۳۷۱۳-۰۱۱۰۷۷۳۳۳۶۵۷۷۳۳۵۱۱-۲۱

◆ هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۳۰۰/۰۰۰ ریال

◆ هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال

دبستان عدل، اصفهان. با «دغدغه‌ی ثبت‌نام».

مینا محمدی خشویی،  
آموزگار آموزشگاه شهیدان  
ایزدی، نجف‌آباد. با «آب و بابا».  
سمیه قاسمی‌مقدم، آموزگار  
دبستان شهید قندی، مورچه‌خورت.  
با «چگونه توانستم از تلقیح دروس،  
انشا را تقویت کنم»  
فاطمه قاسمی، دبستان انقلاب،  
فلاورجان. با «دفتر پیام».

«همراهان ما» شبکه‌ی ارتباطی  
مجله با خوانندگان است. شما  
می‌توانید از طریق ارسال نامه به  
نشانی صندوق پستی، فرستادن  
نمابر و یا بست الکترونیکی،  
تماس تلفنی و مراجعه حضوری  
با دست‌اندرکاران مجله‌ی خود  
در ارتباط باشید. در این فرصت  
نیست بازخورد برخی ارتباطات  
مخاطبان را ذکر کرده‌ایم.

## البرز

پوران نوری، آموزگار ناحیه‌ی  
سه کرج، دبستان تربیت. با «وزارت  
آموزش و پرورش...» و «مهندسی  
ارزش رویکردی متعهدانه و...».  
میترا لشینی، آموزگار دبستان  
شهیدان معظمی گودرزی، ناحیه‌ی  
سه کرج. با «ارزش‌یابی توصیفی».  
حدیثه اوچانی، آموزگار دبستان  
اسدی لاری، ناحیه‌ی سه کرج. با  
«آموزش مفهوم انرژی‌های نو به کمک  
بازی».

معصومه مستخدمین حسینی،  
گرم‌دره، با «خاطره».  
سهیلا کریمی پاشاکی، دبستان  
شهیدان نصیری، ناحیه‌ی سه کرج. با  
«خاطرات مدرسه».  
فریبا بابایی، ناحیه‌ی سه کرج،  
دبستان شایستگان ۱. با «تأثیر رنگ‌ها  
بر ذهن و سلامت فراگیران».

## تهران

حسین مهاجر، دبستان سعدی،  
منطقه‌ی هشت. با «تخصصی شدن  
در ورزش».  
شادی صدیقیان، آموزگار دبستان

## آذربایجان شرقی

اکرم احمدی، شهرک یاغچیان،  
تبریز. با «ریس‌پزی».  
ربابه زلفی‌خامنه، مشاور دبستان  
شاهد بنی‌اکرم، ناحیه‌ی چهار،  
تبریز. با «تحول در سبک زندگی» و  
«تفاوت‌ها».

## آذربایجان غربی

حسین محمدیان، آموزگار  
دبستان شهید فتاحی. سردشت. با  
«انگبین در دهان خوک ناآگاهی».

## اصفهان

مهری آقایی، آموزگار، شهرستان  
شیران. با «اولین روز کلاس»، «گاهی  
با زنگ تفریح دانش‌آموزان» و «دندان  
سفید من».  
زهرا عبداللهی، ناحیه‌ی  
پنج اصفهان. با «چگونه توانستم  
آموزگاران را به مطالعه‌ی مجلات  
رشد علاقه‌مند کنم؟!»

فریبا حاتمی، آموزگار دبستان  
الزهراء شاهین‌شهر. با «عطای  
تشویقی، ایجاد انگیزه...».  
اکبر احمدیان باغباداران، مدیر



فجر شاهد. منطقه‌ی سه تهران. با «خبرمهم».

**سیده زهرا هاشمی زاده**، آموزشگاه دخترانه‌ی شهید باهنر، شهرستان ملارد. با «سرگرمی‌ها» و «شعار زندگی».

**فاطمه ملکی**، دبستان راه زینب، منطقه‌ی ۱۷. با «تجربه‌ی سبز».

**فریناز مشتاقی**، آموزگار دبستان شهیدموسوی، منطقه‌ی پنج. با «تقویت پیوند سنجش عملکرد و تصمیم».

### چهارمجال بختیاری

**محمود هاشمی شهری**، دبستان هجرت. ناحیه‌ی دو شهرکرد. با «ضرب رنگی».

### خراسان رضوی

**مهوش توکل**، آموزگار دبستان شهدای حسین آباد، جغتای سبزوار. با «روی میز نشینان کوچک».

**زهرا امینی**، آموزگار دبستان شهیدرجایی، نیشابور، روستای عبدالله‌آباد. با «باران در کلاس».

**جواد ماهر**، معاون مجتمع روستایی شهید همت، روستای صفی‌آباد، زاوه. با «رؤیای مکتوب».

**ولی نجاتی**، آموزگار آموزشگاه مهندس سلیمی، قوچان. با «اصول تدریس و نگاره».

**علیرضا قربانی‌پور**، مدیر دبستان امام حسین (ع). با «پروژه‌ی زنگ کتاب...».

**فریبا کوشکی**، آموزگار دبستان شاهد، سبزوار. با «لازمه‌ی آشنایی دانش‌آموزان...».

**سیدمحمود حسینی**، محلات، شهرشادمهر. با «نگاه روان‌شناختی به نقش کودکان».

### خراسان شمالی

**رجبعلی باقری**، آموزگار دبستان شهید مفتاح ایور. گرمه. با «معلم

نمونه» و «از این اتفاق‌ها».

**حسن فریدی**، مربی، شیروان.

با «آسیب‌شناسی اسلامی و روان‌شناختی مسائل جوانان...».

### خوزستان

**بتول جعفری**، آموزگار دبستان شهید موحد، ماهشهر، با «متن و عکس بازی».

**غلامحسین ظفری**، ناحیه‌ی دو، اهواز. با «روش پروژه...».

**مریم آرمان‌زاده**، آموزگار روستای قلعه‌ربع، دزفول. با «آموزش بخش‌پذیری...».

**مریم روشندل نساج**، آموزگار دزفول. با «مقایسه‌ی روش تدریس پودمانی و همیاری...».

### زنجان

**سهیلا فریقی**، کارشناس ارشد روان‌شناسی، ناحیه‌ی یک. با «ویژگی‌های دانش‌آموزان دیرآموز...».

**صفی‌اله میرزایی**، آموزگار. منطقه‌ی بزینه‌رود، خدابنده. با «خلاقیت و فنون پرورش آن».

**هاشم صیوری**، شهرستان خدابنده، با «جغرافیای پنجم».

**خدیجه اکبری**، آموزگار، قیدار، روستای نعلبندان. با «نمونه فعالیت‌های مکمل».

### سیستان و بلوچستان

**ام‌البنین باقری‌نسب**، ناحیه‌ی یک زاهدان. با «خاطره و پیشنهاد».

**زهرا سپاهی‌سیب**، آموزگار دبستان روستایی سلمان فارسی، ایرانشهر. با «آموزش مفهوم کسر».

**سمیه علیخانی**، دبستان هدف، چابهار، با «یادگیری املا» و «تکات کلیدی مطالعه».

### کردستان

**علیرضا سودمند**، آموزگار منطقه‌ی گرانی. با «روز اولین».

**ابراهیم کریم‌زاده**، ناحیه‌ی دو سنندج. با «عوامل مؤثر بر یادگیری».

**سیدخالد حسینی**، منطقه‌ی زیویه، با «روش‌های آموزشی انشا».

### گلستان

**مرضیه جعفری**، آموزگار، رامیان. با «بازی‌های آموزشی» مقاله‌ی «تأثیر تربیت دینی در روان‌درمانی» به مجله‌ی رشد معارف ارسال شد، لطفاً از آن طریق پیگیری فرمایید.

### لرستان

**فاطمه یوسفی‌پور**، آموزگار، بروجرد. با «درس زیارت در کتاب فارسی دوم».

### مازندران

**فروغ پروهده**، آموزگار، ناحیه‌ی یک ساری، با «مهارت‌های زندگی».

**محمد نیکویی**، چمستان. با «نقش تولید محتوای الکترونیکی خودساخته...».

**طاهره شیرخانی**، آموزگار مرکز شهید عابدینی‌پور بابلسر، با «پیشگیری از اختلالات یادگیری» و «چگونه کودکان دارای ناتوانی یادگیری را بشناسیم» و «نغمه‌ی مهر». «آهنگ عصای سپید» را به مجله رشد سپید دادیم.

**زهرا بانو قدیمی**، آموزگار، دبستان صادقیه، ساری. با «خاطره‌ی پایه‌ی چهارم».

**وحید حاج سعیدی**، دبستان شهید هدایتی، علی‌آباد کتول. با «خشونت در مدارس ابتدایی...».

**زهرا کمشی‌کمر**، معاون آموزشی مجتمع شهید گوکلانی، علی‌آباد کتول. با «اجرای هوشمندسازی...» و «نادیده گرفتن مسئله» و «تعهد هم‌عرض...».

**ربیع حیدری**، دبستان شاهد، نکا. با «تاق فکر».

**محمدحسین صفایی**، ام‌البنین نیک‌پی. ناحیه‌ی دو، ساری. با «ارزش‌یابی توصیفی...» و «نگاهی به جشنواره‌ی جابرین حیان».

**عماد روشن‌قیاس**، سرگروه آموزشی، ساری. با «تکاتی در تدریس ریاضی».

### مرکزی

**زهرا شاهوردی**، آموزشگاه شهدای ۱۵ خرداد، خمین، با «چگونه می‌توانم نگرانی دانش‌آموزم را کاهش دهم؟»

**اکرم عابدی**، آموزگار دبستان شهیدمحلاتی، محلات. با «ملای تاول‌زده».

**لیلا خادمی**، ناحیه‌ی دو اراک، آموزگار. با «چگونه می‌توانم علاقه‌ی دانش‌آموزان پایه‌ی ششم دبستان هاشمی را به کتاب‌خوانی و پژوهش افزایش دهم؟»

### آثار این دوستان رسید

**الهه شیرزاد**، با «صبحانه و اهمیت مصرف آن». **احمد ورزشار**، با «کار».

**مهدی محمدعلی**، معاون آموزگار دبستان سلطان‌آباد قرلنیه. با «چگونه توانستم مهارت خواندن دانش‌آموزان پایه‌ی اول...».

**زهرا عبداللهی**، با «ارزش‌یابی کیفی-توصیفی». **حسن فریدی**، دبیر، با «ایتام در قرآن و روایات».

**سیدمحمدرضا طباطبایی**، یزد، با «سواد خواندن».

**مریم قاسمی**، با «اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس دانش‌آموزان».

**بنفشه مخزن**، دبستان شهید هادی مدرسی، با «آموزگاران در بحث حماسه‌ی سیاسی، اقتصادی چگونه ایفای...».

**فرهاد کریمی**: «بافتناوری‌های نوین...». **نادر محمدی**، افشین پا‌آهو. با «جایگاه عزت نفس...».

# جوراب مدتیج!

زهرا امینی

مدرسه‌ی شهیدر جایی، نیشابور، زیرخان روستای عبدالله‌آباد



و می‌خندیدم که این چه بچه‌ای بوده که روی چکمه‌هایش جوراب کشیده است. دوست داشتم صاحب این کفش‌ها را شناسایی کنم. دوربین عکاسی را برداشته و یک عکس از کفش‌ها گرفتم. به دفتر مدرسه رفتم و این موضوع به اصطلاح خنده‌دار را برای مدیر مدرسه که بومی همان منطقه بود، بازگو کردم. منتظر بودم که او هم مثل من تعجب کند، اما توضیح داد که در این روستا به دلیل اینکه اهالی با یخبندان‌های زیادی روبه‌رو می‌شوند، برای مقابله با زمین خوردن و سر خوردن روی یخ‌ها والدین چاره‌ای ندارند جز اینکه روی کفش‌های کودکان خود یک جفت جوراب بکشند تا نوعی اصطکاک به وجود آید. با شدت گرفتن سرما به مرور زمان دیدم که خیلی از اولیای دانش‌آموزان نیز این کار را انجام می‌دهند و این روشی خلاقانه در روستا برای مقابله با سر خوردن روی یخ بود!

اولین سال خدمتم در منطقه‌ی سرولایت نیشابور به‌عنوان معاون دبستان در روستای برزنون بود. کوجه‌های روستا و حیاط مدرسه فاقد هرگونه آسفالت و بتن بود و از آنجا که فقط هفته‌ای دو روز نیروی خدمتگذار به مدرسه می‌آمد و کلاس‌ها را نظافت می‌کرد، با شروع فصل سرما همه‌ی کلاس‌ها و سالن مدرسه را موکت می‌کردند و در قسمت ورودی درب سالن جاکفشی نصب شده بود تا دانش‌آموزان در ابتدای ورود کفش‌های خود را بیرون بیاورند و کفش‌هایی که مخصوص کلاس بود بپوشند و وارد شوند تا به این شکل از ورود گل و خاک به کلاس‌ها کاسته شود.

در یکی از اولین روزهای سرد و یخبندان زمانی که از سالن رد می‌شدم ناگهان چشمم به یک جفت چکمه افتاد که روی آن جوراب کشیده شده بود! برایم عجیب و جالب بود و به چکمه‌ها نگاه می‌کردم